



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

مافه‌نامه

اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی

۱۴۶-۱۴۵-۱۴۴

خاطرات تابناک شهید محمد یوسف غضنفر در نخستین سالیاد عروج ملکوتی او ماندگار باد !





دیدار الحاج محمد اسماعیل غضنفر با جلالتماب محمد اشرف غنى رئیس محترم جمهور "پیرامون فرصت های تجارته"

(TIR) واسطه‌های حامل کالاهای افغانستان، در داخل خاک کشورهای همسایه و منطقه رفت و آمد داشته باشند.

ضمناً، در این نشست، روی سکتور نفت و گاز، اشتراک نظر صورت گرفته و مقام عالی ریاست جمهوری گفتند که سیستم پایپ لاین انتقال نفت و گاز میان افغانستان، ایران و ترکمنستان، توسعه یافته و به بهره برداری خواهد رسید.

در این گفت‌و‌گو پیرامون سکتور زراعت در کشور به صورت همه جانبی صحبت شده و مقام عالی ریاست جمهوری تاکید نمودند که دولت افغانستان، روی فرآوری و صادرات محصولات بی‌نظیر زراعتی افغانستان، توجه خاص دارد و دولت افغانستان، امکانات ویژه سرمایه گذاری را به سرمایه‌گذاران در این بخش واگذار خواهد نمود.

در آن دیدار، محترم محمد اسماعیل غضنفر، رئیس عمومی فدراسیون اتاق‌های افغانستان، از توجه مقام عالی ریاست جمهوری، به توانمند سازی سکتور خصوصی کشور به هدف رشد و اکتشاف اقتصاد افغانستان، تشکر و امتنان نموده و گفت که فدراسیون اتاق‌های افغانستان، منحیث ساختار همه شمول سکتور خصوصی کشور، متعهد به هر گونه همکاری با دولت افغانستان، است.

محترم محمد اسماعیل غضنفر، رئیس عمومی فدراسیون اتاق‌های افغانستان، با جلالتماب محمد اشرف غنى، رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، پیرامون فرصت‌های تجاری، سرمایه گذاری و زراعتی دیدار و گفت‌و‌گو نمودند.

در این نشست مقام عالی ریاست جمهوری گفت که، از بهر رشد و توسعه اقتصاد کشور، فراهم آوری زمینه کار و تجارت و بهره‌وری ظرفیت‌های بلقوه اقتصادی داخلی، دولت افغانستان، زمین‌های تجاری، رهایشی و زراعتی را با قبالت شرعی به سکتور خصوصی و علاقه مندان سرمایه گذاری، توزیع می‌نماید. این روند از ولایت‌های کابل، کندهار، هرات، خوست، ننگرهار و بلخ آغاز شده و در سایر ولایت‌های کشور نیز تطبیق خواهد شد.

همچنان، در این نشست مقام عالی ریاست جمهوری گفت که سکتور ترانسپورت و حمل نقل در کشور تقویت خواهد گردید تا محصولات افغانستان، در زمان مناسب به بازارهای منطقه و جهان عرضه گردد. دولت افغانستان، روی ظرفیت سازی سکتور ترانسپورت در کشور کار می‌نماید تا پس از این با استفاده از سیستم حمل و نقل

ماستر کریدت کارت

Master Credit Card



- مصوّن و راحت
- جلوگیری از حمل پول نقد
- مدیریت آسان پرداخت ها
- بهترین نحوه پرداخت در سراسر جهان



Monthly Magazine

Economical-Social-Cultural

144-145-146

گشایش نمایندگی غضنفر بانک در تایمنی شهر کابل



فهرست مطالب



سرمقاله

۲

- نقش راه آهن در توسعه تجارت و رشد اقتصاد کشور

اقتصادی

۳

- پیام تسلیت به مناسبت نخستین سال یاد شهید محمد یوسف غضنفر

۵

- گشایش نمایندگی غضنفر بانک در تایمی - کابل

۶

- تشکیل اعضای هیئت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان

۱۰

- چشم انداز همکاریهای اقتصادی ترکیه با افغانستان با توجه به راه لاجورد

۱۹

- آشنایی با مهمترین مفاهیم اقتصادی

۲۷

- جهانی شدن اقتصاد آسیای مرکزی

۳۲

- تجربه آلمان در توسعه اقتصادی

۳۵

- د کوچنیو او متوسطو کاروباری فرصت‌نو ایجاد

۴۰

- نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی

۴۲

- ضرورت خلاقیت در موفقیت کسب و کار

۴۵

- توسعه چیست و شاخص های توسعه کدامند؟

۴۷

- تفاوت میان رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی چیست؟

اجتماعی

۵۰

- چگونه در خود انگیزه ایجاد کنیم

۵۷

- نمایندگی های غضنفر بانک

۵۸

- انواع و نحوه تشخیص احساسات

۶۲

- ترکه (متروکه)

ادبی

۶۵

- نیستان (ویژه شعر و ادب)

۶۷

- جمله های طلایی

ماهنشا نهضت غضنفر بانک

حوت ۱۳۹۹، حمل و ثور ۱۴۰۰ خورشیدی

صاحب امتیاز: غضنفر بانک
 مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
 مدیر مسؤول: نور احمد فهیم

تحت نظر هیأت تحریر

دیزاینر: محمد رضا "حسنی"

اداره ماهنشا نهضت غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶، چهار راهی شیرپور، سرک عمومی
وزیر محمد اکبر خان، کابل-افغانستان

+93 (0) 797 860 000

media-manager@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپ: چاپخانه بهبر - کابل

سخن ماه

نقش راه آهن در توسعه تجارت و رشد اقتصاد کشور

افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و وفور منابع معدنی از اهمیت ویژه برخوردار است. این کشور کوهستانی و محاط به خشکه در نیم کره شمال - شرقی و در محدوده آسیای میانه واقع شده است. کشورهای تاجیکستان، اوزبکستان و ترکمنستان در شمال افغانستان، ایران درغرب، پاکستان در جنوب و جنوب شرق و کشور چین در شرق آن قرار دارد. افغانستان نزدیک ترین راه اتصال جنوب آسیا و آسیای میانه به شمار می رود و این امر برای دسترسی کالاهای صادراتی هند و پاکستان به بازارهای آسیای میانه از اهمیت خاصی برخوردار است. خصوصاً پروژه های تاپی و کاسا یکهزار به اهمیت اقتصادی کشور ما افزوده است.

امکانات و وسائل حمل و نقل برای انتقال انسان‌ها و کالاهای تجاری در توسعه تجارت و رشد اقتصاد کشورها نقش تعیین کننده دارد. متأسفانه افغانستان به دلیل نداشتن بنادر آبی و خط آهن سراسری در انتقال کالاهای تجاری، بویژه صدور میوه‌تازه به خارج از کشور همواره با مشکل مواجه بوده است. اما اخیراً اتصال افغانستان با خط آهن کشورهای همسایه از جمله اوزبکستان، ایران و ترکمنستان یک دستاورد بزرگ در این راستا به شمار می رود. هم اکنون افغانستان از طریق خط آهن به کشور چین، آسیای مرکزی و کشورهای اروپایی وصل شده است و تا کنون بسیاری از کالاهای وارداتی و صادراتی افغانستان از طریق خط آهن انتقال شده است. حمل و نقل ریلی نقش اساسی در انتقال کالاهای وارداتی و صادراتی دارد، علاوه بر اینکه کالای انبوی را با هزینه‌اندک انتقال می دهد، از ترافیک جاده‌ها و آلودگی هوا نیز جلوگیری می کند. با درنظر داشت این اوصاف دولت افغانستان اقدام به تشکیل اداره مستقل خط آهن نمود و به عضویت سازمان‌های جهانی خط آهن از جمله: سازمان بین‌الدولتی حمل و نقل بین‌المللی خط آهن (OTIF)، مجمع منطقه‌یی خاورمیانه (UIC RAME)، اتحادیه بین‌المللی خطوط آهن (UIC)، سازمان همکاری خطوط آهن (OSID)، درآمد و فعالیت‌های خویش را به صورت قانونمند و فشرده آغاز نمود که در کمترین وقت، دستاورد خوبی در پی داشت.

در اثر تلاش‌های این اداره در بنادر مهم کشور خط آهن ایجاد شد و کشور ما از این طریق به کشورهای منطقه و اروپایی وصل شد. نخستین دستاورد این اداره، خط آهن حیرتان - مزار شریف است که ۴۲ کیلومتر طول دارد و بندر حیرتان را به مزار شریف وصل می کند، این پروژه ۱۲۹ میلیون دالر هزینه داشته و در مدت سه ماه تکمیل شده است. قرار است این خط آهن از مزار شریف به هرات نیز وصل شود.

همچنان خط آهن آقینه-اندخوی از سوی روسای جمهور افغانستان و ترکمنستان گشایش یافت، این خط آهن ۳۰ کیلومتر طول و بیش از ۳۰ میلیون دالر هزینه داشته است. هزینه این پروژه از بودجه توسعه ای اداره خط آهن افغانستان تامین شده است. خط آهن آقینه-اندخوی شبکه راه آهن منطقه را به هم وصل می‌سازد و گام مهمی در جهت ایجاد شبکه خط آهن داخلی افغانستان به شمار می رود. همینطور خط آهن ترکمنستان و تورغندی نیز فعال شده است.

خط آهن خواف-هرات، نخستین خط آهن میان افغانستان و ایران است که از سوی روسای جمهور دو کشور افتتاح شد. این خط آهن ۱۴۰ کیلومتر طول دارد که شرق ایران را به غرب افغانستان وصل می‌کند. قرار است این خط آهن ۸۵ کیلومتر دیگر توسعه یابد و به شهر هرات وصل شود. راه آهن خواف - هرات منجر به احیای "جاده ابریشم" و ایجاد روابط میان کشورهای عضو سازمان اکو از طریق راه آهن خواهد شد.

امیدواریم روزی تمام این خط‌های ریلی به هم‌دیگر وصل شوند و شاهد فعالیت خط آهن در سراسر کشور باشیم تا از این طریق بتوانیم اموال تجاری خویش را به راحتی و هزینه‌اندک به سراسر جهان انتقال بدھیم.



”
**به مناسبت نخستین سال یاد
شهید محمد یوسف غضنفر**
“
به نام خدایی که مرگ و زنده‌گی در دست اوست!

هر روز به ما به سان شبدیز گذشت

یک سال نبود تو غمانگیز گذشت

هر لحظه‌ی آن ز دیده خونریز گذشت

هر چند شتابنده، بسی تیز گذشت

درست یک سال پیش از امروز، بزرگمردی را از دست دادیم که جایش نه تنها در کنار ما - خانواده بزرگ غضنفر خالیست، بلکه کرسی و سمتش نیز جانشین مناسبی پیدا نکرد.

سخن از شهید محمد یوسف غضنفر است که بعد از گذشتاندن کمپاین پرشور و هیجان انگیز انتخابات سال ۱۳۹۸ خورشیدی در تیم دولتساز و پیروزی این تیم، از جانب جلالتمآب محمد اشرف غنی به عنوان نماینده فوق العاده رئیس جمهور کشور در امور اقتصادی، تجاری و کاهش فقر به این سمت گماشته شد. برادرم کولهباری از تجارت را هم در بخش سیاست و هم در بخش اقتصاد با خود به همراه داشت، در مدت کوتاه مسؤولیتش در این سمت، توانست طرح‌های سازنده و مثمر را در راه فقرزدایی و کاهش آن در کشور، روی دست بگیرد. زمینه‌های مختلف رشد اقتصاد کشور را مطالعه نماید و در بخش‌های گوناگون، فقر را آسیب‌شناسی نموده، راه‌های حل آن را جست‌وجو و دریابد.

ساده ترین نمونه و مثال فعالیت شان، امضای قرار داد لین برق سرخان - پل خمری بود که مذکورات آن از گذشته های خیلی دور دوام داشت.

و همچنان در زمان شیوع کرونا، در اثر تپ و تلاش شهید غضنفر و همکاران شان از بالا رفتن قیمت مواد ارتقاچی جلوگیری به عمل آمد.

شهید محمد یوسف غضنفر مردی از تبار حرف و عمل بود. در مردمداری، خلوص نیت، شجاعت، جوانمردی و سخاوت و دیگر سجایای اخلاقی و انسانی وی، همراهان و همنوردانش مهر تأیید می گذارند.

در مسلک خود که تجارت و فعالیت های اقتصادی بود، تسلط و تجارب گسترده او را همگان، به ویژه دست اندر کاران این عرصه تأیید می کنند. موقعيت های چشمگیر و مداوم او در ساحت مختلف تجارت، و رهبری فعالیت آن و تطبیق پژوه های عام المنفعه به وجه احسن خود برهانی قوی بر این ادعاست.

برادر زنده یاد ما با قرار گرفتن در سمت نماینده گی خاص رئیس جمهور کشور در امور تجارتی، اقتصادی و کاهش فقر برنامه های اقتصادی متعددی برای توسعه فعالیت های سکتور خصوصی در هماهنگی با دولت، اشتغالزایی برای افراد مستعد کار، به ویژه جوانان تحصیل کرده، فقرزدایی و کاهش فقر، از میان برداشتن چالش ها و موانع موجود در فرازه سکتور خصوصی و متشبان و امثال آن در دست داشت که متأسفانه مرگ زودرس مجال تحقیق بخشیدن آنها را برای وی نداد. ولی ما برادران و دستیاران آن روانشاد، به مردم و زمامت کشور خود قول میدهیم که متعهد به عملی کردن همه برنامه های سودمند او و برآورده ساختن آرزو های بهی خواهانه وی استیم.

ما، در سوگ سال یاد مردی سخن می گوییم که نه تنها یک برادر مهربان به خواهان و برادرانش، همسر خوب به شریک زندگی و پدر دل سوز به فرزندانش بود، بلکه در وظایف محله زنده گی اش نیز با ایثار و فداکاری و خودگذری و جرأت و جسارت خود، درس بزرگی به یادگار گذاشت.

سخن گفتن از برادر شهید، چون برادر برای یک هم خون خیلی دشوار است. گاهی در سکوت و نگاه، صدھا خاطره جان می گیرد و گذشته های خوب و خوش همراه با سختی ها و پیروزی های زنده گی در ذهن ما تداعی می شود.

حال که او به ابدیت پیوسته است، ما یک بار دیگر در راه عملی شدن برنامه ها و اهداف او در راه مبارزه با فقر و کاهش آن مصمم تر از هر وقت دیگر در این راستا گام های استوار برخواهیم داشت و یک بار دیگر به مردم خویش و عده می دهیم که راه خدمت گذاری برای مردم و کشور ما ادامه دارد.

کمک های اقتصادی ما به هموطنان نیازمند از طریق بنیاد غضنفر بلاوقفه جریان دارد.

این نکته را در خور تذکر میدانیم که به خاطر یاد بود شایسته و بایسته از خاطرات تابناک برادر شهید مان، از ۱۷ اکتوبر - روز جهانی ریشه کنی فقر که از طرف سازمان جهانی به رسمیت شناخته شده است، با تدویر کنفرانس علمی و کمک های ملموس به خانواده های نیازمند، تجلیل به عمل می اوریم.

تو نیکی میکن و در دجله انداز
که ایزد در بیabant دهد باز

در حالی که به ارواح همه گذشته گان ما اتحاف ادعیه می نماییم، از ایزد منان استدعا داریم که برای شان جنت فردوس را نصیب فرماید.

روانش شاد، یاد و خاطره اش جاودان باد!

و من الله توفيق!

محمد اسماعیل غضنفر

رئیس غضنفر بانک



گشایش نمایندگی غضنفر بانک در تایمنی - شهر کابل

نمایندگی جدید غضنفر بانک روز چهار شنبه شنبه مورخ ۱۵ خورشیدی با حضور تاجران ملی و پیشه وران در منطقه تایمنی شهر کابل گشایش یافت.

محترم نوید صبوری آمرارشد بخش اعتبارات بانک، ضمن خوش آمدید و خیر مقدم گویی به مهمانان شرکت کننده، در بخشی از سخنان خود گفت: غضنفر بانک در ماه مارچ سال ۲۰۰۹ بعد از دریافت جواز فعالیت از بانک مرکزی به فعالیت آغاز نمود، اکنون بیشتر ولایات کشور و مناطق مختلف شهر کابل را تحت پوشش دارد و با ارائه خدمات نوین بانکی در خدمت هموطنان محترم قرار دارد. روند

افتتاح نمایندگی های غضنفر بانک ادامه داشته که ما عنقریب افتتاح نمایندگی های دیگر غضنفر بانک را در ولایات خوست، کابل، هلمند و سایر ولایات شاهد خواهیم بود، غضنفر بانک در نظر دارد که پوشش خدمات بانکی خویش را در سراسر کشور عزیز ما برساند.

آقای صبوری افزود: غضنفر بانک در بیشتر از یک دهه فعالیت خویش، افتخار نگهداری سپرده های هنگفت مشتریان را داشته که اکثریت این سپرده ها را با به کار گیری بهترین شیوه های بانکداری نوین در بخش بانکداری عمومی و بانکداری اسلامی برای رشد اقتصاد کشور و ایجاد شغل در داخل کشور سرمایه گذاری نموده است.

محترم کنشکا آین، آمر ارشد عملیاتی غضنفر بانک طی سخنانی گفت: خداوند متعال را شکرگزاریم که غضنفر بانک با گشایش نمایندگی تایمنی، سهم خود را در راستای توسعه اقتصاد کشور ایفا نمود. وی افزود: غضنفر بانک یکی از بانک های قانونمند و دارای اعتبار عالی نزد مردم و ارگان های قانونگذار همواره کوشیده است تا بهترین خدمات بانکی را به هموطنان محترم در سراسر کشور ارائه نماید. به همین منظور نمایندگی تایمنی افتتاح شد و به زودی نمایندگی بعدی در ولایت خوست گشایش می یابد.

کنشکا آین وویل: موئر کوبشن کوو خپلو و طنالو ته عصری، منظم او سنتردد خدمات ورلاندې کړو، په همدی موخه موئر غواړو چې خپل خانګې په قول افغانستان کې پرائیزو تر خو و کولای شو خپل مسؤولیت چې د خپل وطن افغانستان په ورلاندې لرو، ترسره کړو.

قابل یادآوریست که غضنفر بانک مصمم است استفاده از خدمات بانکداری را همگانی نموده تا هموطنان محترم بتوانند در سراسر کشور از خدمات نوین بانکداری مستفید شوند. اکنون نمایندگی تایمنی غضنفر بانک با خدمات و تسهیلات نوین بانکداری در خدمت هموطنان محترم قرار دارد.

یکی از وظایف مهم و اساسی هیئت مدیره، تدوین راهکار مناسب برای اداره و نظارت از روند فعالیت آن می باشد. هدف از تشکیل هیئت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان، هدایت تا جران ملی و شرکت های تجاری و صنعتی به سمت آینده ای پایدار می باشد. به همین منظور فدراسیون اتاق های افغانستان نخبگان بخش صنعت و تجارت را به شرح ذیل برای عضویت در تشکیل این هیئت برگزیده است.

تشکیل اعضای هیئت مدیره

فدراسیون اتاق های افغانستان

محمد اسماعیل غضنفر، رئیس منتخب هیأت مدیره



محمد اسماعیل غضنفر، اولین رئیس هیأت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان است که در یک پروسه انتخاباتی میان اتاق های سکتور های مختلف در این سمت انتخاب گردیده است. آقای غضنفر تحصیلات عالی خوبیش را در رشته اقتصاد در دانشگاه بلخ در سال ۱۹۹۴ به اتمام رسانیده است. آقای غضنفر یکی از چهره های سرمایه گذار بزرگ کشور ما محسوب می گردد که با سرمایه گذاری در بخش های بانکداری، ساختمان سازی، انرژی برق، نفت و گاز و ترانسپورت نقش مهمی در بالا بردن درآمد ناخالص ملی و ایجاد زمینه کار در کشور داشته است.

سخن احمد پیمان، معاون منتخب پالیسی



سخن احمد پیمان، معاون منتخب پالیسی هیأت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان و رئیس منتخب اتاق صنایع و معادن ولایت کابل، است. آقای پیمان، دارای تحصیلات عالی در اداره و تجارت بوده و حدود بیست سال تجربه فعالیت در صنعت و تجارت و ده سال تجربه کار در رهبری سکتور خصوصی دارد. آقای پیمان، رئیس سرمایه گذاری پیمان گروپ، است. این گروپ سرمایه گذاری شامل پیمان لمیتد، پیمان آیسکریم، ذوب آهن میثم و شرکت چیتا، می باشد. این گروپ در رشد تولیدات داخلی و کار آفرینی در کشور، نقش مهم و ارزنده داشته است.

الحاج فرید احمد مولوی زاده، معاون منتخب تехنیکی

الحاج فرید احمد مولوی زاده، معاون منتخب تехنیکی فدراسیون اتاق های افغانستان، از موسسین و عضو رهبری اتاق صنایع و معادن افغانستان و عضو هیأت مدیره اتاق صنایع و معادن ولایت هرات، است. آقای مولوی زاده متولد سال ۱۳۵۵ خورشیدی، بوده، مکتب را در لیسه انصاری کابل، به اتمام رسانیده و در رشته طب معالجوی تحصیل کرده است. آقای مولوی زاده حدود سی سال تجربه فعالیت در سرمایه گذاری، صنعت و تجارت داشته و تجربه بلندی نیز در رهبری سکتور صنایع و معادن دارد. آقای مولوی زاده، رئیس شرکت رنگ سازی آریا افغان، شرکت پتروشیمی آریا خورشید و شرکت برادران نوری مولوی زاده، است. شرکت رنگ سازی آریا افغان، اولین شرکت بومی تولید رنگ تمیراتی، ساختمانی و صنعتی در افغانستان، است که تمام مراحل تولید و بسته بندی آن در افغانستان، انجام می شود.





◀ خانجان الکوزی، معاون سکتور تجارت و سرمایه گذاری

خانجان الکوزی، معاون سکتور تجارت و سرمایه گذاری هیات مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان و عضو هیات مدیره اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان، است. آقای الکوزی در سال ۱۳۳۱ خورشیدی متولد شده، دوره مکتب را در ولسوالی سرکانی ولايت کنر، به اتمام رسانده و تا مقطع ماستری در رشته فلسفه و اقتصاد سیاسی در کشور آلمان شرقی، ادامه تحصیل نموده است. آقای الکوزی، بیشتر از ۱۵ سال تجربه رهبری در سکتور تجارت و سرمایه گذاری و ۲۵ سال تجربه تجارت را در کارنامه خود دارد. از آقای الکوزی، چندین مقاله اقتصادی نیز منتشر شده است. آقای الکوزی، رئیس شرکت فیض پشتون و خانجان الکوزی، است که در بخش پر زه جات و تایر موتر تجارت می کند. آقای الکوزی، در رشد و اکشاف تجارت و سرمایه گذاری، جذب سرمایه گذاری ها و تسهیل امورات سکتور تجارت چهره مطرح و شناخته شده است.



◀ نور الحق عمری، معاون سکتور پیشهوران و دوکانداران

نور الحق عمری، معاون سکتور پیشهوران و دوکانداران هیات مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان و رئیس هیات مدیره اتاق پیشهوران و دوکانداران افغانستان، است. آقای عمری در سال ۱۳۴۶ خورشیدی، به دنیا آمده است. آقای عمری بیش از ۱۵ سال تجربه رهبری در تجارت های کوچک و متوسط خصوصا در سکتور پیشهوران و دوکانداران داشته و حدود ۴۰ سال می شود که در بخش پر زه موتور تجارت می نماید. آقای عمری، در انسجام و اکشاف پیشهوران و دوکانداران دستاوردهای مهم داشته و در رشد و توسعه تجارت های کوچک و متوسط خدمات ارزنده ای انجام داده است.



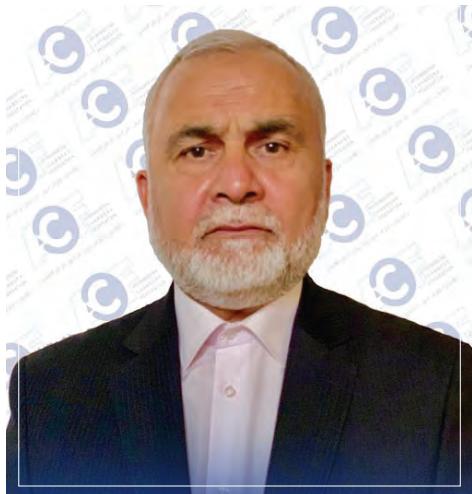
◀ حاجی میرویس حاجی زاده، معاون سکتور زراعت و مالداری

حاجی میرویس حاجی زاده، معاون سکتور زراعت و مالداری هیات مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان و عضو هیات مدیره اتاق تولیدات زراعت و مالداری افغانستان، است. آقای حاجی زاده، در سال ۱۳۵۸ پا به جهان نهاده، دوره مکتب را در لیسه غلام حیدرخان، به اتمام رسانیده و در رشته اقتصاد تحصیل نموده است. آقای حاجی زاده، بیشتر از ۲۳ سال تجربه تجارت فرآورده های زراعتی خصوصا میوه و سبزی را دارد. آقای حاجی زاده در سال ۱۳۹۷ خورشیدی، بهترین صادر کننده محصولات زراعتی آن سال نیز شناخته شده بود. آقای حاجی زاده، در بخش فرآوری میوه و سبزی سرمایه گذاری نموده و محصولات زراعتی کشور را در مارکیت های آسیایی و اروپایی، عرضه می نماید.



◀ الحاج تورملنگ شگیوال، معاون منتخب سکتوری صنایع و معادن

الحاج تورملنگ شگیوال، معاون منتخب سکتوری صنایع و معادن فدراسیون اتاق های افغانستان، از مؤسسین و عضو رهبری اتاق صنایع و معادن افغانستان و رئیس هیئت مدیره اتاق صنایع و معادن ولايت ننگرهار، است. آقای شگیوال متولد سال ۱۳۵۶ خورشیدی، بوده، مکتب را در لیسه سید جمال الدین افغان در ولایت ننگرهار، به اتمام رسانیده و در رشته تехنیک برق تحصیل کرده است. آقای شگیوال حدود ۲۳ سال تجربه فعالیت در سرمایه گذاری، صنعت و تجارت داشته و تجربه ای بی نظیر نیز در رهبری سکتور صنایع و معادن دارد. آقای شگیوال، رئیس شرکت جاوید افغان ستیل، شرکت تجاری جواد افغان لمیتد، شرکت ساختمانی جاوید جواد و شرکت تولید ماشین آلات زراعتی جاوید افغان است.



◀ الحاج خان محمد فروتن، عضو هیئت مدیره

الحاج خان محمد فروتن، رئیس و مؤسس اتاق زراعت و مالداری افغانستان و عضو هیئت مدیره فدراسیون اتاق‌های افغانستان است. آقای فروتن در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در ولایت کندز به دنیا آمده و در سال ۱۳۶۵ از لیسه ذکور مرکزی فارغ و شامل دارالملعمنین ولایت کندز گردیده و در سال ۱۳۶۷ از صنف ۱۴ از رشته کیمیا و بیالوژی فارغ شده و بعد از فراغت شروع به تجارت نموده. آقای فروتن یک شخصیت متبحر و شناخته شده در عرصه تجارت، واردات، صادرات، صنعت چرم و پوست می‌باشد. آقای فروتن بنیان گذار اولین فابریکه برنج در سطح افغانستان بوده و در سکتور زراعت خدمات بی‌پیشنه و شایان ای را انجام داده که به خط زرین در تاریخ سکتور خصوصی ثبت است. آقای فروتن همچنان در اعمار ساختمان‌های رهایشی و تجاری سرمایه گذاری نموده و اولین تاجری است که تجارت فنی تبدیل موتراهای تیلی به گازی را در افغانستان معرفی کرده است. آقای فروتن مالک شرکت تехنیکی فروتن و شرکت شعیب فیصل که یک شرکت پیشتر تولید و پروسس برنج است، می‌باشد. آقای فروتن با دست آورد های بی نظیر خویش در سکتور زراعتی و مالداری، مانند ایجاد اتاق زراعت و مالداری، به لقب پدر سکتور زراعت شهره است.



◀ زرغونه ولیزاده، عضو منتخب هیئت مدیره

زرغونه ولیزاده عضو منتخب هیئت مدیره فدراسیون اتاق‌های افغانستان، عضو منتخب هیئت مدیره اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان، و رئیس هیئت مدیره اتحادیه شرکتهای بارچالانی و ترانزیت افغانستان (افکو) می‌باشد. وی گروه شرکتهای تکناز را رهبری میکند، در بخش تاسیسات بندری، ترمینال‌های صادراتی، ابزارداری، ترانسپورت، اعمار اماكن تجاری و رهایشی سرمایه گذاری نموده است.

بانو ولیزاده تحصیلات عالی خود را در رشته اداره و تجارت در کابل و تحصیلات متمم و مقطعی خویش را در اریزونا و سندیاگو آمریکا و ایتالیا بخاطر کسب مهارت در سازماندهی زنان منتخب و توان بخشی رقابتی آنها انجام داده است. بانو زرغونه ولیزاده در تاسیس و رهبری شورای زنان تجارت پیشه، اتاق تجارت بین المللی، و اتاق تجارت و صنایع افغانستان نقش بارز داشته است.



◀ آذرخش حافظی، عضو منتخب هیئت مدیره

آذرخش حافظی عضو هیئت مدیره فدراسیون اتاق‌های افغانستان می‌باشد. آقای حافظی از نوجوانی به ریاست شرکتهای تجاری خانواده گی برگزیده شده، و طی نزد سال گذشته در تأسیس و رهبری موسسات بزرگ اقتصادی ملی و منطقی سهم فعال داشته است. وی سالهای دراز به حیث رئیس عمومی منتخب اتاق‌های تجارت بین المللی افغانستان، رئیس عمومی منتخب اتاق‌های تجارت و صنایع (ایکو)، رئیس منتخب اتحادیه سراسری شرکتهای نفت و گاز افغانستان، رئیس انسیتیوت تعلیمات تکنیکی و حرفی، رئیس شرکت‌های افغان - جرمن، AIE، اوژدم میتال و زازهان در بخش تجارت، بانکداری، ساختمان و خدمات مصروفیت دارد.

وی اقتصاد عمومی و اقتصاد سیاسی خوانده، در فلسفه، جامعه شناسی، ادبیات و تاریخ مطالعات زیاد نموده، به هشت زبان تسلط و آشنایی دارد. در دانشگاههای دولتی و خصوصی تدریس میکند.



◀ بهادر خیرخواه، عضو منتخب هیئت مدیره

بهادر خیرخواه عضو هیئت مدیره و رئیس روابط بین الملل فدراسیون اتاق های افغانستان و عضو هیئت مدیره اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان است. آقای خیرخواه در عرصه های مختلف چون ترانسپورت، نفت و گاز و خدمات صحی و بیمه سرمایه گذاری نموده است. آقای خیرخواه یکی از چهره های برجسته جامعه تجاری افغانستان بوده و یکی از بزرگترین سرمایه گذاران سکتور نفت و گاز کشور محسوب می شود. آقای خیرخواه در تأمین، استحکام و گسترش روابط اقتصادی و تجاری جامعه تجاری افغانستان با جوامع تجاری سایر کشورها و ایجاد اتاق های مشترک برای رونق سرمایه گذاری های بزرگ خارجی در افغانستان نقش برازنده دارد.



◀ حاجی ذبیح الله حبیبی، عضو منتخب هیئت مدیره

حاجی ذبیح الله حبیبی، رئیس منتخب کمیته مالی فدراسیون اتاق های افغانستان، عضو هیئت مدیره این نهاد و همچنان عضو هیئت مدیره اتاق پیشه وران و دکانداران افغانستان، می باشد. آقای حبیبی، در سال ۱۹۷۲ عیسوی، در شهر کابل، متولد شده است. حاجی ذبیح الله حبیبی، یکی از سرمایه گذاران موفق در سکتور طلا در افغانستان، بوده و در سمت رئیس اتحادیه زرگران شهر کابل، غرض فراهم آوری تسهیلات و قانونمند سازی صادرات و واردات طلا در کشور خدمات شایانی انجام داده است. آقای حبیبی، در انسجام زرگران و پیشه وران تلاش فراوان نموده و در حل مشکلات و چالش های سکتور طلا خدمات ارزنده بی انجام داده است. خدمات و تلاش های آقای حبیبی در حل مشکلات و چالش های صادرات و واردات طلا در کشور، قابل تقدیر است.



◀ سید پرویز سادات هوفیانی، عضو منتخب هیئت مدیره

سید پرویز سادات هوفیانی عضو منتخب هیئت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان، هیئت مدیره اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان و معاون اتحادیه صرافان سرای شهزاده، است. آقای هوفیانی در سال ۱۳۵۴ خورشیدی، در ولایت پروان، به دنیا آمده است. آقای هوفیانی، فعالیت تجاری و سرمایه گذاری را از شغل صرافی در پل خمری ولایت بغلان، آغاز نموده است که با پشت کار، تلاش، تعهد و صداقت در آن شغل به عنوان یک صراف مطرح و با اعتبار در پل خمری و بعدا سرای شهزاده کابل، شناخته شده است. آقای هوفیانی، در سکتور خدمات پولی، اعمار مسکن و شرکت ذوب آهن سرمایه گذاری نموده است. او رئیس و صاحب امتیاز گروپ سرمایه گذاری و کمپنی های سادات هوفیانی است. این گروپ متشکل از خدمات پولی سادات هوفیانی، مجتمع رهایشی سادات هوفیانی و شرکت ذوب آهن سادات هوفیانی، می باشد.



◀ حاجی عصمت الله وردک، عضو منتخب هیئت مدیره

حاجی عصمت الله وردک، عضو هیئت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان و عضو هیئت مدیره اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان، است. آقای وردک در سال ۱۹۷۳ میلادی، در ولایت میدان وردک، متولد شده است. آقای وردک، تجربه بلندی در صنعت خصوصا تولید آهن آلات دارد. آقای وردک صاحب امتیاز شرکت ذوب آهن کابل فولاد و شرکت استخراج معدن گلدن استون است. آقای وردک، با سرمایه گذاری بزرگ در این شرکت ها، زمینه هزاران شغل مستقیم و غیر مستقیم را برای نیروی کار داخلی فراهم نموده و نقش مهمی در راستای خودبستنده گی داخلی در این سکتور ها داشته است.

سرحقی شیرعلی تری

چشم انداز همکاریهای اقتصادی ترکیه با افغانستان با توجه به راه لاجورد

مقدمه

افغانستان و ترکیه دو کشور هستند که مناسبات عمیق و طولانی دوستی دارند. ریشه این روابط به صد ها سال قبل بر می گردد. لکن در صد سال اخیر(بعد از استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹) این دوستی مستحکمر، عمیق تر و گستردگی تر گردیده است. زیرا ترکیه دومین کشور است که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخته است. بر علاوه آن منافع مشترک منطقه بی وجوه مشترک فرهنگی، تاریخی، دینی و تا اندازه قومی سبب تحکیم بیشتر این روابط گردیده است. خوبی روابط ترکیه با افغانستان در این نهفته است که اهداف این روابط با اهداف و علائق کشورهای همسایه و قدرت های منطقه بی متفاوت است.



کمکهای اقتصادی ترکیه به افغانستان

ترکیه فعالیتهای زیادی را در راستای سرمایه گذاری در زیربنای های افغانستان انجام داده است؛ بطور مثال: بند کجکی، پروژه تاپ(لین بر ق ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان که یکی از پروژه های مهم منطقه بوده و در حدود یک نیم میلیارد دلار سرمایه گذاری صورت خواهد گرفت) را میتوان

بدین معنا که ترکیه هیچگونه منازعه و مشکلات مرزی و تصادم منافع با افغانستان و یا دیگر کشورهاییکه بتواند از طریق افغانستان به آن نایل شود نداشته و ندارند. بلکه بر عکس روابط افغانستان و ترکیه تقریباً همیشه حسن بوده است. احیاناً اگر با تغییر حکومتها نشیب و فراز های هم وجود داشته است هیچگاه باعث تحریب رابطه تاریخی و فرهنگی دولت نگردیده و کدام تأثیر منفی بر این روابط بوجود نیاورده است.

کشور ترکیه در دو دهه اخیر نقش فعالی را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی افغانستان داشته و در حمایت از بازسازی کشورها سهم قابل توجه گرفته است. نه تنها در بازسازی بلکه همواره در زمینه های مختلف با افغانستان همکاریهای همه جانبی را انجام داده است که بطور مختصر به بعضی از آنها پرداخته می شود.

گذار ترکی درین نمایشگاه شرکت داشتند و بیشتر از ۷۰، قرارداد همکاری تجارتی بین شرکتهای افغانی و ترکی به امضا رسید که برمبنا آن تجار افغان میتوانند بطور مستقیم با تجار ترکی تجارت نمایند.^(۵) (ص ۲۵۴) به همین ترتیب به سلسله همکاریهای ترکیه به افغانستان در کنفرانس ژئوف میلیون دالر وعده همکاری داده شده است.^(۶) (اترنت)

گرچه در حال حاضر میزان تجارت میان افغانستان و ترکیه در سطح بلندی نیست و حجم تجارت میان دو کشور حدود ۱۳۰ میلیون دالر میباشد که از آن جمله صد میلیون دالر صادرات ترکیه به افغانستان و سی میلیون دالر صادرات افغانستان به ترکیه می باشد. انتظار میروند با احیای دوباره راه لا جورد این مقدار به ده ها برابر افزایش یابد. بنا بر آن در ادامه به دور نمای احیای راه لا جورد و نقش آن در تجارت و توسعه اقتصادی و همکاریهای منطقی بخصوص همکاری های ترکیه به افغانستان پرداخته می شود.

داشته است. همچنان ترکیه پانزده میلیون دالر کمک به نیروهای امنیتی افغانستان کرده است که از آن جمله ۱۳ میلیون برای خریداری وسایط نظامی و دو میلیون برای آموزش نیروهای پولیس و اردوی ملی اختصاص داده شده است.^(۷) (اترنت)

ترکیه در چندین مورد میزبان نشست های همکاریهای اقتصادی برای افغانستان بوده است که در این نشستها روی اکتشاف اقتصادی، تجارت، ترازیت، ساخت زیربنا ها، اکتشاف منابع بشری در افغانستان بحث و تصامیم لازم اتخاذ گردیده است و نتایج ملموسی را در پی داشته است. به همین ترتیب وقتاً فوقتاً نشستهای دوچاری و چند جانبه بین نماینده های افغانستان، ترکیه و سایر کشورهای همسایه بوثره پاکستان صورت گرفته و روی موضوعات مهم اقتصادی و تجارتی صحبت و تبادل نظر صورت گرفته است. نمونه روشن آن نمایشگاه است که به تاریخ ۳۰ حمل ۱۳۹۲ در کابل راه اندازی شد. در این نمایشگاه محصولات تولیدی ۵۷ شرکت مختلف به نمایش گذاشته شد و ۵۰ نفر تاجر و سرمایه

نام برد. به همین ترتیب شرکتهای ترکی علاقه دارند تا در استخراج معادن افغانستان سرمایه گذاری کنند.

به قول سفیر ترکیه، بیش از هزار پروژه از طرف آن کشور در افغانستان راه اندازی شده است که بیشترین آن در زمینه تعلیم و تربیه بوده است. ترکیه در صدر کشورهاییکه برای مصلحین افغان بورسیه فراهم میکند قرار دارد. موصوف می افزاید فعالیتهای بنیاد معارف ترکیه در افغانستان ادامه دارد(عاترنت) حقیقتاً که فعالیت های مکاتب افغان ترک در افغانستان ملموس و قابل قدر است و علاوه از آن سالانه صد ها بورس تحصیلی و تعلیمی از سوی بنیاد معارف و حکومت ترکیه برای افغانها داده می شود. در حال حاضر نزدیک به هزار تن از مصلحان افغانستان در پوهنتون های ترکیه مصروف تحصیل بوده و شماری زیادی هم سند فراغت را بدست آورده اند. کشور ترکیه مشخصاً به پوهنتون طبی کابل نیز کمک میکند تا سطح تحصیلی و تخصصی خود را بلند ببرند. و در قسمت مبارزه با کوید ۱۹ نیز ترکیه همکاریهای





در کشورهای محاط به خشکه ضرورت به اعمار و احداث شاهراه‌های زمینی و خط آهن بیشتر از دیگر کشورها احساس می‌شود، لکن در بعضی کشورها انکشاف خطوط مواصلاتی وقت زیاد، مصارف گرفتار، پرسونل کافی و وسایل پیشرفته را ایجاب می‌کند. مگر موقعیت جغرافیایی کشورما به مثابه نقطهٔ وصل آسیا و اروپا ایجاب می‌کند که به هر وسیلهٔ ممکن باید به اعمار سرک‌ها و راه‌های آهن پرداخته شود. زیرا افغانستان به حیث کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین، مناسب‌ترین حلقة اتصال آسیا و اروپا و منجمله حوزهٔ همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ی سازمانهای ایکو، سارک و شانگهای نقش ارزشمند را ایفا مینماید. طرح ایجاد یک مارکیت تجاری بین‌المللی دریکی از ولایات کشورما نه تنها برای افغانستان بلکه برای کشورهای منطقه از مؤثریت و متمثیت فوق العاده برخوردار بوده و بیاده ساختن این طرح بدون موجودیت راه‌ها و سرک‌های مناسب ممکن نیست. لذا تکمیل راه‌های حقوقی و اعمار راه آهن در زمینهٔ بهترین وسیلهٔ بیاده ساختن این طرح خواهد بود. زیرا همان طور که تذکر داده شد افغانستان در طول تاریخ نقطهٔ وصل تمدن‌های قدیمی چین، هند، آسیای میانه، ایران و اروپا بوده و محل عبور و مرور کاروان‌های انتقال اموال تجاری شناخته شده است. نمونهٔ روشن آن موجودیت راه ابریشم و راه لاجورد می‌باشد. گرچه امروز وسایل ترانسپورتی مدرن و سریع السیر بوجود آمده و تکنالوژی اطلاعاتی فاصله‌های را کوتاه ساخته است، لکن اهمیت راه‌ها و شاهراه‌های نه تنها با همان پیمانه گذشته، بلکه بیشتر از پیش باقیست. به همین خاطر کشورها می‌کوشند تا به راه‌های دست پیدا کنند که کوتاه‌تر و ارزان‌تر، امتعه را از یک بازار به بازار دیگر انتقال دهند، زیرا در تجارت پیروزی از آن کسی است که هر کالا را به وقت معین آن به بازار مورد نظر عرضه نماید.

افغانستان برای رهایی از جنجال‌های ترازیتی با کشورهای همسایه و رسیدن به آبهای آزاد به تاریخ ۲۴ عقرب ۱۳۹۴ طرح احیای مجدد راه تاریخی لاجورد را به کشورهای ذیدخل ارایه کرد که خوب‌خтанه پذیرفته شد. توافق نامه آن میان افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه در هفتمین کنفرانس ریکا (RECCA) در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ در شهر عشق آباد ترکمنستان بین نماینده‌های کشورهای متذکر به امضای رسید. (۷: انترنت) زیرا در کشورهای محاط به خشکه احداث چنین راه‌ها یکی از نیاز مندی‌های میرم و اولیه آنها می‌باشد. این راه تاریخی علاوه بر اینکه نقش مهمی در ترقی و پیشرفت اقتصادی و تجاری کشورهایی که در مسیر آن قراردارند خواهد داشت، همچنان وسیلهٔ مؤثری برای اتصال آسیای جنوبی به اروپا بوده و سبب توسعه و گسترش روابط نیک سیاسی، فرهنگی، امنیتی و نظامی بین کشورها خواهد شد و زمینه‌های سیاحت را برای سیاحان و جهان گردان مساعد خواهد ساخت و در نهایت انتظار می‌برد که زمینه ساز خوبی برای حل منازعات و کشمکش‌های منطقی نیز گردد.

موافقتنامه راه لاجورد تسهیلات گمرکی وسایر سهولت‌ها را به تاجران و سرمایه‌گذاران کشور ما بوجود خواهد آورد. با بهره برداری از این راه، افغانستان بار دیگر به چهار راه ترازیتی منطقه‌ی بی و بین‌المللی بدل خواهد شد.

اهمیت راه‌های مواصلاتی و تاریخچه راه لاجورد

دانشمندان اقتصاد ارزش خطوط مواصلات را از لحاظ اهمیت چون شرایین در وجود تعریف کرده‌اند. همان گونه که بقای موجود زنده بدون سلامت شریانها و فعالیتهای ثابت آن مفهومی ندارد، ارتقای سطح زنده گی جوامع بدون تکمیل و توسعه شبکه‌های مواصلاتی ممکن و مقدور نیست. (۱: ص ۴۳)

اهمیت تجاری راه لاجورد

در حقیقت راه لاجورد وسیله تأمین ارتباط آسیا، اروپا و افریقا میباشد. این راه از مسیر ترکمنستان، آذربایجان و گرجستان گذشته و به بحیره سیاه میرسد و با عبور از بحیره سیاه و رسیدن به شهر قارس ترکیه واژ آنجا به استانبول و بالاخره به اروپا میرسد و افغانستان را به آب های آزاد وصل می نماید. این مسیر ترانزیتی مناسب ترین راه تجاری میان افغانستان، آسیای میانه، قفقاز و اروپای مرکزی بوده و وسیله مؤثری برای اتصال آسیای جنوبی به اروپا می باشد. دهلیز تجاری راه لاجورد مکمل برنامه یک کمربرند یک راه است. لذا ضرور است تا جهت وصل راه لاجورد با برنامه یک کمر بند یک راه کشور چین همکاری صورت گیرد.(۱۰: اینترنت)

اهمیت این راه به خاطر قابل ذکر است که به گفته حکومت افغانستان کوتاه ترین، مطمئن ترین و ساده ترین راه برای افغانستان می باشد، زیرا امروز از ترکمنستان تا مرز افغانستان هم سرک و هم خط آهن وجود دارد، همچنان در سایر کشورهایی که این راه از آن میگذرد سرک وجود داشته و آماده استفاده می باشد. این

های قفقاز، روسیه، اروپا و شمال افریقا انتقال داده می شده است. امروز یکبار دیگر کشورهایی که به وسیله این راه باستانی و تاریخی با هم در ارتباط بوده اند به پیشنهاد و ابتکار افغانستان در صدد احیای مجدد آن با وسائل مدرن و عصری مطابق به نیاز زمان برآمده اند. (۸: اینترنت)

چنانچه به پیشینه تاریخی این راه نظر انداخته شود به صراحت دیده میشود که به دوره های باستان ارتباط دارد و این راه نقش مهمی را در ترقی و پیشرفت اقتصادی و پیوند تمدن های کشورهاییکه درمسیر این راه موقعیت داشته اند، بازی کرده است. زمانیکه برای تجارت از راه های بحری استفاده نمی شد و یا آنکه بعضی کشورها به راه های بحری دسترسی نداشتند و یا هم راه های بحری به مقایسه راه های زمینی از مسئونیت کمتر بر خوردار بود، آن زمان استفاده از راه خشکه برای کشورها اهمیت خاص داشت، به اساس همین ارزشمندی بود که بعضی از راه های خشکه، منجمله راه لاجورد شهرت جهانی کسب نموده و کشورهای را که در مسیر این راه ها قرار داشتند به پله های بلند شهرت رسانیده است.(۴: ص ۲۷۹)

همین اکنون افغانستان درمسیر عبور چندین دهلهیز نفت و گاز قرار دارد که پروژه تاپی نقش پل ارتباطی را در زمینه بازی میکند. میتوان گفت که افغانستان با اتخاذ سیاست اکشاف زیرینه های اقتصادی میتواند نقش مؤثرونگاهی را در زمینه همکاری های اقتصادی، سیاسی و همگرایی منطقه بی بازی کند. زیرا از یک طرف کشورهای آسیای میانه میخواهند از این طریق به بحر راه یابند و از سوی دیگر کشورهای آسیای جنوبی تلاش دارند به بازارهای آسیای میانه راه پیدا کنند.(۳: ص ۳۳) افغانستان با تطبیق طرح احیای راه لاجورد میتواند زمینه را برای کشورهای متذکره فراهم کند. خوشبختانه احیای این راه آغاز شده است، نمونه روشن آن احداث خط آهن حیرتان مزار شریف میباشد. این خط تحول بزرگ در زمینه بهبود مواصلات و توسعه روابط اقتصادی افغانستان و ازبکستان میباشد.

راه لاجورد یکی از مسیرهای ترانزیتی آسیا - اروپا و بخش از راه ابریشم بوده و قدمات دوهزار ساله دارد که با گذشت قرون متعدد هنوز هم از اهمیت ویژه برخوردار میباشد و از این راه بصورت عمده، لاجورد و سایر سنگ های قیمتی کشور ما به خارج، به خصوص کشور





تنها باعث رونق اقتصادی در میان کشورهای منطقه می شود، بلکه باعث رونق تجارت و فعالیتهای تجاری با کشورهای اروپایی نیز خواهد شد و افغانستان به طور گستردگی از این راه تجاری سود خواهد برد. بطوط مثال: منافع چون احیای نقش تضعیف شده افغانستان در منطقه و جهان، تأمین امنیت، رشد اقتصادی، احداث شاهراه‌های ترانسپورتی، افزایش عاید دولت، رشد اقتصادی کشورهای مسیرهای ارتباطی، اشتغال زایی، گسترش صنعت توریزم و ده‌ها موارد دیگر را می‌توان نام برد.

مشکل اساسی که همیشه بر سر راه تجارت در افغانستان وجود داشته و به اهمیت راه لاجورد می‌افزاید همان طورکه گفته شد مشکل ترانزیتی با کشورهای همسایه می‌باشد که از طریق موافقنامه راه لاجورد تسهیلات گمرکی و سایر سهولت‌ها به تاجران و سرمایه‌گذاران بوجود خواهد آمد؛ بطوط مثال:

- موتورهای افغانستان می‌توانند برای بارگیری و تخلیه اموال بدون موافع گمرکی، داخل خاک هر یک از این کشورها شوند؛

- تجارت، ترانزیت و ترانسپورت دوچاره و چند جانبه میان کشورهای امضا کننده راه لاجورد گسترش می‌یابد؛

از قید بهانه گیریهای ترانزیتی پاکستان دریندرکراچی رهایی می‌بند و افغانستان نه تنها بیشتر ازیش موقف استراتئیک خود را در تجارت بین المللی حاصل کرده، بلکه یک وسیله ارتباط تجاری و ترانزیتی مهم برای کشورهای آسیای میانه، آسیای جنوبی و شرق آسیا خواهد شد. بنا بر آن ضرور است تا در حل مشکلات گیج‌های متعدد (واحدهای ریلی های خط آهن) هماهنگ کردن عملیات گمرکی از کشور مبدأ تا مقصد و معرفی تعریفه واحد، مدیریت چالش‌های امنیتی و... گفتگوهای بیشتر صورت گیرد و راه حل‌های مناسب دریافت گردد.

همچنان کشور چین در قسمت استخراج معادن برای کشورها با اهمیت است که در قدم اول باید سرک بدخشان به چین وصل شود. زیرا افغانستان با احداث تأسیسات معاصر در بنادر و خدمات گمرکی شفاف و سهولت‌های ترانزیتی میتواند از آن در راه شگوفایی اقتصادی، توسعه و پیشرفت افغانستان و منطقه بهره برداری بهترنماید. تعهد چین برای سرمایه‌گذاری حدود چهل میلیارد دالر در این بخش یک فرصتی خوبی برای عملی شدن طرح راه لاجورد میباشد. (۱۲: اینترنت) در حقیقت ایجاد این راه از مسیر ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه نه

کار در حقیقت با زود ترین زمان و کمترین هزینه میتواند افغانستان را با خطوط آهن وصل کند که یکی از مزایای تجارت نیز سرعت زمانی و هزینه کم می‌باشد. به اساس ارزیابی های تحقیکی که تا کنون صورت گرفته است انتقال یک لاری اموال از مرز تورغنندی تا قارس ترکیه (راه لاجوارد) ده تا یازده روز را در برگرفته و حدود ۳۲۰۰ دالر هزینه خواهد داشت. در حالیکه عین اموال از بندر کراچی پاکستان تا شهر مرزی جلال آباد چهارده روز و پنج هزار دالر هزینه خواهد داشت. (۸: اینترنت) بنابرآن دیده میشود که مصارف این راه چه از نظر زمان و چه از نظر مالی مناسب بوده و میتواند کمک بزرگ برای تجارت افغانی باشد، از طرف دیگر راه لاجورد، دهیز است که از مسیر کشورهای میگذرد که در گذشته کمتر در رقبات ها و تنشهای سیاسی افغانستان در گیر بوده اند. به همین خاطر دولت افغانستان همانطوریکه افتخار ابتکار این طرح را دارد باید گام‌های عملی را در راه تطبیق این طرح نیزبردارد که نخستین اقدام درین راستا احداث خط آهن از تورغنندی به هرات و از هرات به اسلام قلعه میباشد تا با خط آهن ایران وصل گردد. همچنان لازم است از حیرتان تا آقینه - مزار شریف و شیرغان هم خط آهن احداث شود تا به شکل مستقیم با قزاقستان، اوکراین، روسیه و اروپا وصل شویم. به همین ترتیب قرارداد تمدید خط آهن ایران به افغانستان، افغانستان را به بندر چاه بهار ایران از طریق هرات به کشورهای آسیای میانه وصل میکند. تکمیل این راه نه تنها دشواری‌های اقتصادی، سیاسی و ترانزیتی افغانستان را حل خواهد کرد، بلکه برای کشورهای همسایه نیز سهولتهای تجاری را به ارمغان می‌آورد. زیرا شاهراه‌های افغانستان را به طول یکهزار کیلو متری به بندر چاه بهار زدیک ساخته و در ضمن ازوابسته گی های اقتصادی به پاکستان رها می‌سازد و بالمقابل ایران و هند نیز می‌توانند از طریق این شاهراه به بازارهای آسیای میانه راه یابند. درنتیجه افغانستان و هند

- ایجاد رقابت بین کشورهای صادرکننده کالا به افغانستان؛
- افزایش عواید ترانزیتی؛
- تعدد شرکای ترانزیتی و تجارتی افغانستان.(۱۱: انترنوت)

نقطه قابل تذکر دیگر اینکه افغانستان در پهلوی اینکه حیثیت نقطه وصل میان کشورهای ذیدخل را دارا میباشد، اموال معینی منجمله احجارکریمه، جواهرات، صنایع دستی، میوه تازه و خشک، قالین و امثالهم را نیز دارد که از گذشته تا کنون به خارج صادر مینماید. چنانچه باستان شناس چاپانی (ماوریزیوتوزی) در مقاله نوشته است که: "در مصر، باستان شناسان از قبر های مختلف فراعنه سنگ های را به دست آورده که سه هزار سال قبل از میلاد به شکل اموال تجاری از افغانستان آورده شده بود."(۲: ص ۲۴) امروز نیز در نظر است تا اموال مختلف از قبیل: کشمکش، تربوز، تخم تربوز، کنجد، انار، بادام، جلغوزه، زعفران، تار ابریشم، سنگ مرمر، لعل بدخشن و برخی محصولات دیگر را از این راه به اروپا صادر نماید. این امر گویای اینست که افغانستان نه تنها نقش عبورگاه و یا بندر تجاری را به عهده داشته، بلکه

خواهد شد و از این طریق عواید قابل توجهی را نصیب خواهد شد. همچنان راه لا جورد نه تنها باعث رونق اقتصادی میان کشورهای منطقه می شود، بلکه باعث رونق تجارت و فعالیتهای تجاری از طریق ترکیه با کشورهای اروپایی نیز خواهد شد.

استفاده از این مسیر، اهمیت بسزایی در جهت رونق تجارت و اقتصاد کشور ما داشته، زمینه های مساعد را در عرصه سرمایه گذاری، انتقال اموال، کاهش بیکاری و رشد تولیدات مهیا خواهد ساخت و افغانستان بطور گستردگی از این راه مستفید خواهد شد. زیرا کشورهای عضو تعهد سپرده اند که هیچ نوع تعریفه یا محدودیتی بر اموال و امتعه تجاری افغانستان وضع نخواهند کرد. درکل چند نکته را در مورد اهمیت اقتصادی راه لا جورد میتوان نام برد:

- انتقال اموال تجاری به وقت و هزینه کمتر؛
- رفع موانع گمرکی بر اموال تجاری افغانستان؛
- پیدا کردن بازاربرای تولیدات داخلی کشور؛
- پیدا کردن محصولات تولیدی جدید، با کیفیت و ارزان برای واردات؛

- با عضویت کشورهای بیشتر، امکان دسترسی افغانستان به بحر، بیشتر از گذشته می شود؛

- کشورهای ذیدخل، هیچ نوع تعریفه یا محدودیتی بالای کالاهای افغانی وضع نمی کنند و حتی برای ترانزیت کارگو های افغانستان، سهولت بیشتر ایجاد می نمایند؛

- قیمت ترانزیت و تجارت با این کشورها پائین می آید؛

- افغانستان می تواند از خطوط آهن و کشتی های این کشورها استفاده کند.(۱۱: انتربیت)

به همین ترتیب یکی دیگر از مشکلات اساسی که امروز برای اموال تجاری کشورها وجود دارد نبود بازار مناسب است که خوشبختانه عبور از مسیر راه لا جورد بازارهای مناسب و جدید را در کشورهای عضو و سایر کشورهای برای کالاها و محصولات تولیدی افغانستان بوجود می آورد. همچنان سبب می شود تا محصولات ارزان و با کیفیت از این طریق وارد افغانستان شود.

با بهره برداری از راه لا جورد، افغانستان به چهار راه ترانزیتی منطقه‌یی و بین‌المللی مبدل



تازمینه تصمیم گیری را آسانتر سازد.

اول - فرصت ها

- ۱ - کاهش درهزینه انتقال اموال از این راه نسبت به بندر کراچی پاکستان؛
- ۲ - اتصال کشورهای آسیای جنوبی با چین و اروپا از طریق افغانستان؛
- ۳ - بهبود وضع تجارت و کارو با تجارتی افغانستان به اروپا؛
- ۴ - کاهش وابسته گی افغانستان با کشورهای مغرض همسایه؛
- ۵ - سرمایه گذاری چهل میلیارد دالری چین در این مسیر؛

دوم - چالش ها

- ۱ - نبود امنیت مطمئن، جاده و خط آهن در افغانستان؛

بخصوص اکنون که کمتر کشوری یافت میشود که خود کفا بوده و نیاز به بازارهای مناسب برای محصولات تولیدی خود نداشته باشد. با استفاده از وسائل مدرن و عصری به ساده گی میتوان این محصولات را از یک جا به جای دیگر انتقال داد، تا از این طریق از داشته ها و تولیدات مادی و معنوی یکدیگر بهره مقابل گرفته شود و همه کشورهای بزرگ و کوچک ذینفع در مسیر این راه به طور عادلانه بتوانند از مزایای احیای مجدد این راه مستفید گردند.

می توان گفت که نظریه مقتضای زمان یکباره دیگر برای تأمین و تحکیم روابط گسترشده بین ممالک مختلف ضرورت احساس میگردد. به خصوص کشورهای محاط به خشکه که از مسیر دریاها و راه های بحری به دور مانده اند بیشتر از دیگران میتوانند از مزایای این راه بهره مند شوند و از این طریق بتوانند به بحر و آب های آزاد راه یابند. باید متنذکر شد که در احیای راه لاجورد در پهلوی فرصت ها، چالش های عدیده نیز قرار دارد ایجاب مینماید تا به طور مقایسوی این چالها و فرصت های برجسته شوند

خود به مثابه صادر و وارد کننده اموال تجاری نقش مهم داشته است و امید میروند تا در آینده بتوانند حدود ۸۰ درصد صادرات و واردات را از همین راه به اروپا داشته باشد.

علاوه از بعد اقتصادی از بعده سیاسی و امنیتی نیز بهره برداری از راه لاجورد به افغانستان کمک می کند تا با قوت وارد تعاملات منطقه بی و بین المللی شده و زمینه تأمین امنیت و ثبات را مهیا سازد و از وابستگی های گذشته به بعضی از کشورهای مغرض همسایه رهایی پاید. (آ: اینترنت) زیرا اقتصاد و سیاست با هم گره خورده و نمی توان هیچ مشکل سیاسی و یا اقتصادی را بدون در نظرداشت رابطه مقابل این دو حل کرد.

پس می توان گفت که اهمیت راه لاجورد تنها در داد و ستد و رشد تجارت نبوده، بلکه سبب توسعه و گسترش روابط نیک سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و نظامی بین کشورها میشود و زمینه های سیاحتی را برای سیاحان و جهان گردان مساعد میسازد. لذا هیچ تردیدی در مورد نقش سیاسی و اقتصادی راه لاجورد وجود ندارد.



مأخذ

- ایولکست، جهان سوم و پدیده کم رشدی، مترجم: منیر، جزئی (مهران)، تهران: ۱۳۵۳.
- باوری، محمد رسول، په لرغونی افغانستان کپی دوریشمولار، پانگه وال، دری میاشتی، لمپری کال، لمپری شمیره، دلو- حوت- حمل ۱۳۹۴-۱۳۹۵، افغانستان دیانگپی اچونپی د ملاتپادری ص ۲۴.
- تزری، شیرعلی، اهمیت اقتصادی راه آهن در افغانستان آریانا، دوره سوم، شماره ۴۳۹۰/۱۳۹۱/۱، شماره مسلسل ۳۰۷، ریاست نشرات اکادمی علوم: کابل، ۱۳۹۱.
- تزری، شیرعلی، بازسازی عرصه های اقتصادی افغانستان (اولویتها و محدودیتها)، مجموعه مقاله های اقتصادی و اجتماعی، انتشارات سعید: کابل، ۱۳۹۷.
- نجیم، جلال الدین (ودیگران)، داغستان د سیمه ایزو اریکو پنجه کلن پیشلیک (کرونوپلوزی) (له ۱۳۹۰-۱۳۹۴).
- ترکیه بیشترین کمکهای خودرا در افغانستان انجام داده است. www.aa.com.tr تاریخ مراجعت ۱۳۹۹/۱۱/۱۵
- روابط افغانستان و ترکیه و کمک ۱۵ میلیون دالری ترکیه به نیروهای امنیتی افغانستان. Af.sputniknkes.com تاریخ مراجعت ۱۳۹۹/۱۱/۱۵
- اتاق تجارت و صنایع افغانستان، راه لاجورد، کوتاه ترین، ارزان ترین و مطمئن ترین مسیر تجارت برای افغانستان، WWW.acci.af.com مراجعت ۱۳۹۷/۱۱/۲۰
- دانش، ضیا، راه لاجورد، اهمیت و مزایای آن برای افغانستان، روزنامه افغانستان، پنجشنبه ۲۲، قوس ۱۳۹۷، <https://www.pajhwok.com.dec>، ۱۲، ۲۰، ۱۸.
- دهليز تجارتی راه لاجورد مکمل کننده برنامه يك كمربيند يك راه. www.aop.gov.af قوس ۱۳۹۷. تاریخ مراجعت: ۱۳۹۷/۱۲/۱
- خاوری، حسن، اهمیت راه ترانسپورتی بین المللی لاجورد برای افغانستان، روزنامه افغانستان، شنبه، ۴. حمل ۱۳۹۷، www.dailyafghanistan.com مراجعت ۱۳۹۷/۱۱/۲۷
- مرکز مطالعات استراتیژیک و منطقی، راه لاجورد و اهمیت آن برای افغانستان و منطقه، www.za-laand.af مراجعت ۰۲/۱۷، ۲۰۱۹.



- نبود سرد خانه در بندر های تورغنندی و آقینه؛
 - مواجه شدن افغانستان با گیج های متعدد خط آهن (واحد فاصله ریل های خط آهن) که از کشورهای پاکستان، ایران و کشورهای آسیای مرکزی وارد میشود.
 - اخذ ویze از کشور هاییکه درمسیر راه لاجورد قراردارند يكی دیگر از مشکلاتی است که باید از طریق دولت های ذیدخی حل شود.
- ### نتیجه
- از این تحقیق چنین نتیجه بدست می آید که افغانستان و ترکیه دوکشوری اند که پیوسته باهم رابطه عمیق دوستی در ابعاد مختلف(اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و حتی قومی) داشته اند. با وجود فرود و فراز هاییکه افغانستان بوجود آمده است، هیچگاهی سبب قطع روابط این دو کشور نگردیده است. بر علاوه طی دودهه اخیر این روابط فعلی تر و گسترده تر گردیده است و امروز با ارایه طرح دولت افغانستان مبنی بر احیای دوباره راه تاریخی لاجورد امید برای تحکیم روابط و همکاری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گردد.

گرامیداشت نهم حوت، روز ملی حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی کشور در غضنفر بانک





آشنایی با مهمترین

مفاهیم اقتصادی

شجاع الدین جهاندیده

موترسازی استفاده می‌شود. وابستگی به کالای واسطه‌ای زیان کم تری نسبت به وابستگی به کالای مصرفی دارد.

۳. تولید ناخالص ملی (GNP)

معمولًاً قدرت اقتصادی هر کشوری با معیارهای مختلفی سنجیده می‌شود. یکی از شاخص‌های سنجش این قدرت، تولید ناخالص ملی است. مثلاً گفته می‌شود ارزش تولید ناخالص ملی امریکا در سال ۱۹۸۲م، معادل ۳۰۷۳ میلیارد دلار بوده است. حال که با مفهوم کالا و خدمات آشنا شده ایم، تولید ناخالص ملی را چنین تعریف می‌کنیم: «ارزش پولی کلیه کالاها و خدماتی که اعضای یک ملت در طول یک سال، تولید کرده‌اند». برای فهم این تعریف به این مثال توجه کنید. کشوری را فرض کنید که در یک سال این تولیدات را داشته است:

شده است. مثلاً برای تولید لباس، از نخ که مواد اولیه است و از ماشین‌های بافتگی که ابزاری تولیدی است استفاده شده است. اما خدمات، اشیای قابل لمس نیستند. مثلاً پولی که به مؤسسه آموزشی پرداخت می‌کنیم تا درس ریاضی یاد بگیریم، در واقع، نوعی «خدمت» خریداری کرداییم یا آرایشگری که نوعی خدمت است.

۲. کالای مصرفی و واسطه‌ای

کشوری که کالای مصرفی وارد کند وابستگی ایجاد می‌کند. منظور از کالای مصرفی، آن است که بدون هیچ‌گونه تغییری در آن، قابلیت مصرف داشته باشد. مثلاً چاکلیت، پوشک و خواربار مستقیماً مصرف می‌شوند؛ برخلاف کالای واسطه‌ای که توسط کارخانه‌های تولیدی، خریداری و برای تولید کالاهای دیگر، استفاده می‌شوند. مثلاً فولاد خریداری شده، در صنعت

اقتصاد و مسائل مربوط به آن، یک جنبه از زندگی انسان است و همه زندگی انسان را دربر نمی‌گیرد، با این حال، «مسائل اقتصادی» نقش مهمی در زندگی دارند. اهمیت روزافزون مسائل اقتصادی سبب شده عوامل اقتصادی بر جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع، سایه افکار، محال است جامعه‌ای دور از رفاه حداقل، از وضعیت فرهنگی و سیاسی مطلوبی برخوردار باشد. با توجه به انبوه گفتارها و نوشتارهای اقتصادی، شایسته است با مقداری از مفاهیم کلیدی این علم، آشنایی مختصراً داشته باشیم، بنابراین به مفاهیم کلیدی اقتصاد به شرح ذیل می‌پردازیم.

۱. کالا و خدمات

منظور از کالا، اشیایی است که برای به وجود آمدن از اینبارهای تولیدی و مواد اولیه استفاده



کشور در این سال، ۱۰۰۰۰۰ دالر است. اگر گفته شود در سال ۲۰۱۹ تولید این کشور، ۲۰۰ هزار دالر و در سال ۲۰۲۰ تولید این کشور ۳۰۰ هزار دالر بوده است، آیا واقعاً تولید، سه برابر شده است؟ معلوم نیست جواب، مثبت باشد. اگر گفته می‌شد که در سال ۲۰۱۸، تعداد ۱۰۰ عدد و در سال ۲۰۱۹ تعداد ۲۰۰ عدد و در سال ۲۰۲۰ تعداد ۳۰۰ عدد یخچال تولید شده است، جواب سؤال بالا مثبت بود و تولید، سه برابر شده بود؛ ولی چون در محاسبه تولید ناخالص، تعداد کالا را در قیمت، ضرب می‌کنند، ممکن است این کشور، هیچ اضافه تولیدی نداشته باشد. چون ممکن است قیمت یخچال در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰ و ۳۰۰۰ دالر بوده است، در واقع، هیچ اضافه تولیدی نداشته‌ایم.

۷. ارزش افزوده

ارزش افزوده عبارت است از: «افزایش ارزش پول کالا طی انتقال از یک مرحله از تولید به مرحله دیگر». از نظر محاسباتی، ارزش افزوده عبارت است از: «تفاوت بین ارزش محصول تولید شده با مجموع ارزش مواد اولیه و ملزومات و کالاهای نیمه‌ساخته‌ای که در تولید آن به کار رفته‌اند». باید دقت کرد که همیشه «ارزش افزوده» مساوی با «مفاد» نیست.

خدماتی که در داخل کشور صورت گیرد، خواه توسط اتباع همان کشور باشد و یا توسط فرد خارجی.

۰ موثر: ۱۰۰۰ کیلو از قرار هر کیلو، ۲ دالر = ۲۰۰۰ دالر

۰ موتور: ۱۰۰۰ عراده از قرار هر عراده، ۳ هزار دالر = ۳۰۰۰۰۰ دالر

۰ پوشак: ۱۰۰۰ عدد هر عدد، ۱۰۰ دالر = ۱۰۰۰۰۰ دالر

۰ خدمات: ۵۰۰۰۰۰ دالر

۰ اگر این ارقام را جمع بزنید، گفته می‌شود «تولید ناخالص ملی» این کشور، جماعت ۳۶۰۲۰۰ دالر بوده است.

منظور از کلمه «ناخالص»، این است که وقتی کارخانه‌ای اقدام به تولید موثر یا پوشاك می‌کند، مقداری فرسودگی و استهلاک هم برای کارخانه به وجود می‌آید که باید آن را تعمیر یا جایگزین کرد. منظور از کلمه «ملی» در تعريف، این است که این مقدار تولید که در کشور صورت گرفته، به وسیله اهالی همین کشور بوده است، گرچه در خارج باشند. به عبارت روش‌تر، منظور از تولید خالص ملی، کلیه کالاهای و خدماتی است که اعضای یک «ملت» تولید کرده‌اند، خواه در داخل کشور باشد و خواه در خارج از کشور.

۸. تولید ناخالص داخلی (GDP)

این مفهوم، تفاوت چندانی با مفهوم قبلی ندارد و عدد آن تقریباً مساوی با قبلی است. فقط مراد از کلمه «داخلی» این است که کالاهای و

مجموع درآمدهایی که در طول سال نصبی اعضاً جامعه می‌شود عبارت است از: درآمد حقوق‌بگیران، دستمزدها، سود سرمایه، درآمد حاصل از اجاره املاک و... اگر مجموع این درآمدها را به تعداد جمعیت کشور تقسیم کنیم، «درآمد سرانه» به دست می‌آید که میانگین درآمد شهروندان آن کشور است. متأسفانه در بعضی کشورها درآمد سرانه بسیار پایین است، به طوری که تفاوت درآمد سرانه کشورهای فقیر و غنی، موجب شده است که حدود یک میلیارد فقیر مطلق و ۸۴۰ میلیون گرسنه و دو میلیارد جمعیت که روزانه حدود دو دالر درآمد دارند، محصول این تبعیض باشد.

۹. محاسبه به قیمت ثابت و به قیمت جاری

برای رهایی از پیچیدگی این مفاهیم، با مثالی بسیار ساده شروع می‌کنیم. فرض کنیم کشوری فقط یخچال تولید می‌کند و گفته شده است که در سال ۲۰۱۸، تعداد ۱۰۰ یخچال به قیمت هر عدد ۱۰۰۰ دالر تولید کرده است. پس تولید این

مثلاً دولت، تعیین می‌کند که در ازای هر نوشابه، فلان مبلغ هم باید مالیات پرداخت شود و مصرف کننده که ۷ دلار بابت یک نوشابه می‌پردازد، نمی‌داند چه مقدار آن بابت مالیات است.



۱۱. رشد و توسعه

معمولًاً این دو واژه با هم اشتباه می‌شوند. اگر تولیدات یک کشور از نظر عددی بالا رود، کشوری «رشد یافته» است؛ ولی لزوماً «توسعه یافته» نیست. برای اندازه گیری رشد اقتصادی یک کشور، از شاخص «درآمد سرانه» استفاده می‌شود و چنانچه عدد آن افزایش یافته باشد، گفته می‌شود آن کشور، رشدی معادل مثلاً شش درصد داشته است.

اما برای اندازه گیری توسعه، از شاخص‌های دیگری استفاده می‌شود. مثلاً اگر کشوری علاوه بر رشد، توانسته باشد نرخ مرگ و میر نوزادان را کاهش دهد، امید به زندگی را در جوانان کشورش افزایش دهد و از نرخ بیسواندی بزرگسالان خود بکاهد، گفته می‌شود کشوری توسعه یافته است. البته توسعه یافته نیاز به زمان دارد. مثلاً در چاپان از هر هزار تولد، حدوداً ۴ نوزاد می‌میرند؛ ولی در بعضی کشورهای افریقایی حدود ۱۱۴ نوزاد با مرگ مواجه می‌شوند. امید به زندگی در چاپان، حدود ۸۰ سال و در کشور افریقایی موزامبیک، حدود ۴۶ سال

می‌شوند. اما سیاست‌گذاری مالی، از طریق افزایش یا کاهش دادن مالیات یا خریدهای دولتی صورت می‌گیرد. مثلاً یک سیاست انساطی مالی این است که دولت، مالیات‌ها را کاهش دهد تا قدرت خرید مردم بالا رود و اقتصاد، به کنترول درآید.

“

۱۰. مالیات

در کشورهای غربی (توسعه یافته)، درآمد عمده کشور از طریق مالیات است و فروش نفت و مواد اولیه را جزو منابع درآمدی عمده به حساب نمی‌آورند. مالیات براساس یک تقسیم بندي به دو نوع «مستقیم» و «غیر مستقیم» تقسیم می‌شود.

مالیات مستقیم

مالیاتی است که مستقیماً از افراد یا شرکت‌ها دریافت می‌شود و دو ویژگی دارد: اولاً پرداخت کننده آن مشخص است؛ ثانیاً مقدار آن نیز معین است. مثلاً مالیاتی که از حقوق کارمندان یا ثروت افراد دریافت می‌گردد، مستقیم است؛ چرا که هم پرداخت‌کننده و هم مبلغ، مشخص هستند.

مالیات غیرمستقیم

در این مالیات، نه پرداخت‌کننده معین است و نه افراد می‌دانند که چه مقدار مالیات پرداخته‌اند.

۸. تورم

تعریف ساده «تورم»، افزایش قیمت‌های علت‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد. یک علت ساده آن، این است که مقدار پول در جامعه بیش از مقدار تولید باشد. فرض کنید در یک اقتصاد ساده، ۱۰۰ عدد یخچال به قیمت ۱۰۰۰ دلار تولید شده است که مجموع قیمت آن، ۱۰۰۰۰۰ دلار است. حال اگر دولت، اقدام به چاپ اسکناس کند و ۱۰۰۰۰۰ دلار اسکناس وارد مدار اقتصاد نماید، قیمت یخچال، دو برابر می‌شود. تورم یک اصل پذیرفته شده در اقتصاد امروز است.

”

۹. سیاست‌های پولی و مالی

سیاست‌گذاری پول در جامعه از طریق کاهش یا افزایش دادن حجم پول موجود در دست مردم، صورت می‌گیرد که از آن با تعییر «سیاست انتقامی» یا «سیاست انساطی» نیز یاد می‌شود. فرض کنید به علت چاپ اسکناس، قیمت‌ها افزایش یافته است. در این صورت، دولت باید نوعی سیاست کاهش حجم پول یا «سیاست انتقامی» را اعمال کند. این کار، چندین راه دارد. یکی از راه‌های آن – که معمولًاً در جامعه ما اتفاق می‌افتد این است که دولت، اوراق مشارکت (یا اوراق قرضه) منتشر می‌کند و مردم با خریدن آنها، باعث کاهش حجم پول در جامعه





۹۹

۰. سازمان تجارت جهانی (W.T.O): این سازمان در سال ۱۹۴۷ با موافقت و امضای ۲۳ کشور جهان (با عنوان اختصاری «گات») تشکیل گردید و روز به روز بر تعداد اعضای آن افزوده شده است. هدف اصلی این سازمان، به حداقل رساندن دخالت کشورها در امور تجارت بین الملل است تا نهادهای تولیدی، از قدرت و امکانات رقابتی یکسانی در سطح بین المللی برخوردار شوند. این هدف، از راههای قابل وصول است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:
الف: اگر یکی از اعضا در زمینه عوارض گمرکی شرایط مساعدی را به کشوری اعطا کند، همه کشورهای دیگر باید آن شرایط را رعایت کنند؛
ب: آزادی تجارت در بخش‌های مختلف اقتصاد؛

ج: این سازمان به تدریج عوارض گمرکی را کاهش می دهد. مثلاً در حال حاضر برای آن که تولیدات داخلی لطمه نخورد، دولتها سعی می کنند عوارض گمرکی را زیاد کنند تا واردات، کم و به جای آن، تولید بالا رود و صادرات زیاد شود؛ ولی در برنامه درازمدت W.T.O، این محدودیت‌ها باید کاهش یابند و یا لغو شوند.

۱۳. ضریب فزاینده (ضریب تکاثر)

هرگاه یکی از اجزاء مستقل موثر بر تقاضای کل، مانند سرمایه‌گذاری، مخارج دولت، مصرف و... تعییر یابد درآمد ملی به میزان چند برابر آن افزایش می‌یابد. زیرا زمانی که سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند تولید افزایش پیدا کرده، تقاضا افزایش می‌یابد، مصرف افزایش می‌یابد و مجدداً تقاضا و تولید افزایش می‌یابد و این روند باعث افزایش چندین برابر تولید و در نهایت درآمد ملی کشور می‌شود. به این ضریب افزایشی، ضریب فزاینده (تکاثری) گویند.

است. نرخ بیسادی در بزرگسالان در جاپان کمتر از ۵ درصد و در موزامبیک، ۶٪ درصد است. درآمد سرانه هر جاپانی (تقسیم درآمد کل کشور به جمعیت جاپان) ۳۱۴۹۰ دالر و در موزامبیک، ۹۰ دالر است. پس جاپان، کشوری توسعه یافته و موزامبیک، کشوری توسعه نیافته (عقب افتاده) است.

۱۲. سازمان‌های بین‌المللی تجارت

۰. صندوق بین‌المللی پول (IMF): یکی از سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۴۴م، تأسیس شد و هدف آن، همکاری کشورها در جهت حل مسائل پولی بین المللی بود.

۰. بانک جهانی: بانک جهانی در سال ۱۹۴۴م، هم زمان با صندوق بین‌المللی پول تاسیس شده است و هدف اصلی آن، افزایش سطح رفاه کشورهای در حال توسعه از طریق اعطای وام با شرایطی است که خود بانک، دیکته (اعمال) می کند. تحقیقات، نشان داده است که کشورهای جهان سوم از سیاست‌های این بانک، بهره چندانی نبرده اند.

۶۶

۱۴. هزینه فرصت

در صورتی که قیمت یک کالا تغییر کند، طبق قانون تقاضا، مقدار تقاضا در جهت عکس تغییر می‌یابد و به این تغییر در اصطلاح تغییر در مقدار تقاضا گویند.

۱۵. تغییر در تقاضا

در اقتصاد زمانی که بر اثر عواملی که بر تقاضا موثراند، منحنی تقاضا جایه جا شود که به معنای افزایش یا کاهش تقاضای کالای مربوطه می‌باشد، در اصطلاح تغییر در تقاضا گفته می‌شود. شایان ذکر است تغییر در تقاضا با تغییر در مقدار تقاضا متفاوت است. در تغییر تقاضا، قیمت و مقدار ثابت هستند و عوامل دیگری مثل درآمد، سلیقه، تبلیغات و غیره باعث تغییر در تقاضا می‌شود.

ارزش استفاده از فرصت‌های دیگر که از آن صرف نظر می‌کنیم را هزینه فرصت می‌گویند. زمانی که یک عامل تولید کمیاب است، تخصیص آن در یک فعالیت تولیدی به معنی صرف نظر کردن از فرصت برای استفاده از آن در زمینه‌های دیگر است. هزینه فرصت تشریح کننده این واقعیت است که اگر انتخاب اولیه صورت نمی‌گرفت، انتخاب‌های دیگری با ارزشهای متفاوت وجود می‌داشت که می‌توانست صورت بگیرد. به طور مثال اگر شما شغلی با درآمد سالانه ۳۰ هزار دلار را ترک می‌کنید تا یک استارت‌اپ راه بیندازید، هزینه فرصت شما برای راهاندازی استارت‌اپ ۳۰ هزار دلار در سال خواهد بود. ارزش نهایی این کار شما باید بالاتر از چیزی باشد که از آن صرف نظر می‌کنید.

۱۵. قانون تقاضا

رابطه معکوس بین قیمت و مقدار را در اقتصاد قانون تقاضا می‌گویند، یعنی هر گاه قیمت افزایش (کاهش) می‌یابد مقدار تقاضا کاهش (افزایش) می‌یابد.

۲۰. تعادل اشتغال کامل

اگر در حالت اشتغال کامل تقاضای کل با عرضه کل برابر باشد، درآمد ملی در اشتغال کامل در تعادل است و در نتیجه تعادل اشتغال کامل بدون تورم و بیکاری در اقتصاد برقرار خواهد بود.

۱۶. تعادل پایدار

زمانی که در بازار، تقاضا کننده و عرضه کننده در قیمت و مقدار یکسانی به رضایت بررسند و هر دو از قیمت و مقدار کالا جهت انجام مبادله، رضایت داشته باشند، به گونه‌ای که هیچ اضافه عرضه و اضافه تقاضایی در بازار آن کالا وجود





۲۴. نقدینگی

به عرضه پول فعال به اضافه شبه پول (شامل سپرده پس از انداز و مدت دار و ...) را نقدینگی یا تعریف گسترده پول گویند.

۲۵. ذخیره قانونی

مبالغی که بانک مرکزی از سپرده‌های بانک‌های تجاری دریافت می‌کند تا در صورت بروز مشکلاتی چون بحران‌های مالی و ورشکستگی و نظیر آن بتواند از آن مبالغ در جهت کمک به بانکها برای رفع مشکل اقدام بنماید. درصدی که از جانب بانک مرکزی اعلام می‌شود را نزد ذخیره قانونی می‌گویند.

۲۶. پایه پولی (پول پرقدرت)

مجموع مقدار کل پول نقد، اسکناس، و مسکوک در دست مردم و ذخایر نزد بانک‌ها را پایه پولی گویند که مستقیماً توسط بانک مرکزی کنترول می‌شود.

۲۷. سفتہ‌بازی یا سوداگری پول

از آن جا که پول جهت انجام مبادلات اقتصادی به کار می‌رود، در بسیاری از مواقع آن بخشی از پول که صرف خرید کالا یا خدمات و هزینه‌ها نمی‌گردد و به صورت اضافی باقی می‌ماند، از جانب مصرف‌کنندگان می‌تواند صرف انجام معاملات ریسک‌پذیر سوداوری چون خرید و فروش سهام، اوراق قرضه و بهادر و نظیر آن گردد که در اصطلاح اقتصادی به آن سفتہ‌بازی یا سوداگری پول می‌گویند.

۲۱. تعادل رکودی

در وضعیت اشتغال کامل هر کشور به سطح مشخصی از تولید دست پیدا می‌کند. در صورتی که سطح تقاضای کل و عرضه کل کالا و خدمات تولید شده در جامعه در سطحی کمتر از سطح تولید در وضعیت اشتغال کامل باشد، به علت آن که تقاضای کل از عرضه کل تولید اشتغال کامل کمتر است، شکاف رکودی به میزان کمبود تقاضای موثر به وجود می‌آید که سبب بروز بیکاری در جامعه می‌گردد. در نتیجه تعادل عرضه و تقاضای جامعه در وضعیت رکودی رخ می‌دهد.

۲۲. سپرده دیداری

به حساب‌های جاری بدون بهره در بانک‌های تجاری به استثناء سپرده سایر بانکها، دولت و دولتهای خارجی سپرده دیداری گویند.

۲۳. عرضه پول فعال

کلیه اسکناس و مسکوک در اختیار مردم و سپرده‌های دیداری مردم در اختیار بانک‌های تجاری را عرضه پول فعال می‌گویند.

۲۸. نرخ ارز

المللی بر روی دارایی‌های مالی است. این معاملات توسط افراد، بخش خصوصی و دولتی، به صورت خرید و فروش دارایی‌ها در سطح بین المللی انجام می‌شود. نقل و انتقالات ارزی حاصل از این گونه معاملات با انتقال کالا و خدمات همراه نیست بلکه ورود و خروج سرمایه است. وام دادن به خارج، قرض گرفتن از آن، سرمایه‌گذاری خارجی در داخل یا بالعکس از جمله مبادله‌های سرمایه‌ای است که در حساب سرمایه درج می‌شود.

۳۳. تراز پرداخت‌ها

صورت حسابی است که برای یک دوره یکساله، تمامی مبادلات اقتصادی شامل تجارت کالا و خدمات، انتقالات دارایی مالی یک کشور با سایر کشورهای جهان را ثبت می‌کند که از حاصل جمع حساب سرمایه و حساب تجاری به دست می‌آید. در صورتی که اختلاف حساب تجاری و سرمایه صفر باشد، دارای عدم مازاد و کسری تراز پرداخت‌ها و اگر مثبت باشد مازاد تراز پرداخت‌ها و در غیر این صورت کسری تراز پرداخت‌ها خواهیم داشت. که در این صورت (در صورت وجود کسری) مجموع منابع ارزی که از کشور خارج می‌شود بیش از منابع ارزی است که وارد کشور می‌شود.

منبع: بورسنبیس

بازار عرضه و تقاضای ارز تعیین می‌شود.

نسبت قیمت پول خارجی به قیمت پول داخلی را نرخ ارز گویند.

۲۹. نرخ ارز ثابت و شناور

در صورتی که نرخ ارز مثلاً دالر افزایش یابد، در نتیجه دالر نسبت به پول داخلی گرانتر می‌شود در نتیجه برای خرید دالر باید پول بیشتری نسبت به قبل پرداخت شود و این یعنی کاهش ارزش اسمی پول داخلی در برابر پول خارجی. عکس این حالت افزایش ارزش اسمی پول

است.

۳۱. تراز تجاری

میزان صادرات و واردات یک کشور و کلیه پرداخت‌ها و دریافت‌های حاصل از آن در حسابی به نام حساب تجاری درج می‌گردد. تفاوت ارزش کالا و خدمات صادراتی و وارداتی بیانگر تراز تجاری است. در صورتی که این اختلاف صفر شود می‌گویند حساب تجاری تراز است. اما اگر صادرات بیشتر باشد دارای مازاد تجاری هستیم و اگر واردات بیشتر باشد کسری تجاری داریم.

۳۲. حساب سرمایه

حساب سرمایه منعکس‌کننده معاملات بین

از آنجا که هنگام صادرات اقتصادی با کشورهای خارجی نیازمند پول خارجی آن کشور و یا پول بین المللی هستیم، تغییرات این پول در بازار بین المللی در صادرات و واردات کشورها موثر است. به عنوان مثال، افزایش نرخ ارز به معنای ارزان شدن کالاهای صادراتی و گران شدن کالاهای وارداتی کشور است. بنابراین با صادر کردن آن و به دست آوردن ارز و تبدیل آن به پول داخلی درآمد بیشتری عاید می‌شود. در نتیجه صادرات افزایش پیدا می‌کند. این نوع مبادلات در تقاضای ارز موثر است که می‌تواند قیمت آن را تغییر دهد. بانک مرکزی جهت جلوگیری از اینگونه تغییرات قیمت ارز، می‌تواند اقدام به عرضه‌ی ارز هنگام عدم تقاضای آن بنماید تا قیمت ارز ثابت مانده و دستخوش تغییر در داخل کشور نگردد که این نرخ ارز در بازار را نرخ ارز ثابت می‌گویند. اما هنگامی که بانک مرکزی قیمت ارز را در اختیار عرضه و تقاضای آن در بازار ارز بگذارد، قیمت ارز در بازار می‌تواند بالا یا پایین رود که به آن نرخ ارز شناور گویند. در این وضعیت گویی هر یک از ارزها به صورت یک کالای متجانس درآمده که نرخ آن توسط





غذنفر بانک
GHAZANFAR BANK



قرضه برای بانوان متشبث

%

تکتافه تنزیلی

قرضه میعادی

با شرایط سهل

از یکصد هزار الی دو میلیون افغانی

FOLLOW US ON SOCIAL MEDIA!



AD

جهانی شدن اقتصاد آسیای مرکزی

شعیب بهمن

انسانی و بحران های گوناگونی رو به رو شد. اگر چه طی این مدت جمهوری های آسیای مرکزی دگرگونی های زیادی را بر حسب جغرافیا، میزان جمعیت، منابع طبیعی، توسعه انسانی، گرایش سیاسی و آمادگی برای تشریک مساعی و همگرایی با کشورهای منطقه و جهان بر خود تحمل کرده اند، اما با این تفاسیر سهم آنها از چالش ها و فرصت ها به یک اندازه بوده است. بدین معنی که تاریخ مشترک آنها تحت رژیم شوروی تأثیر مستقیمی بر رژیم های سیاسی آنها پس از استقلال گذاشته است و این مسئله فرایند اصلاحات سیاسی و اقتصادی را در این کشورها با چالش های عده ای مواجه کرده است. سابقه ادغام در امپراطوری کمونیستی و وابستگی اقتصادی به شوروی که مشکلات زیست

مناطق اقتصادی جهان شناخته می شود که علاوه بر آنکه میراث دار اقتصاد بزرگ جاده ی ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا به شمار می آید، امروزه به سبب کشف منابع غنی انرژی نیز کانون توجه شدید بین المللی قرار گرفته است. بنابرین جغرافیای سیاسی و اقتصادی، طبیعت و نیروهای انسانی منطقه از اهمیت بالایی برخوردار می باشند و عامل بالقوه ای برای تجارت و ترانزیت کالا در سراسر قاره محسوب می گردد. با این حال اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی که طی ۷۰ سال حکمرانی شوروی پیوندهای عمیقی با این اتحاد کمونیستی یافته بود، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ با از هم گسیختگی های تجاری، ارتباطی،

هدف اصلی بحث حاضر یافتن پاسخی مناسب برای این سوال است که «فرایند جهانی شدن اقتصاد چه تاثیری بر کشورهای آسیای مرکزی خواهد داشت؟» در بحث حاضر به بررسی دو فرضیه رقیب خواهیم پرداخت. فرضیه نخست که به عنوان فرضیه جانشین در نظر گرفته شده است، بدین شرح می باشد که «فرایند جهانی شدن اقتصاد در آسیای مرکزی، موجب گسترش همکاری های منطقه خواهد ایجاد همگرایی میان کشورهای منطقه خواهد شد.» اما فرضیه اصلی بحث حاضر «فرایند جهانی شدن اقتصاد را عامل تسريع کننده حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه ای و افزایش وابستگی جمهوری های آسیای مرکزی به این بازیگران می پنداشد.»



جغرافیای اقتصادی آسیای مرکزی

آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در میان فضای اقلیمی پهناور اوراسیا واقع شده و تقریباً ۶۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. اگر چه در نگاه نخست آسیای مرکزی منطقه ای فقیر و از نظر جغرافیایی محصور در خشکی به نظر می آید که کشورهای منطقه را به همسایگان و جامعه جهانی وابسته کرده است، اما واقعیت امر آن است که این منطقه تحت لوای تاریخ طولانی خود یکی از مهمترین

در حفظ موقعیت زمامداری با تمام امتیازات و پیش شرط های آن یاری می رساند. منظور از رانت طلبی، فعالیت های غیرتولیدی است که هدف از آنها ایجاد ثروت شخصی می باشد. از جمله عواقب منفی فساد و رانت طلبی می توان به کاهش توانایی دولت سازی، شکاف های فزاینده میان مردم و نخبگان، عدم اعتماد و اطمینان به حکومت و اقتصاد بازار آزاد، رادیکالیزه شدن مخالفت سیاسی و به انزوا کشیده شدن گروه های جوانان و فعالان سیاسی اشاره نمود. اقتصاد سایه یکی دیگر از آفات اقتصادی منطقه است که بازارهای سیاه، غیرقانونی، اقتصاد غیررسمی، معاملات پایاپایی، شغل های دوم اعلام نشده و فعالیت اقتصادی خارج از کنترول دولت بدون آمار رسمی را در بر می گیرد. در حالی که اقتصاد سایه در کشورهای پیشرفتنه ۱۰ تا ۱۵ درصد فعالیت اقتصادی را تشکیل می دهد، در کشورهای در حال توسعه بخش مهمی از فعالیت اقتصادی را شکل می بخشد. در میان کشورهای آسیای مرکزی نیز نسبت اقتصاد سایه به تولید ناخالص داخلی به ۳۹٪، تراجمان ۱۳٪، قرقیزستان ۶۰٪، ترکمنستان ۱۰۰٪ و تاجیکستان ۱۰۰٪.

با جلوگیری از پیشرفت اقتصادی در اقتصاد مشروع بواسطه نارضایتی در عرصه سیاسی، استقبال از استراتژی های جایگزین افزایش یافته است. قاچاق موادمخدر، شرکت در جرایم سازمان یافته و فعالیت در بازار سیاه برای کسانی که ابزاری جایگزین برای کسب درآمد ندارند به منع درآمد تبدیل شده است. اگر چه در کوتاه مدت جنایات سازمان یافته، قاچاق موادمخدر، فعالیت اقتصادهای سایه و بازارهای غیررسمی وسائلی را جهت ترقی اقتصادی در اختیار شهروندان قرارمی دهد که در دسترس اقتصاد قانونی نیست، اما در دراز مدت فرایند مافیایی شدن و افزایش فعالیت های مجرمانه دورنمایی ثباتی را به شدت تقویت می کند و ضمن بازداشت حرکت فعالیت های مشروع، با اجتناب از پرداخت مالیات، جریان منابع دولتی را نیز کاهش می دهد.

باقي مانده اند، همچنان به شکل تشکیلاتی با یکدیگر ارتباط دارند و تمام ارکان جوامع آسیای مرکزی را دربرگرفته اند.

سازماندهی قاچاق موادمخدر توسط شبکه های جنایی محلی که موجب به خطر افتادن سلامتی جامعه، رواج فساد و جنایت شده است، اغلب از میزانی از واستگی نسبت به دولت و یا مقامات دولتی برخوردار می باشند. از این رو قاچاق مواد مخدر یکی از مسائلی است که می تواند از یک سو این فعالیت ها را به عنوان فعالیت اقتصادی از دسترس دولت و نظام مالیاتی و مقرراتی آن خارج سازد و موجبات گسترش بیش از پیش فساد را (به عنوان منع درآمدی جهت امرار معاش) فراهم آورد؛ از سوی دیگر فرصت تامین مالی گروه های شورشی را فراهم آورد. این امر می تواند موازنۀ سیاسی کشورها را بر هم زده و منجر به نزاع مجدد برای کسب و افزایش قدرت گردد. مسئله قاچاق تنها به مواد مخدر ختم نمی گردد و جنبه های دیگر اقتصادی را نیز در بر می گیرد. به عنوان نمونه ۸۵٪ مصرف نفت قرقیزستان از خارج وارد می شود، اما نیمی از کل سوخت مصرفی به داخل کشور قاچاق می شود.

رانت طلبی یکی دیگر از مواردی است که قدرت نخبگان فاسد را پایدارتر می سازد و به آنها

محیطی فراوان، الگوهای تجاری نامتعارف و زیربنایی تولیدی نامناسب را برای این کشورها به ارمغان آورده بود، آنها را به درجات مختلف با تورم، بیکاری، فقدان بازارهای سنتی، خروجی های تجاری و سرمایه گذاری محدود دست به گریبان نمود. از این رو فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روندی از مافیایی شدن و افزایش فعالیت های مجرمانه را در آسیای مرکزی پدید آورد که مسائلی نظیر فساد، قاچاق موادمخدر، جنایت سازمان یافته، رانت خواری و رانت جویی را در بر می گیرد. این فعالیت ها که در زمان حکومت شوروی در حاشیه قرار داشتند، با فروپاشی رژیم های کمونیستی به مرکز زندگی سیاسی و اقتصادی راه یافتند.

فساد به عنوان یکی از مهمترین عوامل بی ثباتی کشورهای آسیای مرکزی، به استفاده از مقام دولتی درجهت سود شخصی اطلاق می گردد. فساد به اشکالی از دولت مرتبط می شود که در آن به کنترول دولتی بر فعالیت اقتصادی بهای زیادی داده می شود و دولت کنترول انحصاری و شدیدی بر زندگی سیاسی و اقتصادی اعمال می کند. فساد هنگامی رخ می دهد که انحصار و مصلحت اندیشه در کنار فقدان پاسخگویی وجود داشته باشد. پاندهای فساد اداری در کشورهای آسیای مرکزی که از دوران حکومت شوروی





دولت های منطقه که اکثراً دولت های حداکثرگرا می باشند، با سیاست های خود فضای محدودی را برای گروه های فعال اقتصادی باقی گذاشته اند. از این رو بورژوازی ملی در این کشورها از موقعیت ضعیفی برخوردار است و حرکت به سوی دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد محدود بوده است. به طور کلی دولت های ضعیف، نقصان بودجه، فقدان سیستم های مناسب بانکی، ضعف بخش خصوصی و اقتدار اقتصادی دولت ها، محدودیت های مبادرات پولی و ارزی، فساد و رشوه، وجود سیستم های نارسای مالیاتی و گمرکی، تفرقه و خشونت های قومی و قاچاق مواد مخدر موجب فقدان رشد مستمر و پایدار اقتصادی خواهد شد. از این منظر کشورهای منطقه آسیای مرکزی برای رهایی از شرایط موجود باید اصلاحاتی همچون کاهش فساد بخش دولتی، افزایش خصوصی سازی، تقویت نقش قانون در تمام حوزه های جامعه، ایجاد یا توسعه رژیم های نظارتی غیرتبعیض آمیز، ارائه خدمات اجتماعی مدرن، اصلاحات ارضی، حذف بیکاری پنهان و ... را سر لوحه برنامه های اقتصادی خود قرار دهند.

با این حال بیکاری و فقر یکی از مشکلات عمدۀ اقتصادی منطقه است که مردم را به سوی فعالیت های نامشروع اقتصادی می کشاند. فقر مساوی با نابرابری چشمگیر در توزیع درآمد است که می تواند با محرومیت اجتماعی، کاهش اعتماد به حکومت و کارکرد دمکراسی ارتباط داشته باشد. در گزارش «برنامه رشد سازمان ملل متحد» در سال ۲۰۰۶ که بر اساس ضریب توسعه انسانی که شاخص مکمل تولید ناخالص ملی به شمار می آید تنظیم شده است؛ کشورهای مشترک المنافع قرقاسitan، قرقیستان، ازبکستان و تاجیکستان، در میان ۱۷۷ کشور جهان به ترتیب در ردیف های ۷۹، ۱۱۰، ۱۱۳ و ۱۲۲ مرتفه ترین کشورهای جهان قرار گرفته اند.

همچنین طبق گزارش صندوق بین المللی پول در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۶، کشور های منطقه ظرف پنج سال اخیر همه ساله در مجموع رشد هشت درصدی داشته اند. افزایش میزان بدھی های کشورهای منطقه از سازمان های بین المللی و کشورهای خارجی به یک مشکل جدی تبدیل شده است. همچنین افزایش میزان ده درصدی تورم در این کشورها، فراهم نبودن فضای مساعد اقتصادی، وجود فضای ناسالم افکار بازرگانی در نهادهای دولتی، عدم همکاری های منطقه ای و تنش در روابط کشورهای منطقه از جمله موانع توسعه اقتصادی در هر یک از کشورها محسوب می گردد.

به عنوان مثال اقتصاد تاجیکستان پس از استقلال تنها با ۶۰ درصد سطح تولیدات ناخالص ملی این کشور در سال ۱۹۹۰ برابر شده است که در صورت رشد همه ساله ده درصدی اقتصادی، این کشور تنها در سال ۲۰۱۵ به سطح رشد خود در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی خواهد رسید. پیش بینی شاخص های حجم تولید ناخالص داخلی (GDP) (پیش بینی نرخ رشد صادرات کالا، پیش بینی شاخص های حجم سرمایه گذاری در تجارت به همراه گزارش توسعه انسانی) براساس پارامترهای همچون امید به زندگی - میزان سعادت جامعه و درآمد سرانه در آسیای مرکزی بیانگر وضعیت وخیم اقتصادی کشورهای منطقه می باشد. همچنین در میان کشورهای منطقه تنها جمهوری قرقیستان در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۸ به سازمان تجارت جهانی پیوسته است و قرقاسitan، تاجیکستان و ازبکستان به عنوان عضو ناظر در سازمان حضور دارند. در این بین ترکمنستان با اتخاذ سیاست بی طرفی، خط مشی انزواگرایانه را پیش گرفته و حتی اقدامی برای حضور در سازمان تجارت جهانی نکرده است.

در معادلات منطقه‌ای اوراسیا ایفا نماید. علی‌الخصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که دیدگاههای امنیتی در سطح نظام بین‌الملل با تغییر و تحولات گسترده‌ای مواجه شد و با توجه به حضور نیروهای نظامی آمریکا در آسیای مرکزی که موجب پیدایی شرایط جدید در منطقه شد؛ اهمیت ژئوپلیتیک منطقه با اهمیت اکونومیک (منابع انرژی) آن تلفیق شد. اهمیت فوق چنان نمود یافت که دیگر برای قدرت‌های بزرگ جهانی بی‌اعتنایی به تحولات داخلی و منطقه‌ای آسیای مرکزی ناممکن گردید و حتی برخی آسیای مرکزی را قلب جهان در قرن آینده نامیدند و اعتقاد یافتدند که بار دیگر بازی بزرگ در منطقه آغاز شده و هر که بر این منطقه تسلط پیشتری یابد و منابع آن را زیر نفوذ خود درآورد، قدرت برتر جهان خواهد بود. از این رو اهمیت آسیای مرکزی برای دنیای سرمایه داری رو به جهانی شدن، علاقه‌مندی به رشد اقتصادی کشورهای منطقه و یا کمک به تسريع روند توسعه و پیشرفت آنها نیست، بلکه این اهمیت در ازای موقعیت جغرافیایی و بهره برداری از منابع غنی انرژی منطقه است که کشورهای مختلف و در صدر آنها ایالات متحده را وارد منطقه کرده است.

ادامه دارد...

منبع: پرتال جامع علوم انسانی

همان نسبت انطباق مجدد اقتصاد ملی با شرایط اقتصاد و تجارت بین‌الملل نیز دشوارتر می‌گردد و هر چه بکنوختی و نفوذ متقابل اقتصادی افزایش یابد آن دسته از کشورها و مناطقی که قادر یا مایل به ادغام در نظام جهانی نیستند بیشتر منزوی شده و به حاشیه رانده می‌شوند و شکاف بین‌غنا و فقر به نفع کسانی که دارای بیشترین ثروت‌های مورد نیاز جهان هستند افزایش می‌یابد.

در حال حاضر نقش کشورهای منطقه آسیای مرکزی در روند جهانی شدن اقتصاد رقم خورده و از اهمیت شایانی نیز برخوردار است. در واقع جز در دوران اتحاد شوروی، آسیای میانه همواره از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار بوده و مورد رقابت و منازعه قدرت‌های گوناگون قرار گرفته است. از این رو اقتصاد و امنیت کشورهای آسیای مرکزی نمی‌تواند جدا از اقتصاد و امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار گیرد.

آسیای مرکزی پس از جنگ سرد به عنوان منطقه‌ای برخوردار از امکانات بالقوه اقتصادی و منابع سرشار زیرزمینی مجدداً به عنوان کانون و مرکز توجه جهانی قرار گرفته است. قرار گرفتن در میان سه کشور چین، هند و روسیه می‌تواند پویایی خاصی به مناسبات اقتصادی این کشورها ببخشد و آسیای مرکزی می‌تواند نقش بزرگی را

اهمیت آسیای مرکزی در فرایند جهانی شدن

در روند جهانی شدن، اقتصاد ملی باید در ارتباط با اقتصاد جهانی تعریف شود، زیرا از یک سو اقتصاد و تجارت واحدهای ملی از یکدیگر مجزا نخواهد بود و از سوی دیگر هیچ کشوری را توان گزیز از آثار و تبعات جهانی شدن نیست. چرا که کشورها یا از طریق پذیرش اصول اقتصادی جهانی شدن همچون تجارت آزاد و عضویت در سازمان تجارت جهانی به صفت کشورهای موافق با این پدیده می‌پیوندند و یا از طریق پیش گرفتن مواضع ارزواجویانه از نظام اقتصاد و تجارت جهانی به گروه مخالفان جهانی شدن می‌پیوندند؛ که در هر دو صورت باید توان خود را صرف موافقت یا مخالفت نمایند. از این رو با قدرت گرفتن مدیریت سیستم اقتصاد بین‌المللی، وابستگی‌های اقتصادی، کشورها را به یکدیگر متصل می‌کند و در چنین شرایطی بروز بحران‌های اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان می‌تواند به سرعت دامنگیر کشورهای منطقه و جهان گردد.

بنابراین دوری جستن از فرایند جهانی شدن و اصول و الزامات آن باعث پدید آمدن نوعی از هم گسیختگی در توسعه ملی می‌شود. لذا هر اندازه در پیوستن به پدیده جهانی تاخیر ایجاد شود، به



کارمندان ممتاز غضنفر بانک در سال ۲۰۲۰

غضنفر بانک با اعطای لوح تقدیر، از خدمات ارزنده و خستگی ناپذیر سه تن از کارمندان ممتاز خود در سال ۲۰۲۰ محترم حکیم الله حفیظ کوفی، آمر بخش ضمانت نامه ها و اعتبار نامه های بانکی، محترم سرور ولی زاده معاون امریت ارشد مالی، و بانو رعنا وردک کارمند بخش خطرات قدر دانی نمود. ایشان با استفاده از توانایی ها و مهارت های لازم، صداقت و تهدید، وظایف خویش را به نحو احسن انجام داده و منجر به دستاوردهای بزرگ و چشمگیری در بانک شده اند. هیئت رهبری غضنفر بانک برای ایشان سعادت و موفقیت های بیشتری آرزومند است.





تجربه آلمان در توسعه اقتصادی

علی صالحی

جديد اقتصادي شد، ولی در آلمان موقعیت جغرافیایی، حمل و نقل و شرایط تاریخی به نفع وحدت سیاسی و توسعه اقتصادی نبود.

اوایل قرن ۱۹ م. تولیدات کارخانه‌ای آلمان ترکیبی از صنایع دستی و کارگاه‌ها و کارخانه‌های متفرق خانوادگی بود. در سال ۱۸۱۵ نسبتاً ارزان و باکیفیت انگلیسی، بازارهای آلمان را فراگرفت و هزاران واحد صنعتی کوچک و ناکارآمد را به ورشکستگی کشاند. این امر موجب شد تا در سال ۱۸۱۸ آلمان با طراحی یک سیستم تعرفه‌ای مناسب، در جهت اتحاد ملی بکوشد. دولت آلمان با وضع سیستم تعرفه‌ای در اتحادیه‌های گمرکی و حمایت از صنایع نوپا در پی آن بود که از حذف تولید ملی جلوگیری کند.

با توجه به منابع طبیعی محدود و عقب‌ماندگی آلمان تا سال ۱۸۵۰، صنعتی شدن آلمان بزرگ ترین و قابل توجه‌ترین موفقیت قرن نوزدهم بود.

یافتنگی آلمان را با نگاهی کوتاه به قرن‌های ۱۵ و ۱۶ از سر می‌گیریم. در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ (در زمان فوگرها) سرمایه‌داری تجاری و مالی در جنوب آلمان از هر نقطه دیگر اروپا پیشرفت‌تر بود. با باز شدن راه‌های تجاری آبی به جزایر هند شرقی و آمریکا، مرکز فعالیت تجاری به سواحل آقیانوس اطلس (پرتغال، هسپانیا، هلند، انگلستان و فرانسه) منتقل گردید و آلمان از خطوط اصلی فعالیت دور افتاد. با گسترش روند فوق تاقرن‌های ۱۷ و ۱۸ اتریش و پروس ۱ تنها اهمیت نظامی و سیاسی خود را حفظ کرده بودند و عملاً قدرت اقتصادی خود را از دست داده بودند. در این دوره کشورهایی همچون انگلستان و فرانسه به سوی وحدت سیاسی و قدرت مضاعف پیش می‌رفتند. در انگلستان و فرانسه تجارت با سرزمین‌های دور سبب توسعه اقتصادی، تجمع سرمایه و خلق سازمان‌های

آلمان با مساحت ۳۴۹۲۲۳ کیلومتر مربع و با ۸۲ میلیون نفر، پر جمعیت‌ترین کشور اروپا محسوب می‌شود. آلمان هم اکنون یکی از صنعتی‌ترین کشورهای جهان است و به عنوان ثروتمندترین عضو اتحادیه اروپا، موتور اقتصادی حوزه پولی یورو محسوب می‌شود. اما کشوری که دیر به صحنۀ رقابت با کشورهای بزرگ دنیا آمد و دو جنگ جهانی را نیز با شکست پشت سر گذاشت، چه که هم اکنون بزرگ‌ترین صادرکننده کالا در جهان و دومین واردکننده کالا از جهان پس از آمریکا است؟ این باشت سرمایه‌ی عامل مهم برای توسعه یافتنگی آلمان محسوب می‌گردد.

با نگاهی اجمالی به روند توسعه یافتنگی این کشور در می‌یابیم که بزرگ‌ترین اتفاقات توسعه ای این کشور در نیمه دوم قرن ۱۹ اتفاق افتاده است، ولی برای فهم بهتر مطلب، روند توسعه

علاقهمند بود. وی به افزایش توان ناوگان دریایی به منظور به کارگیری در رقابت برای گسترش مستعمرات اولویت داد. آلمان توانست تا سال ۱۹۱۰ به دومین کشور بزرگ برخوردار از ناوگان دریایی، پس از انگلستان تبدیل شود. توسعه ناوگان دریایی در آلمان و رقابت برای تصرف سرزمین‌های مأموری دریاها جهت تهییه مواد خام، صدور سرمایه و کالا به قدری افزایش یافته بود که انگلستان، آلمان را به منزله تهدیدی برای چند قرن برتری سیاسی و اقتصادی خود در عرصه رقابت مستعمراتی تلقی می‌کرد.

انقلاب علمی

در اروپا آموزش‌های علمی پیش از صنعتی شدن رواج یافته بود، اما تا سال‌ها پس از انقلاب صنعتی هنوز میان صنعت و آموزش‌های علمی و فنی ارتباط تنگاتنگی گره نخورده بود. پیشرفت‌ها و اختراعات در بخش‌های علمی و فنی توسط پیشه‌وران و افزارمندان مرفحی که به صورت غیرحرفه‌ای و بر اساس علایق شخصی خود فعالیت می‌کردند، صورت می‌گرفت. اما از نیمه دوم قرن نوزدهم این وضعیت دچار تغییر شد و افرادی که آموزش‌های علمی و فنی رسمی و دانشگاهی دیده بودند در بخش صنعت به کار گرفته شدند، به طوری که در بسیاری موسسات آزمایشگاه‌هایی برای این افراد سازمان داده شد.

سیستم شبکه راه‌آهن گردید، همان‌طور که پاریس مرکز شبکه ملی راه‌آهن فرانسه شده بود. در ساخت و مدیریت راه‌آهن‌های اولیه، هم مالکیت دولتی و هم مالکیت خصوصی وجود داشت، اما در پایان جنگ بین‌المللی اول تمام راه‌های آهن آلمان به دولت این کشور انتقال یافت.

فردریک (۱۷۸۹–۱۸۴۶)، از بنیانگذاران مکتب تاریخی، معتقد است که اتحادیه گمرکی و شبکه راه‌آهن، دو قله‌های پایه توسعه اقتصادی آلمان هستند. اولی موافع مصنوعی داد و ستد و تجارت را برطرف کرد و دومی موافع طبیعی را از پیش پا برداشت.

انقلاب دریانوردی

در زمان امپراطوری ویلهلم اول (دوران پادشاهی ۱۸۶۱–۱۸۸۸)، اتو وان بیسمارک صدر اعظم آلمان بود، بیسمارک توانست آلمان را با سه جنگ متوالی به کشوری واحد تبدیل کند. بیسمارک در طول ۲۸ سال صدر اعظمی اش، با بستن قراردادهایی با اتریش، مجارستان، ایتالیا و روسیه باعث شد آرامش طولانی در آلمان به وجود بیاید، این آرامش موجب شکوفایی اقتصاد آلمان گردید. بعد از مرگ ویلهلم اول (۱۸۸۸) ویلهلم دوم (دوران پادشاهی ۱۸۸۸–۱۹۱۸) به امپراطوری رسید. امپراطور جدید آلمان (ویلهلم دوم)، به دیپلماسی بیسمارک اعتقادی نداشت. وی به مستعمرات و فعالیت‌های امپریالیستی

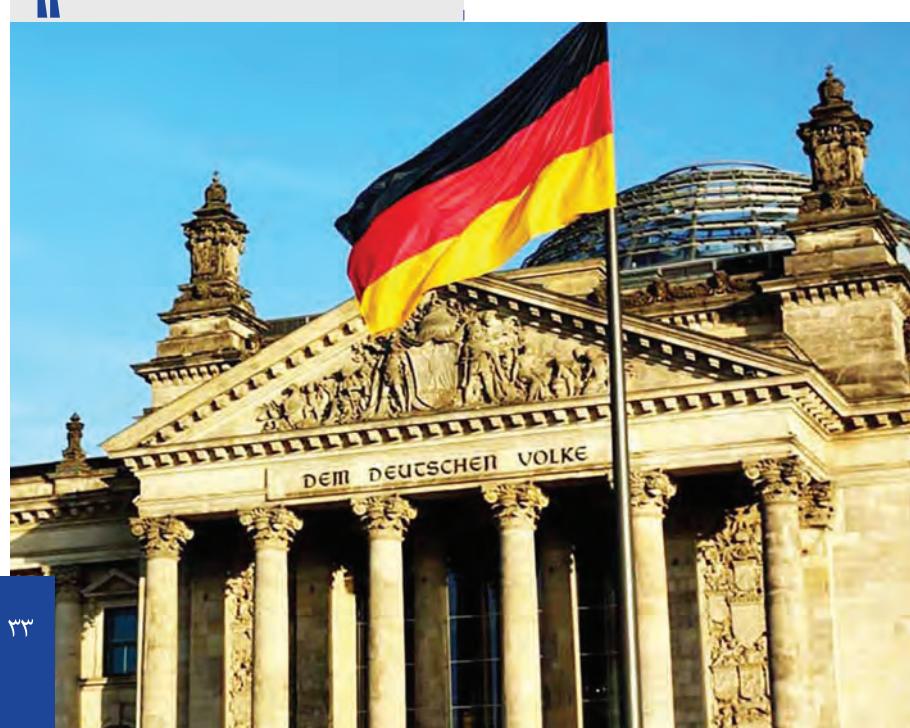
از نظر توسعه اقتصادی نیز تا آن زمان چنین پدیده‌ای در جهان روی نداده بود. چهار عامل اصلی تحول اقتصادی آلمان که ریشه توسعه یافتنی دیگر کشورها در سراسر جهان نیز به شمار می‌رود، عبارتند از:

انقلاب صنعتی اول

انقلاب صنعتی اول با توسعه ریسنگری و بافتگی و راه‌آهن به طور همزمان و در یک دوره رخ داده است.

ریسنگری و بافتگی: آلمان تا سال ۱۸۵۰ در تولید پارچه‌های نخی روند رشد کننده را تجربه می‌کرد و تا سال ۱۸۷۱ از انگلستان و فرانسه بسیار عقب‌تر بود. بزرگ‌ترین حادثه قرن به چنگ آوردن منطقه الزاس از فرانسه بود که به تنهایی بیشتر از کل آلمان پارچه‌های نخی می‌بافت. از این رو، از نظر آماری تولیدات صنعتی پارچه‌های نخی آلمان در اثر این تصرف دو برابر شد. در مورد پشم نیز در نیمه اول قرن نوزدهم منبع اصلی پشم گوسفندان خود آلمان بود و نخ ریسنگری و تولید پارچه نیز در خانواده‌ها شکل می‌گرفت. اما در نیمه دوم قرن نوزدهم آلمان به پشم وارداتی وابسته شد و تولید خانوادگی جای خود را به تولید کارخانه‌ای داد. در مورد پارچه‌های ابریشمی نیز مکانیکی شدن تولید و نیاز میرم به رنگ‌آمیزی ظرفی و عالی برای این پارچه موجب پیشرفت آلمان در این صنعت گردید.

راه‌آهن: راه‌آهن در هیچ کشور اروپایی به اندازه آلمان تاثیر انقلابی نداشت. راه‌آهن به آلمان اجازه داد که دویاره وارد صحنه دنیاگی شود. که به واسطه کشف آمریکا از آن کنار مانده بود. راه‌آهن موجب گردید تا آلمان از یک اقتصاد راکد با راه‌های بد و دهات خواب آلود، به سوی یکپارچگی اقتصادی و شهرنشینی جهش یابد. در دهه ۱۸۷۰ وقتی که شبکه راه‌آهن آلمان تکمیل گردید آلمان به بزرگ‌ترین قدرت قاره اروپا تبدیل شده بود و می‌رفت که بر کل اروپا تسلط یابد. اولین راه‌آهن آلمان در سال ۱۸۳۵ در باوریا افتتاح شد، اما طولی نکشید که برلین مرکز



“

آهن و فولاد: بعد از زغال‌سنگ، ماده اولیه انقلاب صنعتی آهن بود. در نیمه اول قرن نوزدهم، آلمان یک صنعت آهن قدیمی با کارخانه‌های پراکنده داشت. در حالی که در سال ۱۹۱۳ نصف تولید اروپا را در حجمی بسیار بزرگ‌تر به دست می‌داد. پیشرفت چشمگیر آلمان در کیمیا، موجب موفقیت این کشور در صنعت فولاد شد. توسعه هم‌زمان صنعت فولاد و آهن آلمان، به آن کشور اجازه داد که کارخانه‌های مدرن با ابعاد عظیم احداث نماید. گسترش صنعت برق و صنایع متنوع شیمیایی جایگاه آلمان را در اقتصاد اروپا به نحو قابل توجهی ارتقا بخشید.

اما تنها پیشرفت‌های علمی برای تبدیل آلمان به قدرت امپریالیستی کافی نبود. این باشت سرمایه در جهش اقتصادی آلمان عامل مهم دیگری به حساب می‌آمد. در روند این باشت سرمایه در آلمان، عوامل متعددی نقش داشت. مهم‌ترین این عوامل برخورداری آلمان از یک بازار ملی بزرگ و همچنین عملکرد موفق سیستم بانکداری این کشور بود. بنابراین ترکیب دو عامل پیشرفت‌های علمی و فنی و این باشت سرمایه موجب گردید که آلمان در سال ۱۹۱۳ با تولید حدود ۱۵ درصد از محصولات کارخانه‌ای جهان رتبه دوم را پس از آمریکا احراز کند.

”

هرچند اقتصاد آلمان در قرن بیستم نیز با دو جنگ جهانی و بحران‌هایی از جمله بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ و جهش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ رو به رو شد؛ ولی از این بحران‌ها به سلامت، اما پر هزینه بیرون آمد. کشورهای دیگری می‌توانند درس‌هایی عبرت آموزی از تجربیات آلمان بگیرند.

اولین گام آلمان برای توسعه یافتنگی برقراری سیستم تعرفه‌ای مناسبی بود که از صنایع داخلی حمایت می‌نمود تا توسط رقبای خارجی بلعیده نشوند. اما طولی نکشید که این صنایع قدرت رقابت با رقبای خارجی خود را به دست آوردند. آلمان بین علم و صنعت ارتباط تنگاتنگی ایجاد نمود و با حمایت از دانشمندان و مخترعان و استفاده کاربردی از این اختراعات صنعت خود را توسعه داد. اما علاوه بر پیشرفت‌های علمی و فنی، این باشت سرمایه نیز عامل مهم دیگری برای توسعه یافتنگی آلمان محسوب می‌گردد.

منبع: روزنامه دنیای اقتصاد

«علم در خدمت صنعت» عبارتی بود که آفرد مارشال در تشریح کمک آلمان به رهبری و هدایت صنعتی جهان به کار برد. در آلمان شور آموزش و حیثیت و اهمیت استادان دانشگاه نتایج کاملاً متفاوتی نسبت به دیگر کشورها به بار آورد. رابطه کاری بسیار نزدیکی بین صنعت و دانشگاه‌ها برقرار گردید و نوآوران واقعی در صنایع سنتیک، استادان کیمیا دانشگاه‌ها بودند. دولت آلمان مبالغ زیادی پول برای تحقیق در علم کیمیا و آموزش آن در اختیار دانشگاه‌ها و مدارس فنی می‌گذاشت. برای مثال: نیل سنتیک بعد از دهه تحقیقاتی دولت، در سال ۱۸۸۰ از دالر کمک تحقیقاتی دولت، در سال ۱۸۸۰ از قطران، زغال‌سنگ تولید کرد. هزاران کیمیادان خوب آموزش دیده با حقوق‌های متوسط، یک سپاه روش‌فکری علمی را تشکیل می‌دادند. جالب توجه است که یک هیات انگلیسی که در سال ۱۸۷۲ از آلمان دیدن می‌کرد، متوجه گردید که در یک دانشگاه آلمان (مونیخ) تعداد دانشجویان رشته کیمیا از کل دانشجویان این رشته در تمام دانشگاه‌های انگلستان بیشتر است. آلمان در دیگر زمینه‌ها نیز پیوند محکمی بین علم و صنعت ایجاد نمود. اختراع اولین راه آهن بر قی در سال ۱۸۷۹ و تاسیس کمپنی جنرال الکتریک آلمان (AEG)، که در سال ۱۸۸۰ برای بهره‌برداری از اختراق گروپ برق توماس ادیسون تشکیل گردید، از جمله اقدامات در جهت انقلاب صنعتی دوم بود.

انقلاب صنعتی دوم

بر اثر پیشرفت‌ها و کشفیات علمی و فنی جدید صنایع و کارخانه‌هایی پا به میدان تولید نهادند که نتیجه فعالیت آنها منجر به تسريع در روند مکانیزاسیون و تراکم بیشتر وسایل تولید شد. از جمله موارد مهم این تولیدات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.



د کوچنيو او متوسطو کاروباري فرصتونو ايجاد

مین ستانکزی

خود چې د **Investopedia** ۱۹۹۹ د چې د یمو کلونو راهیسې په نړۍ کې د مالي او تجاري مسایلو په اړه خپرنه کوي د تعريف پر اساس واړه او متوسط کاروبارونه هغه کاروبارونه دی چې خله سرمایه، عايد، کارمندانو تعداد او کار خای د یو تعین شوي مقدار تر حده وساتي .

د ورو او منځني کچې کاروبارونو لپاره د نړۍ هر هبود خپل تعريف لري او همدارنګه د نړۍ هر هبود د کارمندانو تعداد له منځی خپل ارقام لري دېلکې په ډول استهاليا د ورو کارو بارونو لپاره (۱۵) اروپا (۵۰) او امریکا تر (۵۰۰) پوري کارمندان د کوچنيو او متوسطو کارو بارونو لپاره تاکلي دی.

د اروپاې اتحادي په یوه متنل شوي راپور کې پې د کوچني کچې تجارت لپاره (۵۰) تنه کارمندان (۱۰) ميليونه يورو سرمایه او د منځني کچې لپاره (۲۵۰) کارمندان او (۵۰) ميليونه يورو سرمایه شرط اينې دی چې باید په همدي تعريف او فارمت کې خای پر خای شي .

په کتلو د ملګرو ملتونو ادارې د ورو او متوسطو کاروباريونو د ملاتړ په موخيه د جون (۲۷) مه نېټه نړيواله ورڅ اعلان کړیده . په بریتانیه کې د ۲۰۱۴ ميلادي کال د یوې خپرنې له مخې د بریتانیه اقتصاد (۴۹) سلنې په کوچنيو او متوسطو کاروباريونو باندې روان دي

واړه کاروبارونه
واړه کاروبارونه هغه کاروبارونه دی چې په فردې ډول یاهم په تولنيز ډول تولیدات او خدمات اړایه کوي، لږي سرمایې ته اړتیا ولري او عایدات پې لږ وي همدارنګه کم کارمندان ولري. نو دې ډول کاروبارونو ته مور کوچني تجارتونه ویلى شو. پدې ډول تجارتونو کې پانګوال، د تولید او خدماتو پراندې کوونکي، صلاحیت او مسؤليت لرونکي او بالاخره ماليه ورکوونکي هماغه یو نفر د کاروبار مالک وي .

یاهم له هغه ورو کاروبارونو خخه عبارت دی چې کلني عواید، تولیدات او ماليه پې کمه وي او په کار لګکا کسان پې هم کم وي چې له پنځلسو زیات نه وي .

کله چې هم مور د نويو تجارتونو په اړه خبرې کوونو چېر وخت مو د تجارت له نوم سره د ډېرې پانګونې، د کاروبار لپاره د پراخ خای، او ډېر امکانات فکر ته راخي. دا زموره ستونزه ده چې کله مو هم د ورو تجارتونو فرصتونه نه دې پلتلي .

د ورو کاروبارونو یو بنه والي دا دی چې، په لړ وخت کې پې د جو پيدو او خدماتو د اړایه کیدو قابلیت پیدا کولی شو. کله چې هم یو خوک دنده له لاسه ورکړي نو لوړۍ خل حس کوي چې اړتیا ده تر خو خپل یو وروکې کارو بار را پیل کړي ډېرې خلک به تاسې لیدلې وي چې د دندې له لاسه ورکولو وروسته خان ته د تسلی په پار واي چې، که نور نه شو یو وروکې کارو بار به را پیل کړم یانې دا یوه تکيه ګاه غونډې ګډنۍ شو نوره نړۍ کې د ورو کاروبارونو لپاره په دولتي او خصوصي کچه ادارې کارکوې او د ملاتړ او پاينېت په پار ورسره مرستې کوي خکه هغوي په دې پوهېږي چې واړه تجارتونه بالاخره په سترو تولیدي او خدماتي کمپنيو بدليږي . همدي اهميت ته



کې د ورو کاروبارونو ايجاد بیخی زیات مهم او د پلي کيدو وړ دی، څکه د داسې هپوادونو وګړي د سترو کمپنيو د جوړلواوس نه لري، په افغانستان کې د ورو کاروبارونو د ايجاد اړتیا له د بهم قیاسولی شوچې، ډير افغانان بي روزگاره ګرځي او کلونه کلونه د دندې پلتهه کوي خو څله ددي فکر نه کوي چې یو عادي کار وبار را پیل کړي، همدارنګه په نوره نړۍ کې د دولتي دندو سریره شخصي کمپني او ادارې هم په زیات حجم سره کارمندان استخداموي چې په افغانستان کې دا برخه هم بیخی په نشت حساب ده نو دې روزگاری کچې کمولو لپاره لازمه ده چې کوچني کاروبارونه رامنځته شي. له بل پلوه، که وکتل شي افغانستان یو مصرفی هپواد دی چې خلک یې زیاتو خپرو، پوبناک، روغتیايو خدماتو، خېرنې او بالاخره یو عادي تولیدي او خدماتي برخې ته هم اړتیا لري نو د داسې

وار لیستونه او کلنی اظهار نامې نه غواړي بس هماګه د یو کال تعین شوې ماليه ترې اخلي چې دېټه کوچني ماليه ورکوونکي وايي خود بnarواليو له لوري دا برخه یا په جلا توګهتعريف شوبده هغوي صنفي جوازونه د سرمایې پر بنسته نه ورکوي بلکې جوازونه یې د پېشې او مسلک په لحاظ پېشلي دي، چې یو کلن جواز ورکول کيږي دوى د وزیرانو شورا له لوري د جوړ شوي قانون د لوړۍ مادې لوړۍ فقرې له مخې چې د افغانستان د لوړۍ درجه بشارونو لپاره یې اعلان کړي دي، صنفي جواز ورکوي او دا جواز د سرمایې پر بنسته نه بلکې د مسلک او پېشې پر بنسته دي.

”په افغانستان کې د ورو او منځني کچې کاروبارونو اهمیت
افغانستان غونډې په وروسته پاتې هپوادونو

د افغانستان په سوداګریزو او سکتوری ادارو کې د کوچنيو او متوسطو کاروبارونو لپاره یو لړ شرایط شته د سوداګرۍ او صنعت وزارت او د دوی تر چتر لاندې ادارې د سرمایه ګذاری په درجه بندې کې یوازي انفرادي چې د انفرادي لپاره پنځه سوه زره افغانی او د شرکتی لپاره یو میليون افغانی مقدار ټاکلی دی ویشلي دي دا ادارې سرمایه ګذاري په درې برخو باندې ویشلي چې کوچني ، منځني او لوی تجارتونه د افغانستان د ملياتو د قانون د (۴) مادې پر اساس د کوچنيو ماليه ورکونکو او اصنافو لپاره یو ټاکلی او ثابته ماليه وضع کړي دوى هم همدارنګه ماليه ورکونکو په ورو، متوسطو او غڼيو برخو باندې ویشلي دي، چې ماليه یې د عوایدو او ګټې، تاوان پورې تړلې نه ده (البته دا چاره د کوچنيو کاروبارونو لپاره ده) بلکې کلنی ټاکلی ماليه پې وضع کوي چې لدې کټګوری یا ربع

ميزي ته ضرورت لرو ترڅو کار پري را پيل کړو.

۳. پلاستيكي محصولات : پلاستيكي محصولات کار وبار يو له هغو کاروبارونو خخه دی چې کمې سرمائي او کمو کارمندانو ته ضرورت لري نو پې شروع کيدا اسانه او تقربيا د ډېرولو خلکو د وسې کار دی په اوس وخت کې پې تقاضا هم زياته ده د ماشومانو د لوړو له سامان را نيوپې آن د کور د لوړنیو ضروري وسايلو پوري ټول پدي کړگوری کې رائې.

۴. فلز کاري : کولاي شو چې په ډېرولو کمو امکاناتو د فلزکاري خدمات پيل کړو. فلز کاري هم د زياتې تقاضا په رديف کې رائې چې په ټولنه کې ورته زياته اړيتا ده او تقربيا د هر کور اړيتا پې ګټلي شو.

۵. ژر تيار کيدونکي خواړه (fast food) : فاست ғود هم د کمو امکاناتو پر مېت کولاي شو چې پې را پيل کړو، کافي

په افغانستان کې کوم واړه تجارتونه پیلولى شو؟

۱. د تصفيه شوو او بوي خرڅلوا : اوس وخت کې نېډې د هر کور او هر کارځای اړيتا ده چې تصفيه شوې او به ويپري ، نو ددي لپاره کولاي شو چې حتا بیخني په کمو امکاناتو هم دغه ډول خدمات عرضه کړو که چيرته د او بوي د تصفېي ، بسته بندۍ او نورو وړاندې کوونکو وسايلو کارولو سره هم کار پيل کړو نو لړې سرمائيه ګذاري ته اړيتا لري چې تاسې به په بنارونو کې د تصفيه شوو او بوي وړاندې کوونکي او رسونکي ليدلي وي چې په عادي کراچيو کې او بهه تر پلورنځيو، کورونو او کارڅایونو پوري رسوي.

۲. د لبنياتو خدمات : تاسې به د شيدو ، مستو ، پنیرو او نورو لبني موادو پلورونکي ليدلي وي چې یوازې یوه وړه غرفه پې د بناريه یوه خنډه کې ودرولي وي او خپل کار وبار به کوي پدي ډول مور بیخني کمې سرمائي او عادي یوې کراچي او وړو کې

یوه هېواد لپاره ضرور ده چې واړه کاروبارونه پې ايجاد، تقويه او بالاخره په سترو تولیدي او خدماتي کمپنيو بدلي شي. تاسې به ليدلي وي چې د ماشومانو د لوړو پلاستيكي سامان آلات ، د ماشومانو لپاره پاپېر ، چپس او چنړه چوړ غوندي عادي توکي هم مور نه لرو نو ددي اړيتا له مخې بايد چې دولت او عام خلک کوچنيو کاروباري فرصتونه ولټوي هم به اوزګار خلک په کار شوي وي او هم به مو تولیدات خپل وي .

د تجارتی نړۍ او سنی فکر دادی چې ، واړه کاروبارونه همداسي په اړه نه پاتې کيږي د سترو کمپنيو لوړمنې پل له همداسي وړو او له کمې سرمائيه ګذاري خخه اخیستل شوی دې. د نړۍ سترې کمپني یو وخت کې همداسي کوچنيو سرمائي، کارمندانو او کم خای خخه راپيل شوي دي چې اوس د نړۍ په هر ګوډ کې خپل تولیدات او خدماته خلکو ته رسوي، حکه خو ورته د ايجاد لپاره اسانه قواعدو ، خام مواد، خای او په کم سود قرضه ورکوي او کوچني کاروبارونو تقويه کوي.

“





خوشحاليو په ورخو کې د تازه گلانتو اړتیا ليدل کيږي همدارنګه د خوښيو په مراسمو، ډاليو او د مراسمو په ډيکوريشن کې هم په کار وپل کيږي. په ننګرهار کې د تازه گلانتو هېڅ پلورنځي نشته، دا کار ساده او بیخي کمې سرمایې ته ضرورت لري اما د گلانتو پاللونکي او ګل پیژندونکي باید دا کار وکړي.

۱۰. د کور، کارخای او محافلو ډيکوريشن زده کړه: مور اړتیا لرو چې د کور او کار خای بنه ډيکوريشن وکړو نو که یو خوک پدې برخه کې بنه وړتیا لري او یو خه اندازه وسایل ولري نو گولای شو چې لدې لاري خپله کورنی تمويل کړو او به سلګونه نور واړه او متوسط کاروبارونه شنه دی چې، زمور د ټولنې اړتیا ته په کتو پې را پیلوی شو خو دا هر خه جرأت، حوصله او تر تولو مهمه خبره داده چې د دولت له لوري ملاتې لپاره باید دې برخې لپاره ځانګړې بوديجه، خای او حتا پې سوده قرضي زمينه برابره کړي.

اسانه او ارزانه طریقه ده.

۷. مشورتی خدمات: مشورتی خدمات هم کولای شو په اسانی او کمو امکاناتو سره پیل کړو د کمپنیو لپاره د ستراتېژيو، پالیسيو او طrho په برخه کې مشورتی او فکري خدمات ترسره کړو داهم بیخي کمو امکاناتو خو ډبرو ماغزو ته ضرورت لري، نوره نړۍ کې دې برخې کاروبارونو تله درنه او د ډېر عايد لرونکي کارو ويبار دی.

۸. رهنمای معاملات دفتر: په رهنمایی معاملاتو کې هم مور کولای شو د نورو خلکو له خمکو، کورنو، وسايلو، امکاناتو او سرمایې خخه استفاده وکړو او خپل بنس پرې مخته یوسو په دې کې د پارکينګ او کمیشن کاري لپاره زمينه برابریو چې لړ وینټیا او بازار پیژندلو ته اړتیا لري.

۹. تازه گلانتو پلورل: د تازه گلانتو خرڅلاو یو له هغو کاروبارونو خخه دی چې کمې سرمایې او وړو کې خای ته ضرورت لري. د

شاپ، چایخانه، برگر، سوب، چپس، چولې، سیخ کباب، شیریخ، ژاله، پیکوری، سمبوسې او داسې نور پکې شامل دي لکه د ننګرهار ولايت یو خو مثالونه (درمسال پیکورې، اميرشهيد بن چولې، بلند غر سیخان، د کامې شیریخ، د سراج العمارات بن چای، د عربانو ګولاې او سلطانزی پلازې سوب، او داسې نور.

۶. د پاپو، چپسو، خورو، ژاولو، ګلشالي، خټونکو، او چنه چور تولیدي یاهم خدماتي کار ويبار: کله مو چې هم ماشومان په ژړا شي مور ټول یې د غلي کولو ګوشش ګوو ټول کور پدې هڅه کې وي چې خنګه د ماشوم د پخالینې لپاره پورته یو خه ورکړي او پدې هم پوهېرو چې ماشوم په ډېر کمو شیانو هم غلى کيږي نو پورته ذکر شوي توکي د هر کور اړتیا ده کارو بار یې هم بیخي اسانه او کمې سرمایې او امکاناتو ته ضرورت لري. که یې تولید نه شو کولای نو یې په سترو او وړو پلورنځيو د وېش او خرڅلا خدمات خو یې بیخي



غذنفر بانک
GHAZANFAR BANK



مرابحه،
راه حلال برای
سرمایه گذاری و پیشرفت تجارت شما

+93 (0) 202 101 111
www.ghazanfarbank.com



نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی

بررسی روند توسعه اقتصادی در نقاط مختلف جهان در طول زمان حاکی از آن است که کشورهای توسعه یافته، با تکیه بر مزیت های نسبی توانسته‌اند از ظرفیت‌های داخلی اقتصادی و نیز فرصت‌های موجود در عرصه بین‌المللی به بهترین شکل استفاده کرده و مسیر رشد، توسعه، افزایش درآمد سرانه و بهبود سایر شاخص‌های توسعه یافته‌گی را به طور هم‌مان دنبال کنند. بررسی روند تاریخی توسعه اقتصادی کشورها نشان می‌دهد که عمدۀ کشورهای توسعه یافته دنیای امروز، کشاورزی را به عنوان بخش زیربنایی توسعه اقتصادی خود انتخاب کرده و با استفاده از ظرفیت‌های فراوان این بخش توانسته‌اند علاوه بر تامین نهادهای مناسب برای رشد سایر بخش‌های توسعه سایر بخش‌ها نیز دست یابند؛ بخش کشاورزی در روند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف نقش‌های متعددی بر عهده دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان تامین مواد خام و اولیه مورد نیاز صنایع بالادستی، تامین نهادهای مانند نیروی کار، مصرف تولیدات سایر بخش‌های صنعتی از قبیل کودها و سموم شیمیایی و ماشین‌آلات کشاورزی، ارزآوری برای کشور و تامین مالی سایر بخش‌های زیربنایی را یاد کرد.

علاوه بر نقش‌های ذکر شده، سلامت و امنیت غذایی یک کشور مستقیماً به تولیدات بخش کشاورزی وابسته است و هر گونه اختلالی در روند تولید این بخش می‌تواند به طور مستقیم امنیت غذایی و حتی سیاسی آن کشور را تهدید کند؛ حساسیت‌های اخیر کشورهای توسعه یافته در مورد مصرف محصولات کشاورزی و مواد غذایی سالم و ارگانیک حاکی از توجه زیاد سیاستگذاران و مصرف‌کنندگان در این کشورها به بحث تولیدات سالم در بخش کشاورزی است. از این رو توجه به تولید سالم و اقتصادی در بخش کشاورزی و توسعه زیرساخت‌های این بخش جهت تولید بیشتر و سالم‌تر، بر اساس مزیت‌های نسبی یک کشور موضوعی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و باید با یک برنامه‌ریزی اصولی و هماهنگ به سمت آن حرکت کرد.



اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور تا آنچاست که اگر بخشی اندکی از بولهایی را که سالانه صرف وارد کردن آرد و برنج به کشور می‌گردد، برای حمایت از بخش کشاورزی، مهار کردن آب‌های کشور، اصلاح بذرها و در کل تحقیقات در بخش کشاورزی و صنایع وابسته هزینه می‌شد، می‌توانست کشاورزی کشور را دگرگون کند و علاوه بر ایجاد اشتغالی پایدار و مولده، از ظرفیت‌های خدادادی کشور به نحو بهتری استفاده شود؛ برای مقایسه بد نیست به این موضوع اشاره شود که در کشوری مانند آمریکا حدود ۲۵ درصد از ارزش صادرات مربوط به محصولات بخش کشاورزی است و در عین حال بودجه تحقیقات بخش کشاورزی در این کشور رقمی بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دالر برآورد می‌شود.

به گفته کارشناسان بخش کشاورزی، علاوه بر کمبود آب و نبود امکانات کشاورزی، مشکلات پس از تولید از جمله مسائل مربوط به بازار و بازاریابی از مهم‌ترین عوامل موجود بر سر راه رشد و توسعه بخش کشاورزی است که اگر این مسائل حل شود، مشکلات مربوط به تولید و سایر مسائل نیز حل خواهد شد. عدم توجه به مسائل بازاریابی بین‌المللی برای صادرات محصولات، کمبود کارشناسان قوی در حوزه بازاریابی بین‌الملل محصولات کشاورزی، کمبود تحقیقات کاربردی در حوزه صادرات و بازاریابی محصولات کشاورزی از مهم‌ترین مشکلاتی هستند که توسعه صادرات بخش کشاورزی را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده و توسعه این بخش را به تأخیر انداخته است.

منبع: دنیای اقتصاد



از این رو بخش کشاورزی می‌تواند در فرایند توسعه اقتصادی کشور نیز نقش سازنده داشته باشد؛ موقعیت ممتاز جغرافیایی و تنوع آب و هوای کشور برای کاشت محصولات مختلف بخش کشاورزی، وجود نیروی کار مناسب در ولایات و وجود نیروی تحصیل کرده جوان در رشته‌های مرتبط با کشاورزی، وجود مزیت‌های نسبی خدادادی در زمینه محصولات با ارزشی از قبیل زعفران، هنگ و دیگر گیاهان دارویی، میوه جات و غله جات محصولات صنایع غذایی و صنایع دستی مرتبط با بخش کشاورزی و نظایر آن از جمله مزیت‌های موجود بخش کشاورزی کشور است و مشکلاتی نظری کمبود آب، نبود امکانات کشاورزی و تولیدات غیرارگانیک از جمله مشکلات و محدودیت‌های این بخش به شمار می‌آیند.





ضرورت خلاقیت در موفقیت کسبوکار

مترجم: ناصر مرادی

ایده‌های خلاقانه ارائه کنند. محیط کاری نوآوری محور باید با دقت زیاد ترغیب و تعزیه شود و این موضوع از رهبران شرکت شروع می‌شود. مدیران باید فضای امن و عاری از قضاوت ایجاد کنند، جایی که رویکردهای جدید محترم شمرده شود و شکست، گاه مستحق مجازات دانسته نشود. باید از نظرات سایر بخش‌های دیگر هم استقبال شود و نظرات آنها جدی تلقی شود. بعضی اوقات، یکی از بهترین روش‌ها برای شکوفاکردن ایده‌های خلاق، مشورت با اشخاصی خارج از پروژه یا تیم است.

اغلب اوقات بهترین ایده‌ها از اشخاصی به دست می‌آیند که مستقیماً و مداوم با آن پروژه یا مشتری خاص کار نمی‌کنند. لذا اگر زمان بگذارید و از افرادی که مستقیماً در پروژه شما کار نمی‌کنند نظر بخواهید، دستاوردهای بسیاری کسب خواهید کرد.» جلسات توفان فکری منظم بین افراد مختلفی از گروه‌های مختلف می‌تواند

مختلف شرکت و همین‌طور استراتژی‌های داخلی آن شود. تفکر خلاق نه تنها باعث موفقیت در فروش و ایجاد کمپین‌های بازاریابی منتج به افزایش علاقه مصرف‌کننده نهایی به برنده شود، بلکه کمک می‌کند فرهنگ اداری منحصر به‌فرد ایجاد شود که خود باعث ایجاد انگیزه و افزایش خلاقیت در هر کدام از تیم‌های داخلی مجموعه خواهد شد. اگر این اقبال را دارید، که خلاقیت را در محل کارتان پرورش بدهید، باید این کار از همه سوی نهاد انجام شود. وقتی برای رشد برنده و دستیابی به اهداف تعیین شده توسط نهاد تلاش می‌کنید، خلاق بودن هم در مورد رویکردن تان و هم در اجرای این برنامه‌ها به زیربنای اساسی کارتان تبدیل خواهد شد.

ایجاد فرهنگ تفکر خلاقانه

قطعانه نمی‌توانید به کارمندان تان بگویید «خلاق باشید» و بعد انتظار داشته باشید ناگهان

طبق تحقیقات مشاوران ادویی و فراستر ۸۲ درصد از شرکت‌ها بر این باورند که رابطه بسیار مهمی بین خلاقیت و نتایج کسبوکار وجود دارد. بر اساس این تحقیق، شرکت‌هایی که تعالانه تفکر خلاق را پرورش می‌دهند، در مسائل مختلفی همچون رشد درآمد، سهم بازار و رهبری رقابتی از رقبایشان جلوتر هستند. در این مقاله نقش خلاقیت در عملکرد شرکت‌ها و بهترین روش ایجاد محیط‌های کاری خلاق توسط رهبران کسبوکارها مورد بررسی قرار گرفته است.

خلاقیت بین بخش‌ها

خلاقیت در بخش‌هایی مثل بازاریابی و طراحی ضروری است، اما چاشنی تفکر متفاوت در هر کسبوکاری می‌تواند تاثیر زیاد و طولانی ایجاد کند. خلاقیت اغلب یک مزیت کلیدی است که می‌تواند باعث موفقیت در بخش‌های

بیشتر شرکت‌کنندگان در این تحقیق نشان دادند که از فرصت‌های مختلفی که ممکن است مسیر حرکت شان را تغییر دهد، استقبال می‌کنند و بعد، اگر با مانع یا مشکلی مواجه شدن، به سرعت رویکرد و روش شان را انطباق می‌دهند.

در نهایت، هر روشی که برای تقویت خلاقیت استفاده می‌کنید، باید شرکت تان را ترغیب کنید، بزرگ فکر کنند. اگر یک جلسه توفان فکری در مورد کمپین بازاریابی بعدی یا برنامه‌ریزی برای یک رویداد داخلی برای ترغیب رفتارهای اخلاقی دارید، همیشه بهترین حالت این است که برای دستیابی به بالاترین‌ها برنامه‌ریزی کنید و اگر لازم شد، بعداً موقع تان را پایین بیاورید. مشخص کردن جزئیات ریز از یک برنامه بزرگ اغلب بهتر از دانستن کلیات یک برنامه کوچک است. وقتی شروع به ساختن از کوچک می‌کنید و در نهایت چیز بزرگی درست می‌کنید، مرزهای خلاقیتی را که ممکن است امکان‌پذیر باشد، محدود می‌کنید. بنابراین بزرگ فکر کنید و بعد بخش‌هایی را اجرا کنید که بیشترین تاثیر را به ارمغان خواهد آورد.

منبع: دارایان

معادل تمایل به کار تنها یعنی نیست، گرچه ۳۰ درصد از همین گروه گفته‌اند هنگامی که در همین فضاهای شخصی کار می‌کنند تعامل بیشتری با دیگران دارند. به کارکنان تان اجازه دهید زمانی را خارج از فضای کاری سپری کنند. کارمندان اگر بتوانند کارشان را در پارک نزدیک انجام دهند یا زمانی از پشت میزشان بلند شوند و قدمی بزنند، وقتی با طبیعت در ارتباطند، خلاق تر هستند. ۶۴ درصد شرکت‌کنندگان در این تحقیق گفته‌اند سپری کردن زمان خارج از محیط کار اهمیت بسزایی در خلاقیتشان دارد. قواعد کار را مشخص کنید. استفاده از عبارت کلیشه‌ای «تفکر خارج از چارچوب» همیشه منجر به بهترین نتایج نمی‌شود. بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان در این تحقیق گفته‌اند هنگامی که مجبور بودند در چارچوب قواعد موجود کار کنند خلاقیت بیشتری داشته‌اند. اجازه انعطاف به کارکنان و برنامه‌ها بدهید. ممکن است فکر کنید که یک برنامه منسجم تنها راه دستیابی به اهداف کارتان است، اما اغلب افراد خلاق بدون توانی راهبردی مشخص پروژه را آغاز می‌کنند.

به مرور این حس را به همه القا کند که فکر کردن و دادن ایده‌هایی خارج از عرف معمول کاری قابل تقدیر است.

شرکت «بلوجینز» جلسات توفان فکری را از طریق تکنولوژی ویدئویی برگزار می‌کند تا محیط خلاق را تقویت کند. «این کار به کسب و کارها این امکان را می‌دهد که افرادی از مکان‌های مختلف و با تجارب و تخصص‌های متنوع را از سراسر کشور با یکدیگر مرتبط شوند و دیدگاه‌های منحصر به فردشان را برای حل مشکلات مطرح کنند. این کار نهایتاً به تقویت خلاقیت می‌انجامد و هرچه دانش و باورهای افراد متنوع‌تر باشد، راهکارها و ایده‌های خلاقانه تری هم بروز می‌کنند.»

درک نیازهای تیم تان برای خلاقیت

آخرین قدم برای ایجاد فرهنگ خلاقیت در تیم این است که باید زمانی اختصاص دهید تا بهره‌مند افراد تیم تان چه نیازهایی دارند تا خلاق باشند. همان‌طور که هر کارمندی شخصیت و روش کار منحصر به خودش را دارد، روش‌ها و ابزارهای تشویق و ترغیب هر فرد هم متفاوت از دیگران است. تحقیقی به نام خلاقیت که به وسیله گروههای تحقیقاتی ریدبال در حال انجام است، داده‌هایی را درباره عوامل ایجاد تفکر خلاق و موفقیت در محیط کاری منتشر کرده است. بر اساس این تحقیق، مواردی که در زیر آورده شده، مواردی هستند که نهاد شما می‌تواند انجام دهد تا روحیه خلاقیت را در بین کارکنان مختلف تقویت کند:

برای کارکنان فضای کاری شخصی ایجاد کنید. برخلاف جریان رایج اخیر که پیشنهاد می‌کنند محیطهای کاری محیطی باز و گسترده در یک طبقه باشند، ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان در این تحقیق گفته‌اند وقتی در محیط‌های شخصی کار می‌کنند خلاقیت بیشتری دارند. این الزاماً





انتقال و دریافت پول

International Inward & Outward



+93 (0) 202 101 111
www.ghazanfarbank.com

AD

توسعه چیست و شاخص‌های توسعه کدامند؟

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی-اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز شد. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه شد کشور چاپان بود. بعد از رنسانس که انقلابی فکری در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفاً و متجلی گردید، اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند رو به رشدی را تجربه نکرده و بعضاً سیری نزولی طی نمودند. البته بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردنی در این کشورها صورت گرفت، اما از آنجا که با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی را نداشت، مورد حمایت واقع نشد.

انجام خواهد شد. به علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند.

توسعه امری فraigیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) و هیچ محدودیتی ندارد.

اهداف توسعه اقتصادی

افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر) و ایجاد اشتغال اهداف توسعه اقتصادی است که هر دو در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌نیافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (به خاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر کرد.

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از: افزایش به کارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارآبی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید) و به کارگیری ظرفیت های احتمالی خالی در اقتصاد.

«توسعه اقتصادی» عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهاده‌ای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی

مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح شد. فشار صنعتی‌شدن و رشد فناوری در این کشورها توان با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمان کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه‌یافته) و کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته).

توسعه اقتصادی چیست؟

باید بین دو مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» تمایز قائل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالی که توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. «رشد اقتصادی» به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه (سالی) که حقوق کارمندان و کارگران و امتیازات آنها تعیین می‌شود و سال پایه هر چند سال بعد در حال تغییر است) در

توسعه چیست و شاخص‌های توسعه کدامند؟

شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد کردند. این شاخص‌ها بر اساس چند شاخص اصلی و همچنین چند زیرشاخص تعریف می‌شدند.

۵. شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معروف شد که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدرو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوسایی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مکتب رفتن افراد است)

ع حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی: هر چه حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر باشد، جامعه توسعه یافته‌تر است. در جوامع توسعه نیافته، زنان اکثراً در خارج از خانه شاغل نیستند و به این ترتیب نیروی انسانی در این کشورها به نصف کاهش یافته است.

۷. استقلال ملی: به این مفهوم که سایر دولت‌ها به میزان زیادی نتوانند بر تصمیمات دولت ملی نفوذ و تاثیر بسزا داشته باشند.

منبع: دنیای اقتصاد

در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود.

۲. شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌شود و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌شود. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاهای ضرب شده و پس از انجام تعديلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد.

۳. شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI): کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به «توسعه پایدار» به جای «توسعه اقتصادی»، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌شود نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه به دست می‌آید.

۴. شاخص‌های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک

البته اهداف توسعه بسیارند. همچنان که در گردهمایی رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل متحده تحت عنوان نشست هزاره، اهدافی برای توسعه کشورها مشخص گردید. در این نشست بیانیه‌ای تصویب شد که بر مبنای آن کشورها باید به پیشنهاد و اجرای برنامه‌هایی بپردازند که حرکت کشورهای در حال توسعه را در مسیر توسعه‌یافتنگی تسريع بخشد و اهداف توسعه هزاره را محقق سازد.

این هدف‌ها عبارت بودند از: ریشه کن کردن فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش میزان مرگ و میر کودکان، بهبود تدرستی مادران، مبارزه با ایدز، مalaria و دیگر بیماری‌ها، تضمین پایداری زیست محیطی و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه.

شاخص‌های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتنگی می‌توان این موارد را برشمرد:

۱. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه به دست می‌آید. این شاخص ساده



تفاوت میان رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی چیست؟

نوشته دکتر شهنام طاهری



حالت خود فقط برای مقاصد عملی می تواند قابل قبول باشد... با این وجود تفاوت علمی بین رشد و توسعه وجود دارد، زیرا توسعه همیشه و درهمه جا دربرگیرنده یک ارتباط متقابل و دیالکتیک میان تغییرات کمی و کیفی، انقلاب و تکامل است. حتی اگر یک رشد صرفاً کمی و مقداری درجای خاصی درزمان معینی درچارچوب ساختار یا سیستم موجود انجام شود نه فقط نتیجه تغییرات کیفی قبلی است بلکه بدون تردید راه جدیدی را برای توسعه باز می کند.

شناخت این مسئله که رشد اقتصادی به خودی خود و به تنهائی و به طور خودکار بدون بهبود در شرایط کیفی زندگی افراد جامعه منجر به تحقق اهداف معین و وسیعتر توسعه نمی شود، قدم مهمی در تکامل علم توسعه اقتصادی در دوره پس از جنگ جهانی دوم بوده است. با این وجود تعاریف مجرد و آرمان گرایانه از توسعه که در ادبیات توسعه اقتصادی عمومیت پیدا کرده است مشکلات نظری را به وجود آورده است که ضرورت دارد مفهوم توسعه را مجددا بررسی کرد. چهار نکته زیرا می توان با توجه به این تعاریف ذکر کرد:

تفاوت میان رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی چیست؟ یکی از نتایج مهم در تلاش برای تعریف توسعه این است که فرآیند توسعه متراffد با رشد اقتصادی نیست. ممکن است در کشوری تولید ناخالص ملی سرانه افزایش پیدا کرده باشد با این وجود نابرابری درآمدها بیشتر شده باشد، فقر افقیرتر شده باشند و سایر اهداف توسعه بدتر شده باشند. چنین حالتی می تواند به عنوان رشد اقتصادی با توسعه منفی نامیده شود که در آن با وجود این که درآمد سرانه افزایش یافته است وضع اقتصادی توده مردم بدتر شده باشد و هیچ پیشرفتی در تغییر عادات و رفتار افراد و نهادها متناسب با آرمانهای مدرن گرایی به وجود نیامده باشد اما در کوتاه مدت (نه در بلند مدت) رشد اقتصادی منفی داشته باشد. مثلاً در جامعه ای که در حال تجدید ساختار درنهادهای اجتماعی و نهادهای سیاسی و روابط تولید (مثلاً اجرای اصلاحات ارضی) باشد که شرایط را برای توسعه جامعه در آینده فراهم می سازد اما در کوتاه مدت به علت ازین رفتن نظام قبلی تولید و توزیع، هزینه آن توسعه کاهش محصول ناخالص ملی باشد.

«استریتن» یکی از کارشناسان امور اقتصادی چنین بحث کرده است: می توان بدون توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی داشت همچنین می توان توسعه بدون رشد اقتصادی داشت. اما همه با استریتن از این نظر موافق نیستند. به طور مثال، «ستتیس» کارشناس دیگر اقتصادی به طور هوشمندانه ای چنین استدلال می کند: هر تفاوتی میان تئوریهای رشد و توسعه در بهترین

”

ریشه در ساختار اقتصادی اجتماعی آن کشورها دارد که با توسعه، حل نشده اند و آنها تیجه الگوهای خاصی از توسعه هم در درون اقتصاد آن کشورها وهم در وسعت بیشتر در اقتصاد جهانی می باشد.

از نکات فوق دریابن مفهوم توسعه چه نتایجی می توان گرفت؟ مهمترین وعمده ترین نکته ای که می توان بر آن تاکید داشت، این است که توسعه جریانی همواره خطی (دارای یک جهت) وساده نیست بلکه به جای آن توسعه جریانی است نا متعادل، غیر مستمر و غیر سازگار. توسعه جریانی دیالکتیکی است که در آن هر تغییری در اقتصاد به همراه خود مشکلات و تعدیل های جدیدی را به وجود می آورد. توسعه فرآیندی غامض و متضاد است. فرآیندی است توام با بحرانها و دردها و مشکلات به مانند زایش وتولد یک نوزاد که در عین حال برای آینده، امیدهایی را محقق می سازد. توسعه چیزی نیست که حکومت ها از بالا بخواهند بلکه چیزی است که در درون جامعه باید بجوشند و نمو کند. تا آنجا که ممکن است هدف های توسعه را باید تعریف و معین ساخت و معلوم کرد که آن هدفها در چارچوب کدامین ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل تحقق و دسترسی می باشند.

منبع: ویستا

توسعه هم در اقتصاد نئوکلاسیک وهم در اندیشه ساختارگرایان و مکتب وابستگی وجودداشتne که معمولاً توضیح (تاریخی - تحلیلی) علل توسعه را با سیاست های توسعه مخلوط کرده اند. ما از اقتصاد دانان توسعه بیشتر شنیده ایم ((چه باید باشد)) اما درباره چگونگی وسیاست هایی که باید اتخاذ شوند کمتر شنیده و خوانده ایم. لذا باید از درهم آمیختن آرزو و تمایل برای جهان بهتر با درک کاملتر از واقعیت اجتناب کرد.

رابعاً، اقتصاد توسعه غالباً به نظر می رسد که براین فرض استوار می باشند که مشکلات ساختاری در اقتصاد جهان توسعه یافته (سرمایه داری) تا حدودی حل شده است و مشکل این قبیل کشورها فقط کسب رشد مستمر و خودکار در جامعه شان می باشد. به عبارت ساده تر کشورهای توسعه یافته امروزی بر مسائل و مشکلات توسعه غلبه پیدا کرده اند. البته این موضوع روش نیست درست باشد. زیرا هنوز بیکاری، نابرابری، محرومیت و انواع مختلفی از عدم تعادل ساختاری (درارتباط با تراز پرداخت ها، صنعتی شدن و شهرنشینی و نظایر آن) به وضوح در بسیاری از کشورهای توسعه یافته سرمایه داری وجود دارد. این مشکلات عده ای این وضعیت را به عنوان بحرانی در عالم اقتصاد توسعه مطرح ساخته اند.

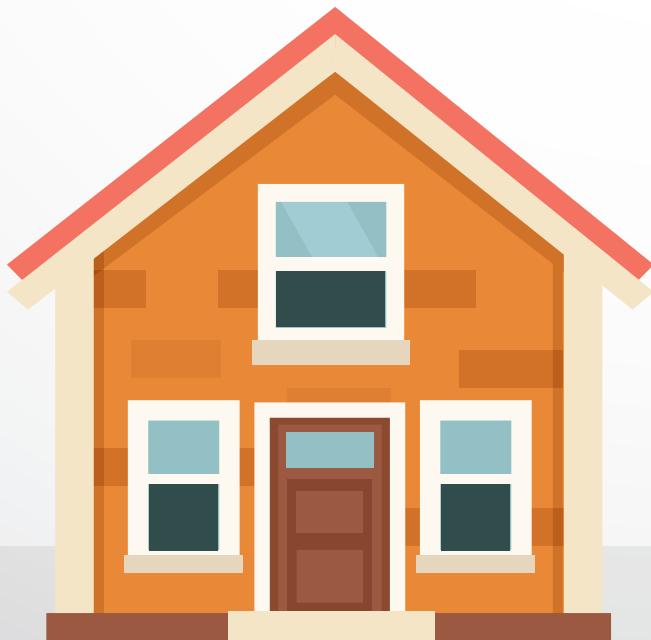
ثانياً، مفهوم آرمانی توسعه موجب بدینی درباره اقتصاد توسعه شده است. توسعه در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار متفاوت از آن چیزی بوده که اقتصاد دانان توسعه به آن امید داشته اند. عده ای این وضعیت را به عنوان بحرانی در عالم اقتصاد توسعه مطرح ساخته اند. مطرح می شود که چارچوب اجتماعی، سیاسی خاصی که موجب رسیدن به این اهداف می شود چه باید باشد؟ به عبارتی توسعه در خلاصه سیاسی رخ نمی دهد بلکه لازمه توسعه یک سازماندهی اجتماعی و سیاسی خاصی است که بتواند از نتایج نامطلوب رشد اقتصادی اجتناب کرده و جامعه را به سوی اهداف توسعه سوق دهد.

ثالثاً، یک گرایش مشخصی در اقتصاد





قرضه مسکن



بانکداری اسلامی

♦ مشارکه متناقصه

بانکداری عمومی

♦ قرضه میعادی



چگونه در خود انگیزه ایجاد کنیم

تواند منجر به معجزات بزرگی در زندگی وی گردد. در ادامه برخی از این معجزات را با هم مرور خواهیم نمود.

” خود انگیزشی

برای تعریف خود انگیزشی باید کمی به عقب برگردیم. اگر به دوران کودکی خود نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که از همان روزهای نخستین زندگی این انگیزه است که رشد فکری انسان‌ها با آن رقم می‌خورد. در کودکی هر وقت نیاز به انجام کاری داشتیم که خیلی به آن راغب نبودیم، والدین با وعده جایزه‌های دوست‌داشتنی احساسات ما را برای انجام آن‌ها ترغیب می‌کردند. این همان نیروی انگیزه است که از پچگی در وجود ما نهادینه می‌شود. کم‌کم با رشد فکری و مسئولیت‌پذیری‌های فردی دیگر برای داشتن نیروی انگیزه نیازی به اتکا به دیگران نخواهیم داشت و خود می‌توانید برای پیش برد اهداف و رسیدن به آنها در خود انگیزه کافی ایجاد نماییم.

انگیزه به چه چیزی گفته می‌شود؟

انگیزه در واقع یک نیروی درونی و یک ویژگی رفتاری است که می‌تواند مانند یک چاشنی قدرت بخش در زندگی انسان‌ها از آن استفاده نمود. تأثیر انرژی‌های درونی و احساسات در زندگی انسان کاملاً اثبات‌شده است. هر چند این نیروها قابل روئیت نیستند، اما بیشتر از هر چیز قابل روئیت دیگری در روند زندگی ما تأثیرگذار هستند. انگیزه نیز از جمله نیروهای درونی است که می‌تواند در سختی‌ها و در برخورد با موانع پیش رو مانند یک قدرت شگفت‌آور عمل نماید. هزاران ایده و ایدئولوژی در ذهن انسان‌ها وجود دارد که حتی قبل از اینکه به دنیا بیایند، در نطفه خفه می‌شوند. شاید اصلی‌ترین دلیل برای از بین رفتن بسیاری از ایده‌ها و یا به ثمر نرسیدن آنها نیروی انگیزه‌ای باشد که باید در صاحبان ایده‌ها وجود داشته باشد. کسانی که قدرت انگیزه را نادیده بگیرند، هیچ جایی در تاریخ بهترین‌ها کسب نخواهند کرد. درک قدرت این حس درونی انسان‌ها می

در دنیای امروز هیچ چیزی ساده و راحت به دست نمی‌آید. اما پیمودن مسیرهای پر پیچ و خم موققیت در عصر آهن نیاز به نیرویی خاص دارد که انگیزه می‌تواند این نیرو را برای ما فراهم نماید. انگیزه و بالاتر از آن خود انگیزشی مؤثرتر و قوی‌تر از هر دارویی می‌تواند مانند یک مربی، ما را در سختی‌ها همراهی کنند. اما چگونه می‌توان از این نیرو استفاده کرد؟ برای آشنایی با تکنیک‌های خود انگیزشی با ما در این مقاله همراه باشید.

چه عواملی سبب از بین رفتن انگیزه فرد می‌شود؟

همان‌طور که خود انگیزشی و تقویت این حس درونی می‌تواند اکتسابی باشد، از بین رفتن انگیزه نیز امری شایع در بسیاری از افراد می‌باشد. عوامل زیادی می‌تواند باعث ایجاد چنین رفتاری در افراد باشد که بیشتر آن‌ها به احساسات و وضعیت روانی افراد بازمی‌گردد. البته کسانی که بهخوبی قدرت خود انگیزشی را در وجود خود تقویت کرده باشند، می‌توانند در برخورد با شرایط سخت خود را آماده نگهداشند. اما این امکان برای هر کسی قابل تصور نیست. برخورد با برخی از سختی‌های زندگی باعث از بین رفتن انگیزه حتی در برخی از افرادی می‌شود که انگیزه زیادی نیز داشته‌اند. البته طرز رفتار افراد از مهم‌ترین دلایل از بین رفتن انگیزه در وجود آن‌ها است. برخی از عوامل ایجاد این حس درونی منفی می‌تواند موارد زیر باشد.

۱. عدم داشتن برنامه‌هایی درست

در بند اول مقاله اشاره کردیم که انگیزه مانند یک چاشنی است که برای رساندن شما به هدف نیاز به برخی نیروهای کمکی مانند مهارت، ابزار

بهراحتی در برخورد با موانع مختلف می‌توانند احساسات خود انگیزشی خود را تقویت نموده و روحیه خود را در هر شرایطی حفظ کنند. داشتن روحیه بالا و قدرت تمرکز در شرایط سخت از جمله ویژگی‌های اخلاقی اصلی این افراد می‌باشد. شاید عجیب به نظر برسد اما انگیزه همیشه نیروی بسیار قوی‌تری از استعداد بوده است. در تاریخ این انگیزه‌های قوی بوده‌اند که دست به خلق شگفتی‌ها زده‌اند.

در میان افراد بالانگیزه بالا، خیلی‌ها هم وجود دارند که کاملاً بانگیزه هستند. ایجاد خود انگیزشی برای این افراد بسیار سخت و تقریباً بدون استفاده از تکنیک‌های تقویت این نیرو غیرممکن است. دلایل زیادی وجود دارد که می‌تواند باعث کمبود انگیزه در چنین افرادی باشد.

درجه اول چنین خلقياتی را باید در دوران کودکی و شرایط تربیتی آن‌ها جستجو نمود. اگر نیروی انگیزه از همان دوران کودکی و ابتدایی در وجود بچه‌ها نهادینه نشده باشد، خود انگیزشی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها نیز در آینده کاهش خواهد یافت. البته شرایط دیگری مانند وضعیت اجتماعی خانواده، وضعیت اقتصادی، اطرافیان و برخی عوامل دیگر نیز از دلایلی هستند که می‌تواند باعث بی‌انگیزگی در این افراد باشد.

این تعریف عامیانه و ساده از خود انگیزشی است. انسان‌ها برای آشنایی با خود انگیزشی و پیامدهای آن نیازی به آموزش ندارند. به‌خودی خود این تعریف در وجود هر یک از ما نهادینه شده است. البته آشنایی با تکنیک‌های تقویت این‌گیزه و بالا بردن توان خود انگیزشی این احساس درونی را به نیروی اکتسابی تبدیل می‌نماید. رسیدن به اوج انگیزه نیاز به برخی تکنیک‌های روانشناسی دارد که امتحان کردن آن‌ها می‌تواند این نیروی عظیم را در وجود شما به قلیان برساند. البته افراد با احساسات درونی مختلف در ایجاد خود انگیزشی درون خود متفاوت عمل می‌نمایند. با این حال روش‌های تقویت خود انگیزشی برای هر کسی تأثیرات خاص خود را به همراه خواهد داشت.

چرا برخی افراد انگیزه بالایی دارند و برخی دیگر کاملاً بانگیزه‌اند؟

حتمًاً شما هم شنیده‌اید که برخی مواقع برای تعریف برخی از افراد از واژه‌هایی مانند کوه انگیزه استفاده می‌نمایند. برخی از افراد به دلیل شرایط تربیتی که در دوران کودکی داشته‌اند، از انگیزه بالایی برخوردار هستند. این چنین افرادی



و برنامه‌ریزی دقیق دارد. نداشتن برنامه می‌تواند این نیرو را در مسیر نادرستی به هدر داده و به تدریج باعث از بین رفتن آن شود.

۲. هدف‌گذاری‌های ناصحیح و دلسرد شدن

دلسرد شدن نقطه مقابل خود انگیزشی است. ایجاد هدف‌های دور از دسترس در مسیر کار و زندگی می‌تواند باعث شکست‌های پیاپی شده و این دلسرد شدن‌های پی در پی نیروی انگیزه افراد را به مرور از بین خواهد برد.

آلبرت انیشتین گفته است: «موفقیت‌هایی که نصیب افراد صبور می‌شود، همان‌هایی است که توسط افراد عجول رها شده است.»

۳. وسوس زیاد به جهات منفی

برخی از افراد نیز در کنار داشتن ابزار لازم برای رسیدن به هدف، دچار وسوس می‌شوند. چنین افادی بیشتر نیمه خالی گیلاس را می‌بینند و نمی‌توانند روی قسمت مثبت آن تمرکز داشته باشند. وسوس زیاد نیز به مرور باعث از بین رفتن انگیزه در افراد خواهد شد.

ارل نایتینگل می‌گوید: «هر چه در ناخودآگاه خود بکاریم و با تکرار آن تغذیه کنیم، روزی تبدیل به واقعیت ما خواهد شد.»

۴. نشست و برخاست با افراد بی انگیزه

نشست و برخاست با افراد بالانگیزه و موفق از شما فردی بالانگیزه خواهد ساخت و در کنار افراد بی انگیزه قرار گرفتن به مرور باعث از بین رفتن نیروی خود انگیزشی در وجود شما خواهد شد. چنین افراد با تلقین نیروهای منفی انگیزه افراد بالانگیزه را نیز به ورطه نابودی می‌کشانند. فراموش نکنید که یک قطره نایاکی می‌تواند یک منبع بزرگی از آب پاک را آلوده کند.

به قول برایان تریسی: «این موقعیت‌ها نیستند که انسان را می‌سازند، بلکه این انسان‌ها هستند که موقعیت‌ها و موفقیت‌ها را خلق می‌کنند.»

۵. شرایط نامناسب اجتماعی و مشکلات اقتصادی

هر چند در یک دیدگاه کلی مشکلاتی از این قبیل همگی بهانه‌تراسی‌هایی هستند که افراد از آن‌ها برای توجیه شکست‌ها و ناکامی‌های خود بهره می‌برند، اما با این حال این شرایط می‌تواند منجر به از بین رفتن انگیزه در انسان‌ها باشد. شرایط نامناسب اجتماعی و وضعیت معیشتی ضعیف بسیاری از فرستادها را از انسان‌ها سلب می‌نماید. افرادی هم که از نظر انگیزه در سطح بالایی قرار ندارند در برخورد با چنین وضعیتی دچار ضعف در احساسات درونی خود شده و سریعاً شروع به بهانه‌تراسی و انداختن دلیل شکست خود روی گردن این شرایط می‌نمایند.

هر چند در برخی مواقع این بهانه‌ها خیلی هم بیراه نیستند، اما نباید فراموش کنیم که بزرگ

ترین و موفق‌ترین افراد جهان در همه عرصه‌ها چه علمی، چه ورزشی و چه اقتصادی از بدترین شرایط شروع کرده‌اند و به بالاترین درجات رسیده‌اند.

سریع‌ترین دونده جهان یوسین بولت می‌گوید: «رویاهای خود را باور داشته باش، همه‌چیز امکان‌پذیر است.»

دلایل دیگری نیز برای بی‌انگیزگی و از بین رفتن نیروی خود انگیزشی در افراد وجود دارد که بسیاری از آن‌ها عمومی نبوده و به شرایط ویژه هر فرد بستگی دارند. اما مهم‌ترین آنها چند موردی بودند که با هم مرور کردیم.

”

چه عواملی سبب بالا رفتن انگیزه فرد می‌شوند؟

عوامل زیادی هم وجود دارند که می‌توانند باعث بالاتر رفتن انگیزه در افراد باشند. البته برخی از آن‌ها ناشی از پرورش برخی از نیروهای درونی و انجام برخی از کارهای ساده خواهند بود



رابرت کلیپردر این مورد گفته است: «موفقیت حاصل تنش‌های کوچکی است که هر روز به صورت مداوم انجام می‌ذیرد.»

۴. دور ماندن از انرژی‌های منفی

در صد بالایی از بیمارانی که جان خود را از دست می‌دهند، شرایط بدنی مناسب برای شکست این بیماری‌ها را دارند. اما این افراد به دلیل استرس زیاد و درگیر شدن با خبرها و انرژی‌های منفی روحیه‌ای برای این مبارزه در خود باقی نمی‌گذارند. درگیر شدن بی‌دریبی با افکار و اخبار منفی می‌تواند نیروی خود انگیزشی را در وجود هر کسی به هلاکت برساند. فضای مجازی در حال حاضر در عین داشتن مزیت‌های بسیار زیاد می‌تواند عاملی هم برای این امر باشد. از این رو برای انگیزه بالا باید خود را از این اخبار دور نگه داریم.



است. این‌ها جملات منفی‌ای هستند که می‌توانند قاتل بزرگی برای انگیزه باشند. تقویت نیروی اعتماد به نفس خود عامل بزرگی برای خود انگیزشی در افراد است.

هنری فورد گفته است: «چه فکر می‌کنید می‌توانید، چه فکر می‌کنید نمی‌توانید، در هر صورت حق با شما است.»

۳. ثابت‌قدم بودن و باور داشتن به نتیجه نهایی

ثابت قدم بودن و باور داشتن به نتیجه نهایی باعث می‌شود تا شکست‌های کوچک مانعی برای رسیدن به هدف اصلی نباشند. افرادی که به نتیجه نهایی شک دارند و آن را بسیار دور از دسترس خود می‌بینند، نمی‌توانند خود انگیزشی خود را در سطح مناسبی نگه‌دارند. این افراد بعد از اولین شکست هر چند کوچک تمام انگیزه خود را از دست خواهند داد. باید باور کنیم که شکست جزئی از هر مسیری برای انسان‌های موفق است.

که در بند بعد به آن‌ها اشاره خواهیم نمود. اما در این بخش قصد داریم به عواملی اشاره کنیم که بیشتر تکنیک‌های حسی و درونی هستند.



۱. بالاتر بردن تمرکز

قدرت تمرکز در بسیاری از شرایط سخت منجر به اتخاذ تصمیمات بسیار عالی برای هر فردی می‌شوند. بسیاری از افرادی که تمرکز کافی ندارند، در برخورد با سختی‌های زندگی به سرعت انگیزه خود را از دست می‌دهند. افزایش تمرکز در چنین موقعی می‌تواند باعث تقویت انگیزه و خود انگیزشی در افراد باشد.

به قول آبرت انسشتین: «جهانی که برای خودمان ساخته‌ایم، نتیجه تفکراتمان است. نمی‌توان دنیا را بدون تغییر تفکراتمان تغییر دهیم.»

۲. نیروی خارق العاده اعتماد به نفس

من استعداد کافی برای این کار را ندارم. هوش زیادی برای موفقیت در این رشته نیاز





زندگی آن‌ها می‌تواند نیروی انگیزه ما را نیز چندین برابر کند.

۴. نشینیده گرفتن انتقادهای بی مورد

واقعاً چه کسانی دست به انتقاد زده و ما را از رفتن در مسیر موفقیت بازمی‌دارند؟ آیا جز این است که افرادی که خود شکست خورده و یا حتی یکبار حاضر نشده‌اند این راهها را امتحان کنند، مانند یک چکش بزرگ انرژی منفی روی سر ما خراب می‌شوند. بهترین کار در برخورد با چنین افرادی ناشینیده گرفتن گوش‌های ما است.

۵. سبک زندگی خود را درست کنیم

کتاب خواندن، ورزش کردن، خوردن غذاهای سالم، خواب کافی، به موقع بیدار شدن، تماسای فیلم‌های مورد علاقه، تفریح و لذت بردن از لحظات زندگی همگی لازمه زندگی بشر می‌باشند. داشتن یک استایل مناسب می‌تواند باعث تقویت نیروی انگیزه در افراد شود. این چنین

برایان تریسی گفته است: «داشتن اهدافی روشن و از پیش تعیین شده برای رسیدن به موفقیت کاملاً ضروری است.»

۲. تشویق

تشویق شدن از همان دوران کودکی باعث ایجاد یک نیروی انگیزه بسیار قدرتمند در وجود ما بوده است. اکنون نیز نباید اثر این عامل تقویتی را نادیده بگیریم. تشویق مانند یک کپسول ویتامین است که می‌تواند نیروی ایمنی بدن ما را در برابر شکست‌های آینده تقویت نماید و خوبداری و خود انگیزشی را برای ما به ارمغان بیاورد.

۳. الگوبرداری از افراد موفق

نکته جالبی که در تاریخ بارها و بارها تکرار شده است، این است که درصد بالایی از افراد موفق و البته موفق‌ترین افراد جهان از کمترین امکانات برخوردار بوده و شکست‌های بزرگی نیز در زندگی خود داشته‌اند. الگوبرداری از رفتار و

چگونه می‌توانیم در خود انگیزه ایجاد کنیم؟

در این بخش قصد داریم تا برخی از تکنیک‌های مؤثر برای تقویت نیروی خود انگیزشی را با هم مرور کنیم. استفاده از این تکنیک‌های ساده قدرت عجیب انگیزه را در وجود شما به اوج خود خواهد رساند، هر چند در ظاهر آن‌ها ساده هستند، اما توصیه می‌کنیم به هیچ‌وجه آنها را دست کم نگیرید.

۱. هدف‌های خود را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم نمایید

داشتن اهداف بزرگ هیچ عیبی ندارد بلکه یک مزیت هم تلقی می‌گردد. اما رسیدن به اهداف بزرگ نیاز به زمان زیادی داشته و نیروی انگیزه بالایی نیز می‌طلبد. یک لغزش کوچک در چنین مواردی همه آرزوهای یک فرد را به باد داده و تمام داشته‌های وی را از بین خواهد برد. از این رو در یک تکنیک ساده روانشناسان توصیه می‌کنند تا اهداف خود را به پله‌های کوچک‌تر تقسیم نموده و پله به پله آن‌ها را طی کنید.

”

چگونه می توانیم در انجام کارهای روزمره انگیزه خود را حفظ کنیم؟

انجام کارهای تکراری و کسل کننده همیشه روحی اعصاب هستند. داشتن انگیزه کافی برای انجام چنین اموری همیشه یک چالش بزرگ بوده است. اما نگاه کردن به آینده می تواند راه حل عالی برای بالا بردن انگیزه در چنین شرایطی باشد. به جای آنکه یک قدمی خود را نگاه کنید، به آینده‌ای که بعد از انجام این کارها در انتظار شما خواهد بود، بیندیشید. این روش خود یکی از تکنیک‌های خود انگیزشی است.

اگر دچار بی انگیزگی شدیم چه کار کنیم؟
 در چنین موقعی بخوبی است کمی دور از استرس به استراحت پیردازید. ذهن خود را آرام کنید و برای تقویت نیروی انگیزه و خود انگیزشی تمرکز داشته باشید. دست و پا زدن در مرداب هیچ وقت به نتیجه نخواهد رسید. از این رو بهتر است در چنین موقعی آرامش خود را حفظ کرده و به دور از هیجانات زندگی برای یک شروع بهتر و قدرتمندتر انگیزه کافی جمع کنید. مایکل جردن می گوید: «می توانم شکست را پذیرم اما تلاش نکردن را هرگز.»

ترس چگونه انگیزه ما را از بین می برد؟

ترس در نقطه مقابل انگیزه قرار دارد. کسانی که خود انگیزشی را در وجود خود تقویت می نمایند، می دانند که ترس هم از جمله نیروهایی است که باید در این مسیر با آن روپروردشده و بر آن فائق آیند. ترس با تصور پیامدهای ناشی از شکست شما را از قدم برداشتند در مسیر موفقیت بازمی دارد. اگر به درستی با آن برخوردد نکنید، احتمالاً در همان بدو حرکت همه انگیزه خود را به باد خواهید داد.

“

برای نگاه به آینده امروز خود را با دیروز خود مقایسه کنید و سعی کنید از دیروز عملکرد بهتری داشته باشید. اگر هر روز تنها یک درصد بهتر شوید، در پایان سال شما موفقیت را در آغوش خواهید کشید. این رفتار می تواند در شرایط سخت هم انگیزه شما را در سطح مناسبی باقی نگه دارد.

۹. با ترس خود کنار بیایید

نترسیدن دور از احساسات انسانی است. رفتن در مسیری که تاکنون آن را امتحان نکرده باشید، با ترس همراه خواهد بود. برای داشتن نیروی انگیزه کافی و تقویت خود انگیزشی باید با ترس‌های خود روپروردشید. چرچیل گفته است: «موفقیت توانایی رفتن از شکستی به شکستن دیگر بدون از دست دادن شور و انگیزه است.»

۱۰. به خدا اعتماد کنید

خود انگیزشی یک نیروی درونی است. برای تقویت این نیرو می توانید آن را به منبع اصلی انرژی متصل کنید.

افرادی از قدرت بالایی برای خود انگیزشی برخوردار بوده و شکست دادن آنها به این راحتی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

۶. اطرافمان را از افراد موفق پر کنیم

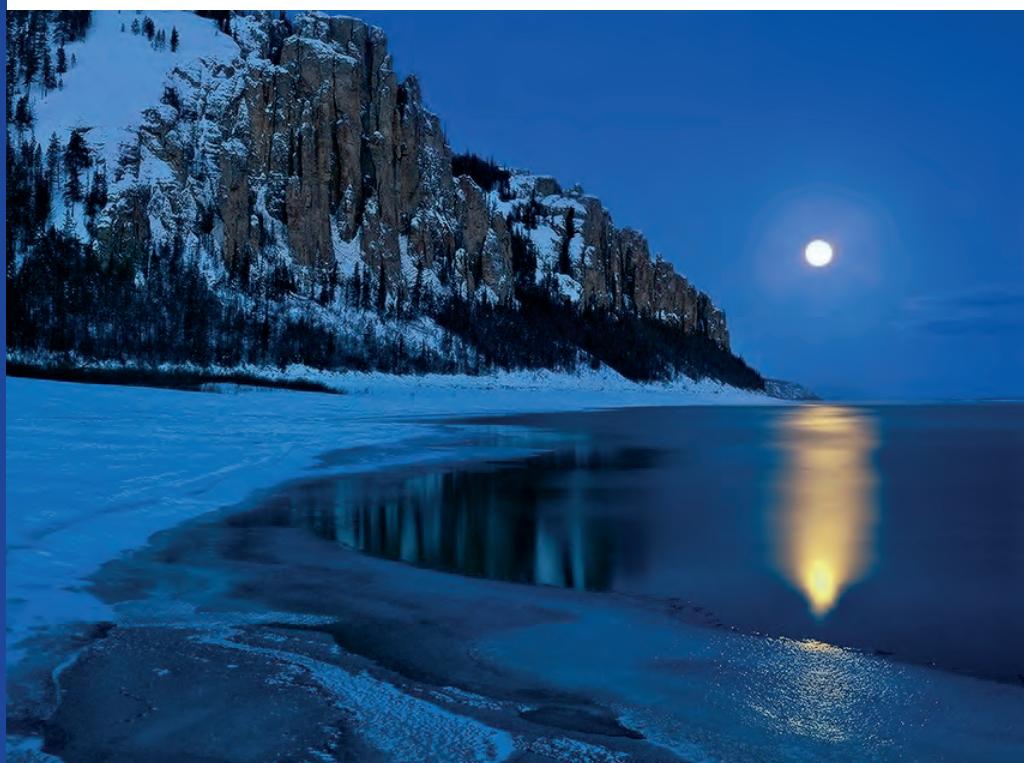
پیروی از یک مریبی و مشاور خوب و موفق در زندگی می تواند روحیات وی را درون ما نیز شکوفا نماید.

۷. مسیر خود را مستقیم کنید

بسیاری از افراد دوست دارند هزاران راه را برای رسیدن به موفقیت امتحان نمایند. آن‌ها در هیچ‌کدام از این راه‌ها تخصص لازم را به دست نیاورده و در آخر هم دست از همه آن‌ها خواهند برد. مانند یک قطره آبی که با داشتن یک مسیر یک سنگ بزرگ را می‌شکافد، روی یک هدف و یک مسیر تمرکز داشته باشید.

۸. از دیروز خود بهتر باشید

اگر روزی ۱ درصد رشد داشته باشید در یک سال رشد خود را به ۳۶۵ درصد خواهید رساند.



خود از طرف همه معلمان خود طرد شد. همه او را فردی احمق خطاب می‌کردند که هیچ استعدادی برای یادگیری ندارد. او برای رسیدن به اولین اختصار خود هزاران بار شکست خورد و سرانجام پیروز شد. ادیسون نمادی از کوهِ انگیزه در تاریخ بشر است.

۲. استیو جابر

بنیان‌گذار شرکت اپل یکبار از طرف هیئت مدیره این شرکت که خودش آن را تاسیس کرده بود، اخراج شد و تمام سهام خود را از دست داد. هیچ‌کس بهانه‌ای از استیو جابر انگیزه را معنی نکرده است.

۳. آلبرت انشتین

جالب است بدانید که تا ۴ سالگی او هنوز شروع به حرف زدن هم نکرده بود و تا ۷ سالگی هم حتی یک کلمه توانایی خواندن نداشت.

پنج کتاب برای خود انگیزشی

پنج کتاب زیر بهترین‌های موجود برای خودانگیزشی هستند. افراد زیادی از تجربیات ارزشمند نویسنده‌های این کتاب که خود افرادی موفق هستند، استفاده نموده‌اند.

۱. بیندیشید و ثروتمند شوید، نوشته ناپلئون هیل
۲. پدر بولدار پدر فقیر، نوشته رابت کیوساکی
۳. قورباغه ات را قورت بده، نوشته برایان تریسی
۴. حکایت دولت و فرزانگی، نوشته مارک فیشر
۵. قدرت عادت، چارلز دوهینگ

منبع: خانه سرمایه

موفقیت در یکی از این چالش‌ها برابر با صدها بار موفقیت در مسیرهایی با آرامش دائمی برای ما انگیزه و قدرت به ارمنان خواهد آورد. در کودکی برای رسیدن به یک پاداش بارها و بارها یک مسیر ثابت را طی کرده‌ایم. از همان دوران به یاد داریم که هر چه چالش‌های ما سخت‌تر و سخت‌تر باشند، جوابیز نیز بهتر و بزرگ‌تر خواهد بود.

سه نفر از کسانی که با کمک انگیزه بالایشان، کارهای بزرگی انجام داده‌اند. در این بخش مختصراً از زندگی افرادی را مرور خواهیم کرد که با خود انگیزشی به درجاتی رسیده‌اند که هیچ‌گاه از تاریخ بشر حذف نخواهند شد.

آنونی رابینز: «به یاد داشته باشید که هدف‌های بزرگ انگیزه‌های بزرگ هم ایجاد می‌کنند.»

۱. توماس ادیسون

این مختصر بزرگ در روزهای ابتدایی زندگی

اهمیت برنامه‌ریزی در ایجاد انگیزه برای انجام کارها

بدون برنامه‌ریزی بالاترین و قوی‌ترین انگیزه ها هم چیزی به شما اضافه نخواهد کرد. شما فقط یکبار فرصت زندگی دارید. زمان در این زندگی بسیار محدود است. تنها یک برنامه‌ریزی درست و دقیق است که می‌تواند شما را از این مهله‌که موفق بیرون بکشاند. بدون برنامه‌ریزی شما تنها مشغول به انجام کارهای پراکنده‌ای خواهید شد که هیچ راهی به هدف اصلی شما ندارند.

چنانچه برایان تریسی گفته است: «یادداشت اهدافتان روی کاغذ احتمال موفقیت را ۱۰۰۰ درصد افزایش می‌دهد.»

چرا چالش‌ها در ایجاد انگیزه برای ما ضروری هستند؟

حفظ انگیزه در یک مسیر ثابت و روزمره بسیار سخت‌تر از مسیری است که در آن با چالش‌های مختلف روبرو هستیم. یکبار





ولایت کابل

- نمايندگی مرکزی: ۶۴۸، چهار راهی شيرپور، سرک عمومی وزیر محمد اکبرخان - شهرکابل
- سرای شهزاده: سرای شهزاده، منزل سوم - شهرکابل
- شهر نو: شهرنو پلازا، مقابل ام تی ان پلازا، شهرنو - شهرکابل
- کارتہ نو: سرک ۲، مرکز تجاری منگل، منزل دوم، کارتہ نو - شهرکابل
- کوتہ سنگی: سرک سیلو، زم زم تاور - کوتہ سنگی - شهرکابل
- لیسہ میریم: مرکز تجاری هریرود، لیسہ میریم - شهرکابل
- پارک صنعتی: سرک عمومی کابل جلال آباد، سرک روشه، سرک دوم پارک صنعتی - شهرکابل
- کارتہ چهار: کارتہ چهار، چهارراهی پل سرخ، دبی مال منزل اول - شهرکابل
- تایمنی: پروژه تایمنی، بین سرک ۳ و ۴، رحیمی پلازا، منزل اول - شهرکابل
- جاده میوند: به زودی...

ولایت بلخ

- نمايندگی مزار شریف: جاده بیهقی، برج غضنفر - شهر مزار شریف
- کفایت مارکیت: کفایت مارکیت، منزل سوم، دوکان نمبر ۳۱۴۰ و ۳۱۴۳ - شهر مزار شریف
- حیرتان: بازار پترولیم، مقابل اپارتمان عباس ابراهیم زاده - حیرتان

ولایت قندھار

چوک کفتان مدد، احمدی پلازا، مقابل مارکیت صرافی - شهر قندھار

ولایت هرات

شهر نو، جاده بهزاد، حفیظی پلازا - شهر هرات

ولایت ننگرهار

چوک تلاشی، مقابل مسجد گمرک، سپین غر تاور، A بلاک - شهر جلال آباد

ولایت بغلان

بندر قشلاق، فیصل مارکیت، منزل دوم - شهر پلخمری

ولایت کندز

جاده شیرخان بندر، مارکیت حاجی امان، شهرکندز

ولایت تخار

چوک تخار، رسته مسجد جامع - شهر تالقان

ولایت فاریاب

سرک چهارباغ، چهار راهی میسره، دوست مارکیت منزل دوم - شهر میمنه

ولایت خوست

سرک نجار، مرکز تجاری محبوب جمال، منزل اول، شهر خوست

به زودی...

ولایت هلمند





أنواع و نحوه تشخيص احساسات

احساسات حالات درونی و همراه همیشگی وجود انسان هستند و شناخت آن‌ها به شما کمک می‌کند تا به یک نوع خودشناسی برسید. مواجهه با موقعیت‌ها و افراد مختلف، احساسات متفاوت را در شما ایجاد می‌کند. گاهی از دیدن یک دوست خوشحال می‌شوید و گاهی از دیدن یک سگ می‌ترسید. هر کدام از احساسات تاثیری بر مغز می‌گذارد و ساختار شیمیایی مغز را بر اساس نیاز بدن در آن موقعیت شکل می‌دهد. شناخت احساسات برای هر فرد تجربه‌ای منحصر به فرد می‌باشد و حتی شدت و میزان احساسات بر اساس ساختار ژنتیک و شخصیت هر فرد متفاوت است. در این مطلب، به بررسی احساسات و چند روش برای شناخت احساسات اصلی و ثانویه می‌پردازیم.

گرفت. پس زمانی که حس خود را نادیده می‌گیرید، سازگاری تان با محیط و اطرافیان لطمہ دیده و احتمالاً رفتارهای ناکارآمد بیشتری از شما سر می‌زند. شناخت عواطف و حس‌ها به شما می‌گوید که در واقع چه می‌خواهید و با دقت در آن‌ها به خودشناسی خواهید رسید.

چگونه می‌توانید به شناخت احساسات رسید؟

با آگاهی از انواع احساسات خود می‌توانید آن‌ها را درک و تجربه کنید؛ با تأمل و ابراز حس خود در نهایت می‌توانید به سمت ارتباطات سالم‌تر قدم بدارید. برای دست یابی به شناخت احساسات، لازم است تغییرات فیزیولوژیکی بدن در حین تجربه احساسات تان را بشناسید. افرادی که دارای سلامت روان هستند، هنگام بروز انواع احساسات آن‌ها را سرکوب نکرده و همانطور که هست آن را بروز می‌دهند. این رفتار همان معنای اصیل بودن است.



احساسات و انواع آن

بر اساس رویکردهای مختلف، احساسات به شکل‌های مختلفی دسته بندی شده‌اند. اما متخصصین بر هشت نوع احساس پایه اتفاق نظر دارند: عصبانیت، ترس، انججار، غم، تعجب و حیرت، شادی، شرم و احساس گناه.

این حس‌ها ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند. حالات چهره، تغییرات فیزیولوژیکی و رفتارهای مرتبط با هر کدام از انواع احساسات منحصر به خود آن حس است. سایر احساسات بیشتر با ذهن و شناخت همراه هستند و شاخص زیست شناختی خاصی ندارند.

چه زمانی بی احساس هستیم؟

وقتی شخص نمی‌داند که چه احساسی دارد، از خودش دور شده و صمیمیت را در روابط خود از دست می‌دهد. با گذشت زمان اطرافیان متوجه این بی خیالی و گاه تصنیعی بودن بازخوردها می‌شوند؛ در نتیجه به مرور از او فاصله خواهد



شناسایی خطاها شناختی و نگاهی به درون خود می‌توانید احساسات خود را نیز بشناسیید.

۵. احساسات می‌توانند اختلال ایجاد کنند

احساسات شما نیز می‌توانند مانند اعضای بدن باعث بروز یک اختلال شوند و یا بر عکس، یک اختلال احساسات تان را تحت تاثیر قرار دهد. برخی از اختلالاتی که احساسات را مختل می‌کنند عبارتند از:

- اختلالات اضطرابی که شامل نگرانی‌های طولانی مدت و بیش از حد در مورد وقایع روزمره است.

- طیف اسکیزوفرنی که با فقدان احساسات یا خلق تحریک پذیر و افسرده همراه هستند.

- شیدایی که در اختلال دو قطبی اتفاق می‌افتد، شامل دوره‌های طولانی مدت خلق و خوی غیر طبیعی و بیش از حد بالا است.

- افسردگی که شامل احساسات طولانی غم و بی علاوه‌گی است.

شامل خشم، نفرت، ترس، شادی، غم و تعجب هستند. احساساتی مثل غرور، شرم، عشق و اضطراب نیز طبق دیدگاه‌های جدید در زیر دسته احساسات اصلی قرار دارند.

۳. نقش و اهمیت هر احساس را بشناسید

هر احساسی در بقاء، رشد و تصمیم‌گیری بسیار مهم و تاثیرگذار است. همه احساسات، حتی حس‌های منفی نیز در پیشرفت و حرکت به شما کمک می‌کنند. مثلاً فرض کنید یک روز هیچ احساس اضطراب و خجالت و غروری نداشته باشید؛ به همه چیز بی اهمیت هستید و در نتیجه تمام زندگی خود را از دست می‌دهید.

۴. شناخت چگونگی تاثیر احساسات بر تصمیمات

احساسات، ارزش و اهمیت اطلاعات را تعیین کرده و می‌توانند در تغییر جهت تصمیم‌گیری فرد موثر و مهم باشند. شناخت نادرست از خود و خواسته‌هایی که فرد آن‌ها را ارزشمند می‌داند، منجر به تصمیم‌گیری‌های اشتباه خواهد شد. با

گام اول شناخت طبیعت احساسات

برای اینکه بتوانید انواع احساسات خود را بشناسید، باید طبیعت، خواستگاه و ریشه آن را درک کنید. برای این کار، ۶ مرحله وجود دارد که در ادامه به طور مختصر ذکر می‌شوند:

۱. درک منشا و مبداء احساسات

احساسات، پاسخ‌های برنامه ریزی شده‌ای هستند که در طی تکامل بشر شکل گرفته‌اند. مانند اینکه در چه شرایطی باید بترسید تا بدن آماده استفاده از بالاترین توان برای دفاع از خود شود. انواع احساسات در حفظ بقای انسان و همزیستی با محیط نیز موثر است. احساسات مثبت مشترک میان انسان‌ها باعث نزدیک شدن آنان به یکدیگر و انجام کارهای فوق العاده می‌شود.

۲. احساسات اولیه را بشناسید

اغلب روانشناسان مجموعه‌ای از احساسات را هیجانات اساسی می‌دانند که باقی حس‌ها بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرد. احساسات اصلی

بالای بدن و یا پاها حس می‌شود. تپش قلب، تنفس سریع و بالارفتن متابولیسم از ویژگی‌های ترس است که باعث می‌شود در موقعیت‌های خطرناک با انرژی بیشتری از خود محافظت نمایید.

۴. احساس شادی

خوشحالی در پاسخ به چیزهایی است که اغلب پیام‌هایی از بقا، شکوفایی و موفقیت دارد. رابطه جنسی، داشتن فرزند، موفقیت در اهداف، مورد تقدیر واقع شدن... از انواع موقعیت‌های شادی آفرین هستند. احساس گرما، احساس رضایت، امنیت و بودن در یک زندگی خوب از ویژگی‌های حس خوشحالی است.

۵. احساس غم

غم در پاسخ به ضرر و زیانی است که برای شما اهمیت دارد. یک احساس دردناک برای جلوگیری از خسارات در آینده یا قدردانی از چیزهای از دست رفته می‌باشد. احساس غم عموماً در سینه شروع شده و از طریق گلو به

به بالا، در پشت گردن و در اطراف دو طرف فک، احساس می‌شود. احساس گرما، تنفس، درد و فشار نیز از دیگر تغییراتی است که در زمان خشم تجربه می‌کنید.

۲. احساس نفرت

احساس نفرت واکنشی نسبت به محرك‌های زننده است. چیزهایی که احتمال دارد شما را بیمار کنند و شما برای محافظت از روح و جسم خود از آن‌ها بیزار می‌شوید. اتفاقاتی مثل سوءاستفاده جنسی نیز می‌تواند شامل این تجربه‌ها باشد. نفرت در درجه اول خود را در معده، سینه و سر نشان می‌دهد.

۳. احساس ترس

حس ترس در پاسخ به برخی تهدیدات است که به شما کمک می‌کند از آن اجتناب کرده و خود را نجات دهید. در مواجهه بعدی نیز از آن محرك‌ها ترسیده و احتیاط خواهید کرد. ترس یکی از پیشرفت‌های ترین و نکامل یافته ترین احساسات آدمی است. این حس اغلب در نیمه

۶. احساسات خود را ثبت کنید

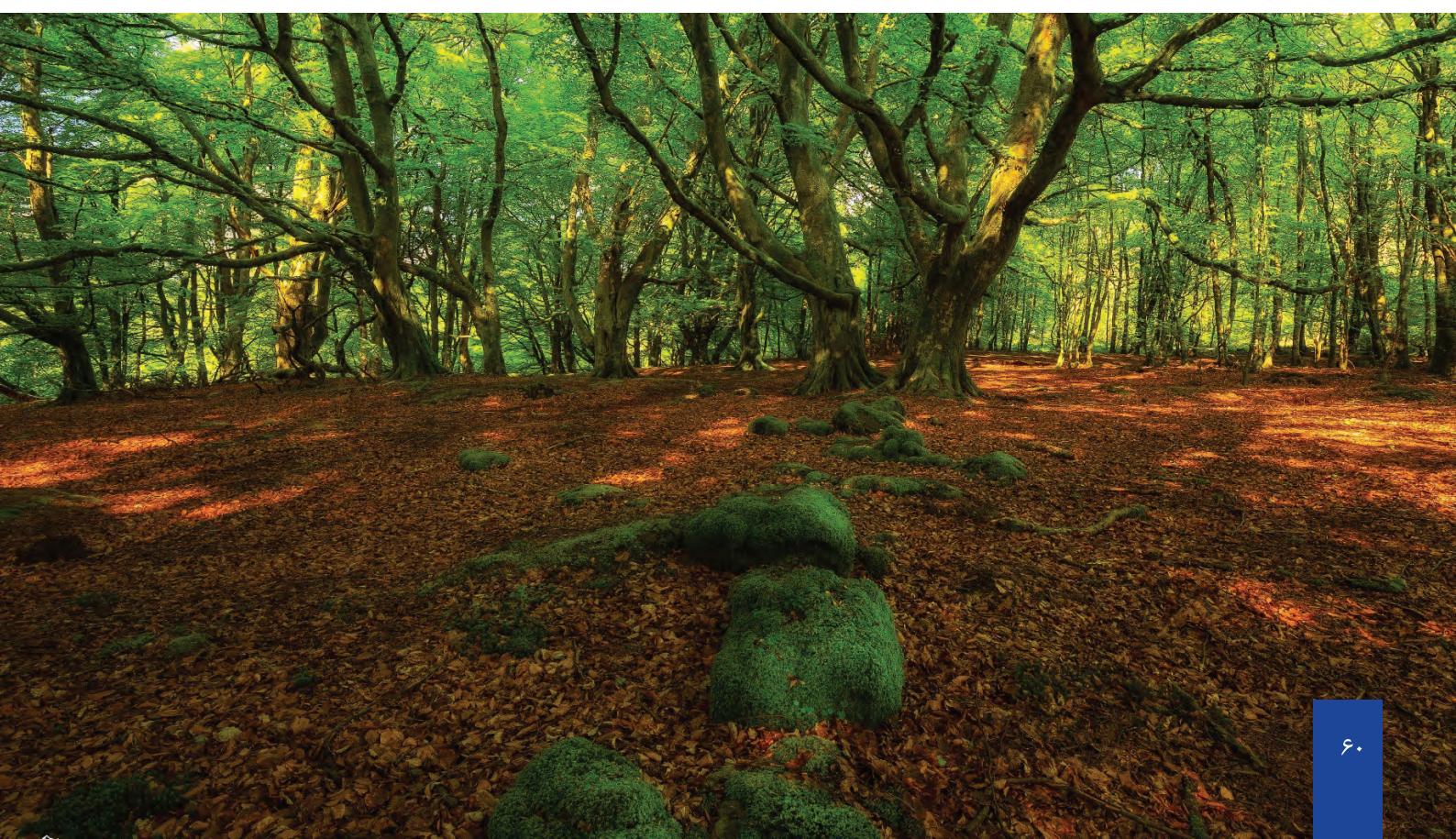
هر وقت که احساسی را تجربه کردید، آن را یادداشت کرده و حالاتی که برایتان اتفاق افتاده را شرح دهید. این گونه آگاهی و محرك‌های ایجاد کننده آن و واکنش‌های بدنتان را به دست می‌آورید. شاید در نگاه اول ساده به نظر بیاید، اما وقتی اینکار را انجام دهید، متوجه پیچیده بودن احساسات و واکنش‌های بدن خود می‌شوید.

یاد بگیرید که چه احساسی دارید

مردم در حالات مختلف احساسات متفاوتی را گزارش می‌دهند در حالی که تمایز آن‌ها را نمی‌دانند. باید بدانید که تفاوت احساسات در چیست؛ مثلاً عصبانیت با ناراحتی و بهت با خوشحالی چه فرقی دارند. در ادامه خواهیم گفت که هر احساس چگونه بر شما تاثیر می‌گذارد:

۱. احساس خشم

خشم زمانی به دنبال شما می‌آید که احساس کنید شرایط آن گونه که باید باشد نیست. تجربه جسمی خشم در پشت کمر بین تیغه‌های شانه رو





◦ عشق: دلسردگی، دلدادگی، عشق، تعلق، وابستگی، علاقه، دوستی، آشنازی

◦ خوشحالی: نگنجیدن در پوست خود، شادی، خوشحالی، رضایت، آسایش، آرامش

◦ حسادت: دشمنی، تنفر، حسادت، خودکم بینی

◦ ناراحتی: تنفر، خشم، دلشکستگی، آزردگی، ناراحتی، ناراضایتی

◦ ترس: وحشت، هراس، واهمه، ترس، نگرانی

◦ پشیمانی: شرم، خجالت، پشیمانی، مقصربودن

تأثیر خدمات روانشناسی بر شناخت احساسات

شناخت احساسات و آگاهی از آن‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی انسان دارد. در این صورت فرد می‌تواند در موقعیت‌های مختلف با آگاهی از حس خود، واکنش صحیحی نشان دهد. روانشناس به شما کمک می‌کند تا به خودشناسی رسیده و با آگاهی از احساسات و حالات درونی خود، بهترین برخورد را با محرك‌ها و وقایع بیرونی داشته باشید. اینگونه میزان سازگاری تان با محیط بیشتر شده و روابط اجتماعی تان بهبود می‌یابد. متخصصان مرکز مشاوره حامی هنر زندگی در خدمت شما هستند تا در این زمینه یاری تان کنند.

منبع: هنر زندگی

سمت بالا حرکت می‌کند. چیزی که آن را بعض نامیده و حس می‌کنید در حال خفه کردن شماست در نهایت به اشک ختم شده و کمی تخلیه می‌شود. پس در زمان غم به خودتان اجازه گریه کردن بدھید. گریه کامل در بازیابی انرژی و تسکین غم کمک مهمی خواهد کرد.

۶. احساس بهت و تعجب

احساس بهت و تعجب زمانی اتفاق می‌افتد که با رویدادی غیرمنتظره رو به رو می‌شود. بهت و تعجب، در مقایسه با دیگر احساسات، متفاوت است به طوری که نسبت به مثبت و منفی بودن آن رویداد خنثی هستید. تعجب یا شگفتی کمک می‌کند تا به اتفاقات غیرمنتظره توجه کنید. بهت و تعجب در درجه اول در سرو سینه احساس می‌شود و ممکن است نوعی احساس خالی بودن و یکه خوردن را ایجاد کند.

شدت و درجه احساسات

احساسات با توجه به شدت و ضعف‌شان با نام‌های مختلفی نامیده می‌شوند. برای مثال احساسات زیر از شدید بودن تا ضعیف بودن دسته‌بندی شده‌اند:

ترتیب کننده: خارپال الحاج رحمت الله (حییی)

ترکه (متروکه)

وارث میباشد. از نظر قانون مدنی افغانستان درماده ۱۹۹۷ مطابق مذهب احمد حبیل حقوق متعلق به ترکه را چنین بیان نموده است از متروکه به ترتیب ذیل تادیه میشود.

۱. مصارف تکفین و تجهیز میت تا زمان دفن

۲. اداء دین که بر زمئه او واجب است

۳. وصیت میت از ثلث مابقی ترکه بعداز تادیه

دین

۴. تقسیم باقی مانده ترکه به ورثه مطابق احکام میراث

درخواست تقسیم متروکه از محکمه

در صورت تعدد ورثه هریک از آنها میتوانند از محکمه درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سائر ورثه ها داشته باشند. همچنین ولی و

۴. دیت قتل عمد و یا غیر عمد که به واسطه صلح و یا عفو بعضی ورثه که در آن قصاص از بین رفته باشد

۵. حقوقی که تابع مال است مثل حقوق ارتفاق، تعلي، حق حبس مرهونه تا وقت استفاء

دین و حق حبس

۶. خیار عیب، خیار تعین و امثال آن

حقوق متعلق به ترکه

طوریکه در تعریف ترکه ذکر شده علمای احناف ترکه اموال را میدانند که از میت باقی میماند و حق غیر به آن تعلق نگرفته باشد، لذا اعیانی که به آن حق غیر تعلق گرفته نزد ایشان از جمله ترکه نیست.

بناءً حقوق متعلق به ترکه نزد علمای احناف عبارت از تکفین و تجهیز، اداء تنفيذی و وصیت

ترکه به فتح (ت) و کسر (ر) اسم مفعول و به معنی متروکه بوده، در لغت چیزی است که از میت باقی مانده باشد. در اصطلاح ترکه یا متروکه عبارت از اموالی است که از میت باقی میماند که حق غیر به آن تعلق نداشته باشد.

بناً علما فقه اسلامی در موارد ذیل باهم اتفاق دارند که آن را در تعریف ترکه شامل دانسته و قابل استحقاق به ارث میدانند.

۱. اموال منقول باشد یا غیر منقول، مثلی باشد یا قیمی، چون خانه، زمین، پول نقد، حیوانات و امثال آن. در صورتیکه در وقت وفات تحت تصرف میت ویا نائب او قرار داشته باشد

۲. دیون میت که بر دیگران است

۳. اموالیکه در آن میت حق معین و معلوم داشته باشد اگر چه در حیات او نباشد مانند غله وغیره

وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غیب و جنین و کسیکه سهم البت بعضی از ورثه به او منتقل شده و همچنین موصی له و وصی راجع به موصی به در صورتیکه وصیت بجز مشی از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم را دارند

”

بنابرین در تقسیم به رد

- ممکن است بعضی از شرکا از عین مال مشترک سهم نبرند.
- یا از عین مال مشترک هر کدام معادل سهام خود را نگیرند.
- عزم و مقدمه تقسیم به رد، ارزیابی و قیمت گذاری مال مشاعی می باشد.

در صورتیکه هیچ کدام حالات فوق کاربرد پیدا نکند تنها راه حل فروش اموال مشا از طریق مرجع ذیصلاح قضائی است. حالا سوال اینجاست که آیا ورثه میتواند به رضایت خود اموال را تقسیم نمایند بدون اینکه به مرجع قضائی مراجعه نمایند. در پاسخ باید بین دو حالت قاعدة تفکیک شد.

۱. تمام شرکا حاضر و رشید باشند: در صورتیکه تمام ورثه و اشخاصی که در ترکه شرکت دارند حاضر و رشید باشند به هرنوع که بخواهند میتوانند ترکه را مابین خود تقسیم و این تقسیم نامه را به محکمه ارایه نمایند یا طی توافق تقسیم نامه رسمی فی مابین تنظیم و براساس آن عمل نمایند بدون اینکه نیازی به مراجع قضائی باشد.

۲. تمام شرکا حاضر و یا رشید نباشند: اگر مابین شرکا ترکه محجور یا غایب باشد تقسیم ترکه توسط نمایندگان آنها در محکمه به عمل آید اگر برای غایب و محجور امین و یا قیم تعیین شده باشد ابتدا نماینده گان این اشخاص حسب موارد تعیین و پس از آن تقسیم به عمل می آید بنابراین در این حالات توافق و تقسیم اموال مشاعی خارج از محکمه امکان ندارد.

در این خصوص تقسیم ترکه طوری به عمل می آید که برای هریک از ورثه از هر نوع اموال حصه ای معین شود و اگر بعضی از اموال بدون زیان قابل قسمت نباشد ممکن است آنرا در سهم بعضی از ورثه قرار داد و برابر بهای آن از سایر اموال در سهم دیگران منظور نمود و اگر تعديل محتاج به ضمیمه پول به اموال باشد به ضمیمه آن تعديل میشود، در صورتیکه مال اعم از منقول یا غیر منقول قابل تقسیم و تعديل نباشد ممکن است فروخته شود و بهای آن تقسیم شود.

فروش اموال به ترتیب عادی به عمل می آید مگر آنکه مالی از ورثه فروش آنرا به طریق مزايدة درخواست کنند.

در کل از نگاه شکلیات ترکه به دو شکل ترتیب میگردد

۱. عرفی
۲. شرعی

ترکه را می توان در سه حالت تقسیم نمود.

۱. تقسیم به افزایش: به معنی جدا کردن سهم هریک از مالکین مشاعی از ملک مشترک میباشد.
۲. تقسیم ترکه به تعديل: در صورتیکه مال مشاعی از نظر اجزا ارزش واحد ویکسان نداشته باشد.
۳. تقسیم به رد: همیشه باکم یا زیاد کردن مساحت مال مشا توازن برای تقسیم ایجاد نمی شود. لاجرم برای تعادل سازی باید وجه یا مالی از خارج به برخی از سهم ها اضافه گردد تا شخصی که سهام کمتری به ایشان در تقسیم خواهد رسید با دریافت وجه یا مال اضافی شخص، سهام وی نیز از نظر ارزشی معادل سهام دیگر شرکا گردد.



مسان

آخر این عشق مرا خواهد کشت
عاقبت داغ مرا خواهی دید
دل پر درد فریدون مشکن
که خدا بر تو نخواهد بخشید

فریدون مشیری

شاید این را شنیده ای که زنان
در دل « آری » و « نه » به لب دارند
ضعف خود را عیان نمی سازنند
رازدار و خموش و مکارند
آه، من هم زنم، زنی که دلش
در هوای تو می زند پر و بال
دوست دارم ای خیال لطیف
دوست دارم ای امید محال

فروغ فرخزاد

به یکی خراب مانده وطن چراغ و عرفان
ز بس اشک و آه مانده ز بس انتظار رفته
ز بهار بی برو بار و نسیم تلخ اینجا
همه زرد و زرد گشته همه زار و زار رفته
نه عظیم نی مليحه نه کنیشکا نه دریا
تو چرا نشسته ای عاصی غم‌گسار رفته

قهار عاصی

(ویژه شعر و ادب)



نخواهد شد

ز قلبم تا ابد این غصه ها بیرون نخواهد شد؟
دل و دیده ز درد ات بیشتر هامون نخواهد شد؟
وطن! دریای اشکم من! ولی مهر و سرودمن
به یاد گلبن عشق تو، دیگر گون نخواهد شد
مرا از تو ربومند یا ترا از من نمی دانم
جدایی، آرزو دارم کزین افزون نخواهد شد
رسد روزی که از هجران فرزندت، دل خونت
دگر اینگونه پژمرده، دگر پر خون نخواهد شد
دگر خون جوان بی گناه تو نزیزانند
دگر قانون هستی باز بی قانون نخواهد شد
کیوت های صلح و مهربانی ها بزیبد در
فضای تو، شود روزی ولی اکنون نخواهد شد؟
نه ترسی و، نه شرمی از خدا باشد ارادل را
دعا، با آه ما آخر سوی گردون نخواهد شد
به دست گرگ افتاد رمه ای آرامش مردم
دگر آزاده سرو سعادت های ما موزون نخواهد شد؟
کنون آرای آزادی باید آبیاری کرد
از این بارگاه بی رغبت چه گوییم چون نخواهد شد

زندگی یعنی چه؟ یعنی آرزو کم داشتن
چون قناعت پیشگان روح مکرم داشتن
جامه ای زیبا بر اندام شرف آراستن
غیر لفظ آدمی معنای آدم داشتن
قطره ای اشکی به شباهی عبادت ریختن
بر نگین گونه ها الماس شبنم داشتن
نیمشب ها گردشی مستانه در باغ نیاز
پاکی عیسی گزیدن عطر مریم داشتن
با صفاتی دل ستردن اشک بی تاب یتیم
در مقام کعبه چشمی هم به زمزم داشتن
تا برآید عطر مستی از دل جام نشاط
در گلاب شادمانی شربت غم داشتن
مهرتر رمز بزرگی در بشر دانی که چیست
مردم محتاج را بر خود مقدم داشتن
مهلت ما اندک است و عمر ما بسیار نیست
در چنین فرصت مرا با زندگی بیکار نیست
سههم ما چون دامنی گل نیست در گلزار عمر
یار بسیار است اما مهلت دیدار نیست
آب و رنگ زندگی زیباست در قصر خیال
جلوه این نقش جز بر پرده‌ی پندار نیست
با نسیم عشق باغ زندگی را تازه دار
ورنه کار روزگار کهنه جز تکرار نیست

قیصر امین پور

آخر ای دوست نخواهی پرسید
که دل از دوری رویت چه کشید
سوخت در آتش و خاکستر شد
وعده های تو به دادش نرسید
داغ ماتم شد و بر سینه نشست
اشک حسرت شد و بر خاک چکید
آن همه عهد فراموش شد
چشم من روشن روی تو سپید
جان به لب آمده در ظلمت غم
کی به دادم رسی ای صبح امید

نفیسه خوشنصیب غضنفر

همه

همه ترک یار گفته ست و زملک یار رفته
همه دل بکنده زین جا، همه زین دیار رفته
همه قصد دور دست از وطن تباہ کرده
همه زین ولایت سوگ به زنگبار رفته
چه کند اگر بیایند غریبه‌های اینجا
ز یکی ندیمه‌ی دل، ز یکی نگار رفته

په غبارونو لارې چکي دی چې تاواوينم
د پردي شاته رابنکاره شه چې رنما ووينم
زه درته ناست يم له کلونو په کړکي کې د زیده
زمور کوشې ته به رائې چې دې اشنا ووينم
شه په موسکا، که د اغزي د سر په پرخه کې وي
چې مې قبوله په لمدو اوښکو دعا ووينم
زه هم د مينې د زنځير یوه غږيې کړي
دواړانګو ډک لاس دې راتېر کړه چې شرنګا ووينم
ارمان چې ستا په اسویي لکه د شمعې و مرم
ارمان چې ستا په غېر کې خان لکه سبا ووينم
زما په سترګو او په زړه کې غمي وليکوه
چې دې په تورو تورو ټیرو کې بیا بیا ووينم
کاروان دې و مرم د ارمان له لارویو سره
کاش مروره یاره یو خل دې پخلا ووينم

پير محمد کاروان

ادراك او دانسان اړيکې لولم
دهغه او د اسماں اړيکې لولم
زه دستورو د مدار خڅه درڅمه
یا د لمرا او کهکشان اړيکې لولم
د چا روح مې په رګونو کې بههيو
دابد او دروان اړيکې لولم
څه یادونه مې، پېچلي پېچل روح کې
دماضي او د دروان اړيکې لولم
يونامرد درد مې رېښو کې دی شين شوي
دهغه او د جانان اړيکې لولم
ديو پت احساس د کيف خڅه راوزم
دخپل خان سره د خان اړيکې لولم

پروین ملال

تیکری

خنګه دی راوکتل تیکري لاندي
بریښي بنکلی ستوري دی تندي باندي
توری دی کوشې بنکلی اوبدلې دی
زانګې په ټهړدي مالیدلې دی
حال دی پت ساتلي له پیکي لاندي
بریښي بنکلی ستوري په تندي باندي
مادرته کتلې ګناه زه ګالم
درېه شم ګدرته زه به ووایم
کېرده دا بشني لاس دی زما زړګۍ باندي
بریښي بنکلی ستوري په تندي باندي
سترګې دی پخوانه رانجه داري دی
بنکلې تکي توري بشني خوماري دی
حال دی ورته ګوري په مستي باندي
بریښي بنکلی ستوري په تندي باندي
ته خنګه تنکي بنکاري منه شولی
شنه شولی پخه شوي تکه سره شولی
خيال دسرحد کوز شو په پسلې باندي
بریښي بنکلی ستوري په تندي باندي

امرالدین سرحد

فرید احمد تسکین

غزل

ژوند عذاب دی، شاعري ده او زه مرمه
جام خالي دی، بې خودي ده او زه مرمه
فلسفه د انسانې به مې خراب کړي
مینه ستا باچاخاني ده او زه مرمه
مینه خه ده بس په تا پسي تلاش دی!
مینه خه ده رسوايې ده او زه مرمه
بې له تا مې زندګي ده او زه مرمه
ستا همدا مسلماني ده او زه مرمه
بندګي ده او خدائي ده او زه مرمه
مینه توله خان خاني ده او زه مرمه
تسکین نشته ده جدائې ده او زه مرمه
میکده مې بې ساقې ده او زه مرمه

د رنما خړيکه

تیارو کې خړيکه د رنما وه، ماوې ته بې هغه
سپورمې کې پاتې خه خلاوه، ما وې ته بې هغه
پوه نه شومه دوى وي ملايکه راغله، بېرته ولاړه
باران و، تالنده، برېښنا وه، ماوې ته بې هغه
راته موسکى وه او زما په زړه بې لاس اينې و
د زړه مې بل رنګه درزا وه، ما وې ته بې هغه
جنت نه راغلم، حورې ټولې وي حیراني ماته
ترغور مې ستا غوندي خندا وه، ما وې ته بې هغه
زه و مخړه مې وه، خو ليري تښتيله رانه
زما له تن خڅه جلا وه، ما وې ته بې هغه

علم ګل سحر

سمسور به دا وطن شي ، په زيار او په زحمت
آباد به دا وطن شي ، په کار او په همت
په مهور د خوانانو ، په تدبیر د عالمانو
جو پيروري ، له ډاکونو ، ويرانو خڅه جنت

سید عبدالله نادر



جمله های طلایی

(یک جمله ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند)

قسمت شصت و دوم :

- دشمن چون از همه حیلی فرو ماند سلسله دوستی بجنباند . پس آنکه به دوستی کارها کند که هیچ دشمنی نتواند.
(سعده)
- مرا به جرم دزیدن یک نان به زندان انداختند و پانزده سال در آنجا نان مجانی خوردم این دیگر چه دنیایی است.
(ویکتورهوجو)
- هیچ چیزی منفور تر از احترامی که از ترس نشات گرفته نیست. (آلبر کامو)
- مهریانی مهمترين اصل "انسانیت" است، اگر کسی از من کمک می خواهد، به این معناست که من هنوز روی زمین ارزش دارم. (پائولو کوئیلو)
- مردانی قوی در زندگی کسانی هستند که معنای واژه صبر را درک می کنند. (توكوگawa ایه یاسو)
- نصف اشتباها قمان ناشی از این است که وقتی باید فکر کنیم ، احساس می کنیم و وقتی که باید احساس کنیم ، فکر می کنیم. (هاروکی موراکامی)
- اگر زیبایی را آواز سر دهی ، حتی درنهایی بیابان ، گوش شنوا خواهی یافت. (خلیل جبران)
- یک سال بعد، جناب عالی حسرت خواهید خورد که کاش از امروز شروع کرده بودید . (کارن ملب)
- خشم تنها در ذهن احمقها لانه می کند. (آلبرت انیشتین)
- خردمند برای رسیدن به هدف ، ممکن است حتی دشمن خود را بر شانه هایش سوار کند. (پینچا تنترا)
- مراقب باشید چیزهایی را که دوست دارید بدست آورید و گرنه ناچار خواهید بود چیزهایی را که بدست آورده اید دوست داشته باشید. (جرج برنارد شاو)
- اگر به دنبال آن یک نفری هستید که زندگی شما را تغییر دهد نگاهی به آینه بیندازید. (خلیل جبران)
- تکبر ، آسانترین راه برای از بین بردن سرافرازی ها است. (نیچه)
- اگر می خواهی رازی را از دشمنان پنهان بداری ، آن را هرگز به دوستانت فاش مکن. (بنجامین فرانکلین)
- مرد موفق کسی است که بتواند با آجرهایی که دیگران برایش پرتاب می کنند ساختمانی با پی محکم بسازد.
(دیوید برینکلی)
- از آدم های منفی فاصله بگیرید، آنها برای هر راه حلی یک مشکل دارند. (آلبرت انیشتین)
- صبر، استقامت و سخت کوشی ، ترکیبی بی نظیر برای موفقیت است. (نایپلئون هیل)
- شکست خوردن سخت است اما سخت تر از شکست آن است که هرگز برای موفقیت تلاش نکنیم. (تندور روزولت)
- اجازه دهید همیشه با لبخند با هم رو برو شویم، زیرا لبخند سرآغاز عشق است. (مادر ترزا)
- فقط زمانی کاری را به فردا موکول کن که برایت اهمیت نداشته باشد که بعیری و انجامش نداده باشی. (پابلو پیکاسو)
- اگر می خواهید زندگی شادی داشته باشید، زندگی خود را به یک هدف گره بزنید نه آدم ها و چیزها. (آلبرت انیشتین)
- نخستین دلیل شکست خوردن در زندگی آن است که افراد به حرف دوستان، خانواده و همسایه ها گوش می دهند.
(نایپلئون هیل)
- مردی موفق است که صبح از خواب بیدار شود، شب به رختخواب برود و بین این دو هر کاری که دوست دارد انجام دهد. (باب دیلان)
- زندگی پیدا کردن خودت نیست، زندگی ساختن خودت است. (جرج برنارد شو)

- به نظر من کنجکاوی در همه جنبه های زندگی، راز افراد خلاق است. (لئو برنت)
 - بدون ذهن باز هرگز نمی توانید موفقیت بزرگی به دست آورید. (مارتا استوارت)
 - انسان به هر چیزی که بتواند در ذهنش تصور کند و به آن باور داشته باشد می تواند برسد. (ناپلئون هیل)
 - خوشبختی چیزی ساخته و آماده نیست بلکه از اقدامات شما به دست می آید. (دالایی لاما)
 - کسی که اشتباه نکرده هرگز چیز جدیدی را امتحان نکرده است. (آبرت اینشتین)
 - من هرگز مرد نادانی را ملاقات نکرده ام که از او چیزی یاد نگرفته باشم. (گالیله)
 - وقتی که از صفات خوب دیگران تعریف می کنیم در حقیقت به احساسات عالی خود احترام می گذاریم، نه به ارزش مردم.
- (لاروشفوكو)
- اخلاق مجموعه‌ای از هوا و هوس‌های اجتماعی است. (آقاتول فرانس)
 - امروز را دریاب و به فردا هرچه بتوانی کمتر تکیه کن. (هوراس والپول)
 - هدف بزرگ زندگی کسب دانش نیست، بلکه اقدام و عمل است. (هانری طامس هاکسلی)
 - زبان تیز یکانه آلت تیزی است که با استعمال زیاد و دائم تیزتر می شود. (جرج واشنگتن)
 - دل دلایلی دارد که عقل از آن به کلی بی خبر است. (پاسکال)
 - فقر انسان را از بعضی چیزها محروم می کند، ولی خست شخص را از همه چیز محروم می کند. (لابریر)
 - در تعرض ملایم و در انتقام چالاک باش. (داغستانی)
 - هر چه کمتر آرزو داشته باشید، محرومیت‌های شما کمتر خواهد شد. (پلواتارک)
 - اگر شغلی داری که هیچ سختی در آن نیست پس بدان که اصلاً شغل نداری. (ماکلوم اس فوربس)
 - در دنیا تنها دو چیز زیبایست، زن و گل. (مالرب)
 - اول اندیشه، وانگهی گفتار. (لائوسته)
 - در پشت هیچ در بسته ای ننشینید تا روزی باز شود. راه کار دیگری جستجو کنید و اگر نیافتید همان در را بشکنید.
- (اُرد برگ)
- انسان! خودت به یاری خود برجیز!. (بتھوون)
 - گاهی بی رنگی از هر رنگی زیباتر و مفیدتر است. (شاتو بربان)
 - از فلاسفه می خواهم که به دنبال حقیقت نزوند چون حقیقت نیاز به پشتیبان ندارد. (فردیریش نیچه)
 - اراده‌ی مرد عامل خوشبختی است. (شچدرین)
 - راز خوشبختی در این است که کاری را که مجبور به انجام آن هستید دوست بدارید. (هاکسلی)
 - حقیقت، در قلب هر انسانی، جای دارد. آنجاست که باید به جست و جوی آن پرداخت، ما حق نداریم دیگران را وادار سازیم که حقیقت را به روش شخص مابینند. (گاندی)
 - جهل و تعصب آنقدر قدرمendif است که می تواند: جنگ را صلح و آرامش، و بردگی را عین آزادی جلوه دهد. (جورج اورول)
 - کار کنید تا به آسایش برسید بکوشید تا به موفقیت نایل شوید. (توماس آکبیس)
 - بزرگترین سعادت فرار از فلاکت است. (الیوت)
 - آزادی به بردین زنجیرها از دست و پا خلاصه می شود، آزادی به احترام گذاشتن آزادی دیگران نیز نیاز دارد. (تلسون ماندلا)
 - قهرمان واقعی کسی است که سبب خوشی دیگران می گردد. (مونتلان)
 - خوشبختی تنها در علم نیست، بلکه در طریقه استفاده از آن است. (اوگاریو)
 - برای اینکه بشر بتواند در دنیا خوشبخت زندگی کند باید از قسمتی از توقعات خود بکاهد. (شامفور)
 - برای آنکه بتوانید خوشبخت زندگی کنید اسرار خود را به رکس نگویید. (فلوریان)
 - ما باید برای خوشبخت زیستن موقعیت های مناسب ایجاد کنیم، نه اینکه در انتظار آن باشیم. (فرانسیس بیکن)
 - شادمانی در خانه ای است که مهر و محبت در آن مسکن دارد. (شکیپر)
 - انسان اگر ناخوش باشد و کار کند بهتر از این است که سلامت باشد و بیکار بنشیند. (کازوبون)

“
**مراسم افتتاح کریدت کارت
یکی از خدمات نوین و ارزشمند غضنفر بانک**
“

